

بازدید شد
۱۳۸۲

کتابخانه مجلس شورای ملی	
مجموعه اسرار	
موضوع کتاب	۵۷۱۵
اسم کتاب	۱۳۵۰
مؤسسه	۱۳۰۲
شماره دفتر	۱۹۱۰۵
تاریخ	۹۵۹۱



تثلی - فهرست شده
۶۷۱۵



۵۳۱۳۵

۵۳۱۳۵
۱۳۰۲
۱۳۰۲
۱۳۰۲



بل لاشی فی الحقیقہ معزادہ مہمند پشاور سی آر آر مسند
 ...
 از حقوق دیوانی ہندوستان و ایران معلوم بہکنان باشد
 مرچند این امر خطیر را از جمعیت دل و کتب مدونہ درین فن
 ناکزیر است لاچار بہ اشارہ بعضی اعزہ کتبی چند ماہ
 نقایس الفنون و جریدمتی العجایب زکریا قزینی فیروز
 ابی حفص سمر و مجمع الغرائب سلطان محمد بلخی
 و لغت اقلیم وروضہ اولی اللہ و تاریخ عسمری
 و تاریخ رشیدی و تاریخ مطہر السعدین و روضتہ
 و ظفر نامہ و تاریخ گزیدہ و بستان سمر
 و آئین کبری و مرآة العالم بجاور تھا و نزعہ ال...

کتابخانه
مجلس رازی
۱۳۱۲



بسم اللہ الرحمن الرحیم

حمدی کہ سیان خوش
 او نام در طول و عرض آن
 شایان پادشاہ بی وزیر
 بدایت و نہایت پدیدار نیست و در و دنا معد
 آن زیب بخش مسند رسالت و زینت انوار و
 خاتمیت کہ لواجر جان کن شریعت غرا و عا
 ملت چنانیش قاف تا قاف قاب قوسین
 در نور دید و برآل و اصحاب او با و کمترین ضعف

مستوفی قزوینی و اوصاف امصار یزدی در روضه الطاهرین
 و اقبالنامه جهانگیری و شاه جهان نامه اعمال صالح و محمد در
 و علماء الملک تونی مخاطب بفاضلین و عالمگیرنامه تصنیف
 محمد کاظم و آثار عالمگیری و عالم آرا و عباسی تصنیف سکه در
 منشی و افضل التواریخ تصنیف فضل صفی افغانی
 و غرایب الاسرار و دستور العمل شاهجهانی
 و پیران آثار تالیف علی بن عزیر الله طاطا و تاریخ فرشته

و دیگر نسخ فراهم آورده نسخ مختصری مرتب گردستی
 مله الممالک مشتمله دو باب و خاتمه المم جعل خاتمه اموزناجیرا

پیش از آغاز در مقصد کلماتی چند که موقوف علیهاست تحریر
 می آید بد آنکه در هند و ستاد دیار هر سال از خریف
 مقرر است دو از ده سال ترکی را برین و تیره شمار کنند

خریف شچقان میل و ربیع اودی میل
خریف اودی میل و ربیع پارس میل
خریف پارس میل و ربیع توشقان میل
خریف توشقان میل و ربیع لوی میل
خریف لوی میل و ربیع سیلان میل
خریف سیلان میل و ربیع یونت میل
خریف یونت میل و ربیع قوی میل
خریف قوی میل و ربیع پچی میل

خریف هجی نیل و ربیع تحاقوی نیل

خریف تحاقوی نیل در ربیع انت نیل

خریف انت نیل و ربیع تنکو ز نیل

خریف تنکو ز نیل و ربیع سچقان نیل

چون در فرامین و پرد انجات جا کیرات و نصب و عزل

عمال که در فصل یا ثلث یا نصف و غیر آن واقع می شود

دانستن آن ضرور بود لهذا در ضمیمه خریف و ربیع هر یک مفصل مرقوم ^{گردد}

مهر ابتدا آبان پنجدهس فروردی ابتدا اردی بهشت

آذر ثلثان دی نصف خرداد ثلثان تیر نصف

بهمن ثلث اسفند رسکا ارداد ثلث شهر پور رسکا

در دفتر سلطنت تاریخ های شمسی است که ماه الهی نویسنده ^{چون}

اشهر قمری هفت ندارند و هر تاریخی را بنامی خویش

سی و شش یوم

تسروردی اردی بهشت خورداد تیر

سی و یک یوم سی و یک یوم سی و دو یوم سی و یک یوم

امرداد شهر پور مهر آبان

سی و یک یوم سی و یک یوم سی یوم سی یوم

آذر دی بهمن اسفند

بیت و نوبوم بیست و یک یوم سی یوم سی یوم

روزها که مشهور مقرر است و چون در بعضی مشهور روز

از سی زیاد بود میفرماید شیرازی در سال بیت و نیم کبری

به شب و روز سی کرد ایام مستتره از میان بر افتاد

اور بروزن روز اول روز ماه شمسی

بهمن بروزن نخستین دوّم ماه شمسی

اردیبهشت با بضم سوم روز ماه شمسی
 شهر نور با بفتح چهارم روز ماه شمسی
 اسفند دارند با کسر پنجم روز ماه شمسی
 خرداد بر وزن مرداد با بضم ششم روز ماه شمسی
 امرداد که مرداد با بفتح نیز گویند هفتم روز ماه شمسی
 دیباذر بر وزن سودا که خورم روز نیز گویند هشتم روز ماه شمسی
 آذر بضم ذال مجسمه نهم روز ماه شمسی
 آبان بر وزن تابان دهم روز ماه شمسی
 خور بضم خا بر وزن دو او معدوله یازدهم روز ماه شمسی
 ماه بر وزن شاه دوازدهم روز ماه شمسی
 تیر بر وزن میسر با کسر سیزدهم روز ماه شمسی

کوشن بر وزن بوشن کاف فارسی چهاردهم روز ماه شمسی
 دی ماه بفتح اول سکون دهم و کسر سوم و سکون پنجم
 و در آخر ای جمله پانزدهم روز ماه شمسی
 مهر با کسر شانزدهم روز ماه شمسی
 سروش بضم اول و دوم هفدهم روز ماه شمسی
 رشن بفتح رای مهمله و سکون شین معجزه و رشن
 بزیادتی نون نیز آمده هجدهم روز ماه شمسی
 فروردین با بفتح نوزدهم روز ماه شمسی
 بهرام با بفتح بیستم روز ماه شمسی
 رام بر وزن کام بریت و یکم روز ماه شمسی
 باد بر وزن شاد بریت و دوم روز ماه شمسی

دی بین بروزن شرم کین بر سوم روز ماه شمسی
 دین بروزن کین با کمر میت د چهارم روز ماه شمسی
 آراد بروزن آبا و اربا کین بر نهم روز ماه شمسی
 اشناد بروزن اشناد بر دهم روز ماه شمسی
 آسمان میت و هم میت روز ماه شمسی
 زامیاد برای معجبه الف و میم و یاو الف و د ل بر روز ماه شمسی
 مار اسفند که مار اسفند انیز کین بر نهم روز ماه شمسی
 انیزان بروزن ایران سه ام روز ماه شمسی
 روز سی و یکم روز ماه شمسی
 شب سی و دوم روز ماه شمسی

و مدار اخذ حقوق دیوانی که تخواه میکنند از عهد اکری

بستقواب

بر استصواب راجه تو در مل بر دام نهاده اند بر نیوج

یک دام دو نیم دام پنج دام ده دام
 با و بالا نیم آنه یک آنه دو آنه چهار آنه
 میت دام سه دام چهل دام صد دام
 هشت آنه دوازده آنه یک رو پیه دو نیم رو پیه
 پانصد دام یک هزار دام ده هزار دام لکه دام
 دوازده نیمه بریت چروچه دو صد و پنجاه رو دو هزار و پانصد
 ده لکه دام کرور دام ده کرور دام ارب دام
 بریت چار رو دو لکه پنجاه ارب میت و پنج لکه دو کرور و پنجاه لکه
 صد هزار را یک لک و ده لک را پر پوت و ده پر پوت را
 کرور و صد کرور را ارب و ده ارب را کرب و ده کرب را

بکرب وده بکرب را چهار سروج و ده مهاسروج با
 پدم و ده پدم را سکنه و ده سکنه را سمنند و ده سمنند را
 کدر اخوانند و در بخاله رواج جیتل و کنده و آنه است
 یک و پیه از شازده آنه تجاوز نمند و بیت کنده یک آنه
 و چهار جیش کیننده حساب میکنند و در کشتوار کشمیری
 مروج است و یک و نیم آن یک و پیه است و در بیجا پورو
 حیدرآباد همون رواج دارد و آن هر دو قسم است
 در طرقت کرناکت پنج و پیه و در بلده بیجا پور به نیم رو پیه
 اوزان و پیمایش بنموجب است
 سیراگری سی و ام فی دام مکتوبه هشت ماشه شش سرخ
 سیر جابگیری سی و شش و نیم دام

سیر شاه جهانی چهل و دو دام
 سیر عالمگیر چهل و سه دام
 سیر قدیم هندی چهل دام
 سیر کشمیر هفتاد و یک
 بل راج کشمیر دو دام
 کندی راج دکن هفتاد و یک
 کلسی راج سورت هه مختلف شش و هفت من
 ترک راج کشمیر چهار من کشمیری مقوره هشت آثاراگری
 چهارک راج کابل یک آثار و یکپ و بالا
 من اکبری سی آثار
 من جهانگیر سی و شش آثار

من شاه جهانی و عالمگیری چهل آثار
 من کشمیر دو آثار اکبری
 من قندهار ده آثار هندوستانی
 خروار راج کابل ده من
 خروار راج کشمیر شانزده ترک مقررده من هشت آثار
 خروار قندهار چهل اکای ده من هندوستانی
 پیمایش زمین
 مروج هندوستان بیت بسوه طول بیت کنه عرض کنه
 کهنه سه ذراع خلقی بسوه بیت بسواسی
 بسواسی طول یک کهنه و عرض یک کهنه
 مروج پشاور فی جریب چهار کنال و کنال بیت

مناد
 راج پشاور طول بیخ و نیم ذراع و نیم پا و عرض هم بموجب طول
 راج لاهور سی و شش ذراع
 خاور راج دکن یکصد و بیست و یک
 من راج سرار نه یک راج خاندیس چهار یک
 راج خاندیس هشتاد و یک
 قلب زمین
 راج کابل سی یک کهنه فی یک کهنه صد دام مقررده سه هزار دام
 ضابطه غزنین بیست و پنج یک کهنه فی صد دام مقررده و هزار پانصد دام
 معمول پشاور بدو قسم
 خام چهار کنالی نصبت یک کهنه پنجاه شش کنالی نو و یک کهنه

۹
گروه که عبارت از میل است در رسمی و پادشاهی
تفاوت دارد برین وجه که دو گروه پادشاهی می بینیم که در رسمی پادشاهی
گروه پادشاهی دو صد جریب فی جریب برین وجه
پادشاهی فی ذراع چهل و دو صاع مقرر است از ذراع پادشاهی
گروه رسمی چهار هزار ذراع رسمی

صوبجات بدانکه پیش از ظهور دولت اکبری
در هندوستان دیار صوبه و سرکار مروج نبود و آنچه
تو در آن برکنات مخلوط از سرکار و چند سرکار را صوبه
مقرر ساخت و نظر بر جمع هر محال داشته رو پیراهن
قرار داده و امی هر پرکنه را در دفاتر نگاشت و بر کرده ام
عامل نصب است که بیان عرف آنرا کرده است

و نخستین قانون کویان اگر چه از اسلام شاه بن
شیر شاه است اما راه فرور بازار آنها را رونق داد
تا نگاه سر رشته کاغذ و بیان حال رعایا و تدبیر آبادی
و افزونی مزرعت و مشورت ضبط حاصل و گذارش
حقیقه هر نیک و بد بایشان وابسته باشد و صوبه
که بر رعایا مقرر بود نصفی به پتواری که حساب دن
می باشد عاید می شد و نصفی بقانون کوی در عهد
اکبری حصه قانون کوی بر انداخته بشرط خدمت کرنی
سه کونه از سرکار مقرر شد ماهواره اول پنجاه روپیه
دوم سی روپیه سوم بیست روپیه امروز در هندوستان
که کار از قانون برست و جماعه قانون کوی را کس نمی بیند

آنها هم با میرصد اها و زمین داران ساختگی کرده و صفت
اگر کسی از اعمال بر طبقه سلف می رود و از ایشان
استفساری کند خلاف مرضی زمیندار اظهار نمیشود
کنند و رواجی که در عهد عالمگیر قرار یافت بود که
عالم را کم از عجم چهل سال مقرر نمی کردند بدو شش کی
متابقت حضرت انبیا علی نبینا و علیهم الصلوٰة
و السلام دو م بنا برین که این سن کمال است
تمشیت خدا بوجه اس و ادای مال دیوان و رفاه
رعیت را مد نظر خواهند داشت و زین الدین از
حفظ درجیده العجایب گوید که عادت اهل هند است
که تا شخصی چهل ساله نباشد بر خود پادشاه نمی کنند

الکوم رواج عالم گیر کوشه کیر است پیش از شروع در هر
صوبه بخشی از کوائف هندوستان و آغاز قسط بندیها
تجسس که یاد کار سلف است برای شادابی سخن رسیده
کلک بیان میگردد بدانکه در جریده قزوینی است
هند را در طول سه ماهه و در عرض ده ماهه شمرده است
و در جریده زین الدین چهار ماهه طول و سه ماهه عرض است
و این هر دو خلاف است و آنکه معموره عالم است جنوب
شرق و غرب جنوب بشور دریا پیوسته و شمال و بلند
گوئی است که انتهایش مانند دریای شور ناپیدا پناجیه
در معنی گفتند **نظم** بسط روی زمین جلوه است
چهار هزاره ازان چهار فرسخت و پنج ترکستان

شش است مرو خراسان و روم با تبریز چون هزار
بماند تمام هندوستان بهر تقدیر ملکی است و هیچ
مشتمله انواع عمارت و زراعت و جو بیار روان و انهار
جریان و در آب و هوا تعارب فصول و اعتدال انحراف
بی مانند و موسم ریزش ابر که بهر سار و زور کار است
توصیفش از آئین اکبری و شاه جهان نامه و خلاصت
التواضع ظاهر اغزش از اجسام جز او انتهایش تا
ابتدای میزان است و ایام اقطاب و تحصیل بدین موجب است
ایام تحصیل خریف از دهمه شروع شود و آن چنین
است هند و از اواسط یا اواخر سنبله یا ادا
میزان ایامش تا اواخر جمادی یا دلو تا اوایل حوت

ایام تحصیل ربیع از هولی آغاز کرد و آن هندی عهد است
در پایان دلو تا غنغوان حوت تا میانه او ایامش تا
آخر اسد و یا اواسط و یا اواخر سنبله
و چون در ضلع صوبجات ذکر اخذ مال دیوان است و آئین
خراج گذاردن مناسب بدانکه بر اراضی مزروع ربیعی که
شیر شاه قرار داده است آرز مال گویند و از انواع محترقه
گزیده جهات خوانند و باقی را سایر جهات در
بر مال است و جهات گویند اگر به دیوان رود و اگر نه فروغ
نامند و عمل سنگی است به قسم رود اول گنکوت مرکب از
کن هندی زبان غله و کوت یعنی تخمین و قیاس همگی
اراضی را بجزیب یا بکام اندازه بر گیرند و غله را نیز از

دی بر سنجند اگر اندیشه بخاطر راه یابد کشت را
 کزین دمیانه وز بون درو کرده بسنجند تا اشتباه
 رفع شود **دوم** بتانی که بها وانی نیز گویند کشت را بریده
 خرمهها بر سازند و به قرار داد بخش کنند در صورت
 پاسبانان آگاه فراوان باید ورنه بدکهران نارسد
 دست خیانت بر آلایند **سوم** لاکتک بتانی تمام
 و الیف و نون خفی و کاف غلهها بریده بشماره بر سازند
 و با یکدیگر قسمت رود هر کدام آنرا بخانه خود آورده پاسبان
 و سود بردار و اکنون طول و عرض ممالک محروسه که در دست
 سلاطین جغتایمیه بوده است بیان می شود
 نور دستور العمل شاه جهانی و شاه جهان نامه از بندر و ول

عرف بندر لاهری متعلق صوبه تته تا سلامت بخاله
 دو هزار گروه جزیبی مقدر چهار هزار گروه رسمی
 در مرآة العالم بخا و خانی عهد عالم گیری از بندر لاهری تا
 تمانه بندر سنبل متعلق صوبه بخاله بدین طریق نهصد و نود
 چهار گروه جزیبی مقرا کینزار و هفت صد و چهل گروه
 از بندر لاهری تا بلده تته بمیت و پنج گروه از تته
 تا بهکهر یکصد و سی گروه از بهکهر تا عثمان نود و چهار گروه
 و کری از ملت ان تالاهور معناد و پنج گروه از لاهور
 تا شاه جهان آباد یکصد و هفت گروه از شاه جهان آباد
 تا کبر آباد نود و چهار گروه از کبر آباد تا آله آباد
 یکصد و هفت گروه از آله آباد تا پتیه نود و

شش کرده و کسری از پخت نامونگیر سی و هفت کرده
 از مونگیر تاراج محل چهل هشت کرده از راج محل تادها که
 یکصد و هشت کرده از دها که تا سه هفت هشتاد و هفت
 کرده از سه هفت تا بندر سل سی کرده به اعتبار آنکه هر
 منزل دوازده رسمی یکصد و چهل و پنج منزل می شود که چهار تا
 و بیست و هفت روز راه باشد در دستور العمل
 شاهجهانی از قرا باغ لواحق غزنین تا اودی و در
 شاهجهان نامه از قلعه بست تا اوسه بیجا پور یک هزار
 پانصد کرده جریبی و مقر است هزار کرده رسمی
 و در مرآة العالم از سرحد ولایت تبت اقصای کشمیر
 تا قلعه شولا پور که در عهد عالم گیری از عادیان تصرف
 در آمده

ششصد

ششصد و هفتاد و دو کرده جریبی مقر یک هزار و یکصد و
 هفتاد و شش کرده رسمی از سرحد تبت تا تبت خور
 مشحد کرده از تبت خور تا کشمیر شصت و چهار
 کرده از کشمیر تا پور یکصد و یک کرده از لاهور تا بیجا
 یکصد و پنج کرده از شاهجهان آباد تا اکبر آباد چهل و چهار کرده
 از اکبر آباد تا برهان پور یکصد و هفتاد و هشت کرده
 از برهان پور تا اورنگ آباد چهل و دو کرده از اورنگ آباد
 تا شولا پور هفتاد و هشت کرده بحسابی که منزل دوازده
 کرده باشد فود و هشت منزل می شود که سه ماهه و دو روز راه

صوبه
 در دستور العمل شاهجهانی
 بیست و یک صوبه

در خلاصه التواریخ بر صوبه در مرآة العالم نوزده صوبه

سزگار

در دستور العمل شاهجهانی دو صد و پنجاه سزگار

در خلاصه التواریخ یکصد و نود و دو سزگار

مجال

در دستور العمل چهار هزار و مئصد و پنجاه و دو مجال

در خلاصه التواریخ چهار هزار و یکصد و پنجاه و دو مجال

در مرآة العالم چهار هزار و چهار صد و هفتاد مجال

دامی

در دستور العمل سیزده ارب و شصت و دو بیت و

هشتاد و یک و پنجاه و شش هزار و دو صد و شصت و دو دام

دلفین

شصت و پنجاه و شصت صد و پنجاه و دو اوزده هزار

ورق پان دو هزار و چهار صد و شش و شش بر کلکی

در خلاصه التواریخ ارب و شصت و شصت و شصت و دو

بیت و شش و شصت و شصت و پنجاه و مئصد و مئصد و دو دام

حاصل کامل

در دستور العمل بیت و سه و دو و بیست و چهار کلکی

مقرا شده هزار و شصت و نود و پنجاه و دو و بیست

شصت و پنجاه و شصت و شصت و پنجاه و دو

دوازده هزار و دو ورق پان

دو هزار و چهار صد و شش و شش بر کلکی

بموجب بر او در خلاصه التواریخ نه ارب و

بیت و چهار کرو و هفده لک هشتاد و شانزده
 هزار و دو دایم خالصه شریفه هفتاد و دو
 دو کرو و هفتاد و نه لک هشتاد و یک هزار و
 دو صد و پنجاه و یک دایم تخواجه جاگیر داران
 و مساتی هفت ارب و پنجاه و یک کرو و
 سی و هفت لک و سی و چهار هشتصد و سی و یک
در مرآت العالم نه ارب و بیت و چهار کرو
 هفده لک و شانزده هزار و هشتاد و دو دایم
خالصه شریفه هفتاد و دو کرو و هفتاد و نه لک
 هشتاد و یک هزار و دو صد و پنجاه و یک دایم
تخواجه جاگیر داران تا مساتی هفت ارب

پنجاه و یک کرو و سی و هفت لک و سی و چهار
 هزار و هشتصد و سی و یک دایم
بموجب برآورد مرآت العالم بیت و
 کرو و ده لک و چهل و دو هزار و نه صد و دو روپیه
 و یک آن خالصه شریفه چهار کرو و
 سی و یک لک و نو و نه هزار و پانصد و سی و
 یک روپیه چهار و نیم آن تخواجه جاگیر داران
 تا مساتی نژده کرو و هفتاد و هشت لک و
 چهل و سه هزار و سه صد و هفتاد روپیه
 و دو ازرده نیم آن

آسامی صوبجات بیت و دو صوبه
 شاهجهان آباد اکبر آباد لاهور کابل
کشمیر میت تمبه احمد آباد
جمیر مالوا اودیہ بنکالہ
پٹن اودہ الہ آباد قندھار
صوبجات دکن برہانپور برار
اورنگ آباد محمد آباد بیجاپور حیدر آباد
 و سوائی این صوبجات اولکامی کہ از محقات صوبہ
 باشد بمناسبتہ مقام در آخر آن صوبہ بر
 تحریر می درآید صوبہ مستقر سلطنہ عرف دہلی
 شاهجهان آباد باطلہ درینصوبہ

آسامی

آب و هوا به اعتدال نزدیک کشت و کار بارانی
 وسیلابی و بعضی جا چاهی و برخی جا کاشت
 فصله می شود و هوای این شهر در کرنا بهتر از اکبر آباد است
سرکار
 در آئین اکبر و خلاصه التواریخ هشت سرکار
 در دستور العمل دوازده سرکار است
مجال
 در آئین اکبر سری دو صد و سی و دو مجال
 در خلاصه التواریخ دو صد و بیست و نه مجال
 در مرآة العالم دو صد و هشتاد و پنج مجال
 در دستور العمل دو صد و هشتاد و یک مجال

دامی

در خلاصه التواریخ هفتاد و چهار کرور و شصت و
سه لک و سی و پنج دام در مرآت
العالم یک ارب بشانزده کرور و هشتاد و یک
نود و هشت هزار و دودصد و شصت و نه دام
در دستور العمل یک ارب و بیست و دو کرور و
بیت و نه لک و پجاه هزار یکصد و سی و هفت
دام در شاه جهان نامه یک ارب دام

حاصل کامل

بموجب خلاصه التواریخ یک کرور و هشتاد و
شش لک پجاه و هشت هزار و سه صد و هفتاد و پنج و

بموجب...

بموجب مرآة العالم یک کرور و نود و دو لک و نه
هزار و نه صد و پجاه و شش روپیه و یازده نیم آن
بموجب شاه جهان نامه دو کرور و پجاه لک
در دستور العمل سه کرور و ده لک و دو ازرده هزار و
یکصد و پجاه و چهار روپیه و دو ازرده ^{در قی پان}
سرکار حویلی شاه جهان آباد چهل و نه محال
بیت و هشت کرور و بیت و دو لک و دو ازرده
هزار و پانصد و یازده دام و دو ازرده هزار و ورق پان
مقدار حاصل هشتاد و هفت لک و هشتاد و
پنجاه و چهار صد و چهل و شش روپیه
و دو ازرده هزار و ورق پان

اسلام آباد و باکل قلعه سنگین برکوه را چپوت ساند
 دامی عهد اکبری دوازده کرور و سه لک و پانصد
 نود و شش دام حاصل سی لک و هفت هزار
 پانصد و چهارده روپیه و چهارده نیمه آنه
 ازمش امیر دامی عهد اکبری چهل و پنج هزار
 چهار صد و بیست و سه دام حاصل
 یک هزار و یکصد و سی و پنج روپیه و نه آنه
 پانی پت دامی عهد اکبری سی و پنج لک
 چهل هزار و سه صد و سی و دو دام هفت را
 عهد اکبری هشتاد و هشت هزار و پانصد
 هشت روپیه و پنج آنه

افغان پور حرا که دامی حاصل عهد
 شاهجهانی یک کرور دام حاصل کمان
 بالمشیت دامی عهد اکبری دوازده لک و
 سی و یک هزار و هشت صد و هشتاد دام
 حاصل سی هزار و هفت صد و نود و هفت روپیه
 برن قلعه از خشت پخته بکناره دریا دامی عهد
 اکبری سی و نه لک و هفت هزار و نه صد
 بیست و هشت دام حاصل نود و هفت
 هزار و شش صد و نود و هشت روپیه و سه آنه
 باغش میان دو آب حویلی واقع شده
 زمار دار چو مان دامی عهد اکبری

سی و پنج لک دسی و دو هزار و هشت صد و
 شصت و هشت دامت حاصل هشتاد و
 هشت هزار و صد و بیست و یک روپیه و یازده آنه
 پول از خشت پنجه قلعہ راجپوت و کوجہ
 دامی عهد اکبری دو لک دسی و چهار هزار و
 هفت صد و هشتاد دامت حاصل
 پنجاه و هشت صد و شصت و نہ روپیه و هشت آنه
 بر نادره شیخ زاده دامی عهد اکبری سیزده
 لک و هفتاد هزار و یکصد و بیست و پنج دامت
 حاصل سی و چهار هزار و دو صد و
 پنجاه و نہ روپیه و دو آنه

پول از خشت پنجه تونفور دامی عهد اکبری
 شش لک و بیست و یک هزار و هفتصد و چهل و نہ دامت
 حاصل پانزده هزار و پانصد و چهل و نہ روپیه
 یازده نیم آنه
 دو یلدمن سیر راجپوت و کوجہ دامی عهد
 اکبری چهارده لک و چهار هزار و صد و بیست و
 پنج دامت حاصل سی و پنجاه و یکصد و
 پنجاه و نہ روپیه و دہ آنه
 مس از خشت پنجه راجپوت ز نادر دار و کوجہ
 دامی عهد اکبری سی لک و هفتاد و هفت هزار و
 نهصد و سیزده دامت حاصل هفتاد و

پندرہ

شش هزار و هشت صد و نود و هفت روپے

و سیزده آنه

بهکوان تانده بکنار جون واقع شده بو نور

دامی عهد اکبری دو اذده لک و هفتاد هزار و

سه صد و شش دایم حاصل سی و یک هزار و

هفت صد و پنجاه و هفت روپیه ده نیم آنه

مال بیکم پور جت دامی عهد اکبری

سه لک و هفتاد هزار و سه صد و هفتاد و

چهار دایم حاصل نه هزار و دو صد و

پنجاه و نه روپیه و پنج و نیم آنه

جھجھ افغان جت دامی عهد اکبری

چهارده لک و بیست و چهار صد و پنجاه و یک دایم

حاصل سی و پنج هزار و پانصد و یازده روپیه و چهار و نیم آنه

جھار سه بد کوجر دامی عهد اکبری و

شش لک و بیست و پنج هزار و دو صد و بیست و

یک دایم حاصل نود هزار و شش صد و

سی روپیه و هشت و نیم آنه

جیور راجپوت جو نکر دامی عهد اکبری

نژده لک و هفتاد و هفت هزار و سه صد و

هفتاد دایم حاصل چهل و شش هزار و

هشت صد و هشتاد و چهار روپیه و چهار آنه

جھبانه جت دامی عهد اکبری هفده

لک و دو صد و پنجاه دام حاصل چهل و
 دوهزار و پانصد و شش روپيه و چهار آنه
 چترولی جت افغان دامی عهد اکبری یازده
 لک و سی و هشت هزار و هفت صد و پنجاه
 نه دام حاصل بیست و هشت هزار و
 چهار صد و شصت و هشت روپيه پانزده و نیم آنه
 جلال آباد بله کوجر دامی عهد اکبری سیزده
 لک و سی و سه هزار و هفتصد و یازده دام
 حاصل سی و سه هزار و صد و چهل و دو روپيه و از نیم آنه
 جلال پور هردت راجپوت

حویلی قدیمی جت
 دارالملک دهلی جت چوگان دامی عهد
 اکبری چهارده لک و بیست و دو هزار و
 چهار صد و پنجاه و یک دام حاصل سی و پنج هزار و
 پانصد و شصت و یک روپيه و چهار و نیم آنه
 حویلی جدید جت
 دانسه جت کوجر امیر دامی عهد
 اکبری سی و شش لک و سی و پنج هزار و
 سه صد و پانزده دام حاصل چهل هزار و
 هشت صد و هشتاد و دو روپيه و چهارده آنه
 دادی طاهای جت کوجر امیر دامی عهد

اکبری هفت لک و سی و هفت هزار و چهار صد و
 شش دام حاصل نوزده هزار و چهار
 صد و ده روپیه و دو نیم آنه
 دکنور دار و برکنار چون است کوجر

رهنک قلعه از خشت پنجه جت افغان
 دامی عهد اکبری مشاد و پنج لک و نود و
 هزار و دو صد و هفتاد دام حاصل
 دو لک و چهارده هزار و هشت صد و سی و
 یک روپیه و دو از ده آنه

سون پت قلعه از خشت پنجه جت افغان دامی
 عهد اکبری هفتاد و هفت لک و هفت هزار و
 سه صد و بیست و سه دام حاصل یک لک و
 نود و دو هزار و پانصد و مشاد و سه روپیه و یک آنه
 سفیدون قلعه از خشت پنجه راجپوت زنگر
 دامی عهد اکبری نوزده لک و هفتاد و یک هزار و
 پانصد و نود و شش دام حاصل چهل و
 نه هزار و دو صد و مشاد و نه روپیه و چهارده نیم آنه
 سکندر آباد بهاتی و کوجر دامی عهد اکبری
 دو از ده لک و پنجاه هزار و یک صد و نه دام حاصل
 سی و یک هزار و دو صد و پنجاه و دو روپیه و یازده نیم آنه

سون

مراده قلعه از شش پنجه سوال و غیره دامی عهد
 اکبری پانزده لک و هشتاد و سه هزار و شش صد
 نود و سه دام حاصل سی و نه هزار و
 پانصد و نود و هفت روپیه و پنج آنه
 سنیه چونان دامی عهد اکبری هشتک و
 پنجاه و چهار هزار و نود و یک دام حاصل
 بیت و یک هزار و سه صد و پنجاه و دو روپیه چهار آنه
 سیانه میان دو آب لکا دامی عهد اکبری
 بیت لک و چهل و سه هزار و نود دام حاصل
 پنجاه و یک هزار و دو صد و بیت و هفت روپیه و چهار آنه
 شکر پور چونان دامی عهد اکبری بیست و یک لک و

پانزده هزار و نه صد و نود و شش دام حاصل
 پنجاه و دو هزار و هشت صد و نود و نه روپیه
 چهارده نیم آنه عهد شاهجهانی سی و چهار لک
 دام حاصل هشتاد و پنج هزار
 کرمانل شخص دیوان پلهی نراین هفت لک و یک
 حاصل یک لک و هفتاد و پنج روپیه
 خریفت بیت و دو لک دام
 حاصل پنجاه و پنج هزار روپیه
 ربیع چهل و هشت لک دام
 حاصل یک لک و بیت هزار و
 کنور لکا دامی عهد اکبری هفت لک و

نژده هزار و هفت صد و نود و دو دام حاصل
 چهل و دو هزار و نه صد و شصت و نه روپیه و سیزده آنه
 که ه مکتوب بر کنار کنکب قلعه از خشت
 راجپوت مسلمان دهند و دامی عهد
 اکبری پانزده لک و چهار صد و نود دام
 حاصل سی و هفت هزار و پانصد و دوازده روپیه چهار آنه
 کسانه جت

کانده سله بر کنه چو داران

کاسنه بر کنار چون ککا دامی عهد اکبری
 پانزده لک و بیست و دو هزار و سه صد
 پانزده دام حاصل سی و هشت هزار و پنجاه
 هفت روپیه و چهار رده آنه
 که ره کرده افغان جت دامی عهد اکبری
 پانزده لک و پنجاه و سه صد و پنجاه و شش دام
 حاصل سی و هفت هزار و شش صد و سی و
 سه روپیه و چهار رده نیم آنه
 کسکه کبیره میان دو آب قلعه خشت پنجاه
 دامی عهد اکبری سه لک و شانزده هزار و

یکصد و پنجاه دام حاصل هفت هزار و نه صد و
 دور و پیه و ده آنه
 بسوی میان دو آب قلعه خشت نخست کوجر
 دامی عهد اکبری سی و دو لک و هفتاد و
 چهار هزار دام حاصل هشتاد و
 یک هزار و هشت صد و پنجاه و یک روپیه و دو از ده آنه
 میسرته میان دو آب قلعه خشتین کوجر
 دامی عهد اکبری چهل و سه لک و نود و نه هزار و
 نه صد و نود و شش دام حاصل یک لک و
 نه هزار و نه صد و نود و نه روپیه و چهارده نیم آنه
 ماند و تهی جت دامی عهد اکبری بیست و هشت هزار و

دو صد و

دو صد و سه دام حاصل چهار صد و
 پنجاه و پنج روپیه و یک آنه
 سعود آباد قلعه از خشت نخست سادات جت
 دامی عهد اکبری بیست و هشت لک و نه هزار و
 یکصد و پنجاه و شش دام حاصل هفتاد هزار و
 دو صد و بیست و هشت روپیه و چهارده نیم آنه
 استناپور لکا دامی عهد اکبری چهل و چهار لک و
 شصت و شش هزار و نه صد و چهارده دام
 حاصل یک لک و یازده هزار و
 شش صد و هفتاد و دو روپیه
 پور میان دو آب لکا دامی عهد اکبری

بیت لک و سه هزار و پانصد و هشتاد و نه دام
 حاصل پنجاه هزار و هشتاد و نه روپیه و یازده نیم آن
 سرکار بدایون بیت و دو محال یازده کرورد
 شانزده هزار و شش صد و چهل و هشت دام
 حاصل سی و چهار لک و بیت و دو هزار و
 پانصد و شصت و شش روپیه
 اجاقون جوان کاهنه دامی عهد اکبری سیزده لک
 شصت و دو هزار و یکصد و شصت دام
 حاصل سی و چهار هزار و پنجاه و چهار روپیه
 و گوله تونور دامی عهد اکبری شش لک و نود و
 هزار و هفت صد و بیت دام

حاصل هفتده هزار و دو صد و شصت و هشتاد و نه
 بدایون با حویلی شش خراده دامی عهد اکبری
 هفتاد و سه لک و هفتاد هزار و پانصد و پنجاه و یک
 حاصل یک لک و هشتاد و چهار هزار و
 دو صد و شصت و سه روپیه و یازده نیم آن
 ترسیر کامه دامی عهد اکبری بیت و یک لک و
 چهل و هفت هزار و هفتصد و ششاد و چهار دام
 حاصل پنجاه و سه هزار و هفت صد و پنجاه
 چهار روپیه و نه و نیم آن
 بریلی را چپوت

پونده کامه دامی عهد اکبری دو لک و شصت هزاره
 سه صد و چهل دام حاصل مشت هزاره
 پانصد و هشتاد و هشت روپيه و هشت آنه
 تلهی کابرهمن دامی عهد اکبری دو لک و
 هفتاد و هشت هزاره و یازده دام حاصل
 هشت هزاره نه صد و پنجاه روپيه و چهار و نیم آنه
 سپهوان بهکتی دامی عهد اکبری چهارده لک
 نود هزاره هفت صد و نود دام حاصل
 شصت و دو هزاره دو صد و شصت روپيه و دوازده آنه
 سناس منده ککا دامی عهد اکبری سیزده لک

پانزده هزاره و هفتصد و بیست و دو دام حاصل
 سی و دو هزاره و هشت صد و نود و دو روپيه و نه آنه
 سینارالوس دامی عهد اکبری هفت لک
 نود و پنج هزاره صد و پانزده دام حاصل
 نوزده هزاره و هشت صد و هشتاد و دو روپيه چهارده آنه
 کانت باصل دامی عهد اکبری بیست و چهار لک
 سی و نه هزاره صد و هفتاد دام حاصل
 شصت هزاره نه صد و هشتاد و دو روپيه و یازده آنه
 کوت سالس کو بود دامی عهد اکبری دوازده لک
 نوزده هزاره یک صد و شصت و پنج دام حاصل
 سی هزاره و چهار صد و هفتاد و نه روپيه دو آنه

کوبه دامی عهد اکبری یازده لک و سی و شش
 هزار و نه صد و سی و یک دام حاصل بیت و
 شش هزار و چهار صد و بیست و سه روپیه چهار و نیم آنه
 سه کار تجاره نژده محال سه کرور و بیست و چهار
 لک و هفتاد و دو هزار و یک صد و دو از ده دام حاصل
 هفت لک و سی و هفت هزار و دو صد و بیست و یک روپیه
 سد و در قلعه بالای کوه خانزاده میوات
 دامی عهد اکبری یک لک و سی هزار و چهار صد و
 پنجاه دام حاصل سه هزار و دو صد و شصت و
 یک روپیه و چهار آنه
 روپیه دامی عهد اکبری چهار لک و بیست و

هزار و سه صد و چهل و هشت دام حاصل
 دو هزار و هفت صد و هشت روپیه و یازده آنه
 او را دمری مونس تره دامی عهد اکبری سه لک و
 هفت هزار و سی و هفت دام حاصل هفت
 هزار و شش صد و هفتاد و پنج روپیه و پانزده آنه
 بیست و نه خانزاده میوات دامی عهد اکبری دو لک و
 یازده هزار و هشت صد دام حاصل
 پنجاه هزار و دو صد و نود و پنج روپیه
 پور بهنده دامی عهد اکبری پنج لک و چهل و
 پنج هزار و سه صد و چهل و پنج دام حاصل
 سیزده هزار و شش صد و بیست و سه روپیه و ده آنه

سکوان خانزاده میوات دامی عهد اکبری سیزده لک و
 بیت هزار و سه صد و پنجاه دام حاصل می
 سه هزار و هشتاد و دو روپیه و دوازده آنه
 بیوه هر خانزاده میوات دامی عهد اکبری چهار لک و
 شانزده هزار و هفت صد و پانزده دام حاصل
 ده هزار و چهار صد و هزده روپیه و چهارده آنه
 تجاره خانزاده میوات دامی عهد اکبری سی
 شش لک و سه هزار و پانصد و نود و شش دام
 حاصل نود هزار و هشتاد و نه روپیه و چهارده نیم آنه
 جهراوت خانزاده دامی عهد اکبری چهار لک و
 نود و شش هزار و دو صد و دو نیم دام حاصل

دوازده هزار و چهار صد و پنجاه روپیه و یک آنه
 خان پور دامی عهد اکبری یک لک و نود و
 پنجاه هزار و سه صد و بیست دام حاصل
 چهار هزار و هشتاد و هشتاد و سه روپیه
 ساکرس دامی عهد اکبری چهار لک و هشتاد
 هزار و هشتاد و هشتاد و هشتاد دام
 حاصل ده هزار و یک صد و هفتاد و دو روپیه و سه آنه
 ساسنهاداری دامی عهد اکبری چهار لک و هشتاد
 هزار و هشتاد و صد و یازده دام حاصل
 ده هزار و یک صد و هفتاد و دو روپیه و چهار و نیم آنه
 فیروز پور میوات دامی عهد اکبری سی لک و

چهل و دو هزار و صد و چهل و دو دام حاصل
 هفتاد و شش هزار و پنجاه و هشت روپيه و نه آنه
 فتح پور سوکونما خانزاده میوت دامی عهد اکبری
 یازده لک و دو هزار و یکصد و نود و شش دام
 حاصل بیت و هفت هزار و پانصد و پنجاه
 چهار روپيه و چهارده نیم آنه
 کوتله خانزاده و کوچر دامی عهد اکبری یازده لک و
 پنجاه و دو هزار و یکصد و نود و شش دام حاصل
 بیست و هشت هزار و هشتصد و چهار روپيه و چهارده نیم آنه
 کوهسره دامی عهد اکبری نه هزار و هفت صد و
 پنج دام حاصل دو صد و چهل و دو روپيه و ده آنه

بکار کا

کهار کامهانا خانزاده میوت دامی عهد اکبری
 یک لک و شصت و هشت هزار و هفت صد و
 نوزده دام حاصل چهار هزار و دو صد و هفتاد
 روپيه و پانزده و نیم آنه
 کهنسیان دامی عهد اکبری یک لک و هفتاد
 هزار و دو صد و پنجاه و هفت دام حاصل نه هزار
 و دو صد و پنجاه و شش روپيه و هفت آنه
 سرکار حصار فیروزه بیت و هفت محال
 شش کرور و هشتاد و هفت لک و شصت و
 هفت هزار و پانصد و چهل و دو دام حاصل
 چهل و یک لک و نود و نه هزار و یکصد و چهل و دو روپيه

امر و مه ساد است دایم عهد اکبر نصبت و
 لک و چهل و دو هزار دام حاصل پنجاه و
 هشت هزار و پانصد و پنجاه روپیه
 اعظم پور ککا دایم عهد اکبری بیرون لک و
 هشتاد و نه هزار و چهار صد و پنجاه و هشت دام
 حاصل پنجاه و نه هزار و هفت صد و سی و شش
 روپیه و هفت و نیم آنه
 اسلام پور بزاز موسی دایم عهد اکبر
 سیزده لک و سی هزار و سه صد و چهل دام
 حاصل سی و سه هزار و دو صد و پنجاه و نه روپیه
 ادجھاری جت دایم عهد اکبری شش لک و

نود و هفت هزار و سه صد و نه دام حاصل
 هفده هزار و چهار صد و سی و دو روپیه و یازده و نیم آنه
 اکبر آباد دایم عهد اکبری شش لک و چهل
 هزار و دو صد و شصت و چهار دام حاصل
 شانزده هزار و شش روپیه و نه نیم آنه
 اسلام پور درکو دایم عهد اکبری چهار لک و بیست و
 نه هزار و سه صد و هفتاد و پنج دام حاصل
 ده هزار و هفت صد و سی و چهار روپیه و شش آنه
 اسلام آباد کازنار دار دایم عهد اکبر
 سه لک و چهل و شش هزار و سه صد و چهل و شش دام
 حاصل هشت هزار و شش صد و پنجاه و هشت روپیه

۲۲۰
 سچور دامی عهد اکبری سی و یک لک و پنجاه
 پنجرار و چهار صد و بیست و پنج دام حاصل
 هفتاد و هشت هزار و هشت صد و هشتاد و
 پنج روپیه و ده آنه
 سچرانون لکا دامی عهد اکبری یک لک و
 بیست و هشت هزار و صد و بیست دام
 حاصل سه هزار و دو صد و هشتاد و یک آنه
 بیسروئی کوس دامی عهد اکبری یک لک و
 پنجاه هزار درم حاصل سه هزار و هفت صد و پنجاه روپیه
 سیاراحه دامی عهد اکبری دو لک دام
 حاصل پنجرار روپیه

چاندپور

چاندپور لکا جنت دامی عهد اکبری چهل و یک
 لک و سی و یک هزار و هفتاد و یک دام حاصل
 یک لک و سه هزار و دو صد و هفتاد و شش روپیه و دو از آنه
 جلال آباد جنت دامی عهد اکبری چهار لک و هفتاد و
 دو هزار و هفتاد و دو دام حاصل
 یازده هزار و هشت صد و یک روپیه و سیزده آنه
 چوپاله کور دامی عهد اکبری سیزده لک و چهل
 هزار و هشت صد و دو از ده دام حاصل
 سی و سه هزار و پانصد و بیست روپیه و پنج آنه
 جهالو جنت دامی عهد اکبری دو لک و
 سی و هشت هزار و سه صد دام حاصل

پنج هزار و نه صد و پنجاه و هفت روپيه و هشت آنه
 جت و دار کوجر دامی عهد اکبری هشت لک و
 بیست هزار و نه صد و چهل و شش دام حاصل
 بیست هزار و پانصد و هشت روپيه ده و نیم آنه
 حویلی سنبل ککاز نار دار
 دیوره دامی عهد اکبری نوزده لک و بیست و
 چهار هزار و هشت صد و سی و هفت دام
 حاصل چهل و هشت هزار و یکصد و بیست و پانزده
 دکنه امس دامی عهد اکبری شش لک و هفتاد هزار

صد

سه صد و سی و چهارم حاصل شانزده هزار و
 هفت صد و پنجاه و هشت روپيه و پنج و نیم آنه
 بهارسی دامی عهد اکبری دو لک و هشتاد هزار
 سه صد و شش دام حاصل هفت هزار و هفت
 روپيه و ده و نیم آنه دو و یله دامی عهد اکبری دو
 ده هزار دام حاصل پنجاه و دو صد و پنجاه روپيه
 راجپور راجپوت دامی عهد اکبری هفت لک دام
 حاصل مئده هزار و پانصد روپيه رجب پور شیراز
 دامی عهد اکبری شش لک و دوازده هزار و نه صد و
 هفتاد و هفت دام حاصل پانزده هزار و سه صد و
 بیست و چهار روپيه و هفت آنه سنبل قلعه

از خشت گو که دامی عهد اکبری هشت لک و پنجاه
 هزار و سه صد و پنجاه دام حاصل بیت و یک هزار و
 دو صد و پنجاه و هشت روپیه و دو ازانده آن
 سی هزاره لکا دامی عهد اکبری سیزده لک و پنجاه و
 سه هزار و هفتصد و سی و دو دام حاصل
 سی و سه هزار هشتصد و چهل و سه روپیه
 سرسی سادا دامی عهد اکبری نه لک و پنجاه و هشت
 هزار و هفت صد و شصت و سه دام حاصل
 بیت و سه هزار و نه صد و شصت و نه روپیه
 و یک آن سه سن پور لکا دامی عهد اکبری
 نه لک و چهل و چهار هزار و سه صد و چهار دام

حاصل بیت و سه هزار و شش صد و هفت و پیم
 و نه نیم آن سه ساد و کورده دامی عهد اکبری
 سه لک و بیت هزار و شصت و پنج دام حاصل
 هشت هزار و یک و پیم و ده آن شیر کوت دامی
 عهد اکبری چهل لک و بیت و یک هزار و پنجاه و یک دام
 حاصل یک لک و پانصد و بیت و شش روپیه
 چهار نیم آن شامی کور دامی عهد اکبری سه لک
 چهار صد و نود و شش دام حاصل هفت هزار و
 پانصد و دو ازانده روپیه و شش نیم آن کندر کی کا
 دامی عهد اکبری شش لک و هفتاد و چهار هزار و نه صد
 سی و شش دام حاصل شانزده هزار و هشت صد و

هفتاد و سه روپیه و شش و نیم آنه کت پور
 لکاجت دامی عهد اکبری چهار لک و بیست و دو
 هزار و صد و نود و نه دام حاصل ده هزار و پانصد
 پنجاه و هفت روپیه و یازده نیم آنه کچه دامی
 عهد اکبری دوازده لک و چهل و هشت هزار و نه صد و
 نود و پنج دام حاصل سی و یک هزار و دو صد و بیست و
 چهار روپیه و چهارده آنه کندر و لک دامی عهد اکبری
 هفت لک پنجاه و یک هزار و پانصد و بیست و دام حاصل
 نود و هزار و هفتصد و هشتاد و هشت روپیه
 کابر دامی عهد اکبری پنج لک و شصت و شش
 هزار و پانصد و بیست و دام حاصل چهارده

هزار

هزار و یکصد و پنجاه روپیه و هشت آنه
 نونر سلمان دامی عهد اکبری دو لک و شصت و
 هفت هزار و نه صد و نوزده دام حاصل هشت هزار
 شصت و نود و هفت روپیه با نوزده نیم آنه
 کما کبری دامی عهد اکبری دو لک و ام
 حاصل پنجاه هزار روپیه لکنور کور دامی عهد
 اکبری بیست و چهار لک و نود و نه هزار و دو
 صد و بیست و دام حاصل شصت و دو هزار و
 چهار صد و شتا و روپیه و هشت آنه
 ستود دامی عهد اکبری لک و ام حاصل
 دو هزار و پانصد روپیه مغول پور لک دامی عهد

اکبری بیت و پنج لک و هشتاد هزار و دوهصد دام
 حاصل شخصت و چهار هزار و پانصد و هفت روپه
 و هشت آنه **منجوله بد کوجر** دامی عهد اکبری هفتده لک و
 سی و هفت هزار و پانصد و پنجاه و شش دام **حاصل** چهل و
 سه هزار و چهار صد و سی و هشت روپه و چهارده نیم آنه
منداور پس دامی عهد اکبری دوازده لک و پنجاه و شش
 هزار و نه صد و نود و پنج دام **حاصل** سی و یک هزار و چهار صد و
 بیت و چهار روپه و چهارده آنه **ندینه اسپر** دامی عهد
 اکبری بیت و شش لک و چهل و هفت هزار و دو صد و
 چهل و دو دام **حاصل** شخصت و شش هزار و یک صد و
 هشتاد و یک روپه و یک آنه **نهور کاکا** دامی عهد اکبری

هفتده لک و سی و هفت هزار و یکصد و هفت دام
حاصل چهل و سه هزار و چهار صد و پنجاه و دو روپه
 و یازده آنه **نپود هنت کور** دامی عهد اکبری نه لک و چهار هزار
 سه صد و هفتاد و پنج دام **حاصل** بیت و دوازده صد و
 نود و پنجاه و شش آنه **نوروی کور** دامی عهد اکبری چهارده لک و چهل و
 نود و سه دام **حاصل** سی و شش هزار و دو صد و دو روپه و پنج آنه
 دامی عهد اکبری دو لک و پنجاه هزار دام **حاصل** شش هزار و دو صد و پنجاه
 روپه
رنبه
سکار بهارن بیت و هشت محال ده کرور و نه
 لک و بیت و یک هزار و نود و هشت دام **حاصل**
 بیت و سه لک و بیت و پنجاه و هفت صد و چهل و

چهار روپيه اندري **زنگر** دامي عهد اکبری سه لک و هفتاد و
 هفت هزار و شش صد و بسیت و شش دامت **حاصل**
 نه هزار و چهار صد و چهل روپيه و ده نیم آنه **انچه اعوان کوچ**
 دامي عهد اکبری سه لک و چهار هزار و پانصد و شصت و
 دو دامت **حاصل** هفت هزار و شش صد و چهارده روپيه
 و یک آنه **بدمانه بخت** دامي عهد اکبری سی و شش لک و
 نود و هشت هزار و چهل و یک دامت **حاصل** نود و دو هزار و
 چهار صد و پنجاه و یک روپيه و نیم آنه **بمیدونی سادات**
 دامي عهد اکبری سی و یک لک و یازده هزار و یکصد و
 بسیت و پنجاه دامت **حاصل** هفتاد و هفت هزار و هفت
 صد و هفتاد و هشت روپيه و دو آنه **سمت کنجیادور**

امیر کاکا دامي عهد اکبری بسیت و شش لک و هفتاد و چهار
 هزار و چهار صد و هفت دامت **حاصل** شصت هزار و هشتصد و
 شصت روپيه و سه آنه **بسیو کپور** دامي عهد اکبری
 بسیت و سه لک و سی و هشت هزار و یکصد و بسیت و یک دامت
حاصل پنجاه و هشت هزار و چهار صد و پنجاه و سه روپيه
 و نیم آنه **پور چیا** دامي عهد اکبری بسیت و یک لک و
 نود و یک هزار و چهار صد و شصت دامت **حاصل** پنجاه و چهار
 هزار و نه صد و هشتاد و شش روپيه و هشت آنه
بمومنه سادات دامي عهد اکبری بسیت و یک لک و
 سی و پنجاه هزار و چهار صد و نود و شش دامت **حاصل**
 پنجاه و سه هزار و سه صد و هشتاد و هفت روپيه

شش و نیم آن **بکشته جت** دامی عهد اکبری نوزده لک و
 سیزده هزار و یکصد و نود و شش دام **حاصل** چهل و هفت
 هزار و دویست صد و بیست و نه روپیه و چهارده نیم آن
هفته لک دامی عهد اکبری شانزده لک و بیست و یک هزار و
 چهار صد و چهل دام **حاصل** چهل هزار و پانصد و سی و
 شش روپیه **تمانه بهم ریخته** دامی عهد اکبری سی و پنج
 لک و هشتاد و هشت هزار و پانصد و چهل دام **حاصل**
 هشتاد و نه هزار و هفتصد و سیزده روپیه و هشت آن
تغلق پور جت دامی عهد اکبری ده لک و بیست و یک هزار و
 هفتاد و هفت دام **حاصل** بیست و پنج هزار و پانصد و
 هجرت و پنجر و پیه و پانزده آن **چوراسی** دامی عهد

اکبری بیست و چهار لک و هفتاد و یک هزار و دو صد و
 هفت دام **حاصل** شصت و یک هزار و هفت صد و
 هشتاد و روپیه و سه آن **جونی داخل** **رکنه منور شده ساوا**
 دامی عهد اکبری یک لک و پنجاه و دو هزار و سه صد و
 نود و شش دام **حاصل** سه هزار و هشت صد و نه روپیه
 و چهارده نیم آن **جونی قلیه ز خشت لک** دامی عهد اکبری
 هشت لک و پنجاه و یک هزار و پانصد و چهل و پنجاه دام
حاصل بیست و یک هزار و دو صد و هشتاد و هشت روپیه
 و ده آن **دوبند** دامی عهد اکبری شصت و چهار لک و
 هفت هزار و نه صد و هفت دام **حاصل** یک لک و
 شصت هزار و یک صد و نود و هفت روپیه و یازده آن

رام پور ککا دامی عهد اکبری هفتده لک و هفتاد و
 هشت هزار و پانصد و هفت دهم **حاصل** چهل و چوین
 هزار و چهار صد و شصت و دور و پیمه و یازده آنه **رای پور**
 دامی عهد اکبری شانزده لک و هتده هزار و سه صد و شصت
 دهم **حاصل** چهل هزار و هفتصد و نه رو پیمه **رای پور** تاتار ککا
 دامی عهد اکبری سه لک و شصت و سه هزار و
 هشتاد دهم **حاصل** نه هزار و هفتاد و هفت رو پیمه
سکری پور کر میری **حبت** دامی عهد اکبری سی و سه
 لک و ده هزار و شش صد و پانزده دهم **حاصل** هشتاد و
 دو هزار و هفت صد و شصت و پنجاه و پیمه و شش آنه
ساده ککا دامی عهد اکبری بیست و پنج لک و

شانزده هزار و یکصد و شصت و پنجاه دهم **حاصل** شصت و دو هزار و
 نهصد و چهار رو پیمه و دو آنه **نروت** دامی عهد اکبری بیست و
 یک هزار و سه صد و هفتاد دهم **حاصل** پانصد و سی و
 چهار رو پیمه و چهار آنه **سرو** دهم دامی عهد اکبری یازده
 فود و شش هزار و یکصد و شش دهم **حاصل** بیست و
 نه هزار و نه صد و دور و پیمه و سیزده و نیم آنه
سید **نیراد** **اصل** **بور** **سادات** دامی عهد اکبری ده لک و
 پانزده هزار و هشتاد و هشت دهم **حاصل** بیست و نه
 هزار و شش صد و بیست و هفت رو پیمه و سه آنه
سورون **ملوی** دامی عهد اکبری پنج لک و هفتاد و
 چهار هزار و سه صد و بیست دهم **حاصل** چهارده هزار و

سه صد و پنجاه و هشت روپيه **کاه تولى** دامى عهد اکبرى
 بيت و پنج لک و چهارده هزار و سه صد و هفتاد و دو **مصل**
 شصت و دو هزار و هشت صد و پنجاه و نه روپيه و چهار آنه
کهودى دامى عهد اکبرى سى و شش لک و بيت و
 چهار هزار و پانصد و هشتاد و هشت دام **مصل**
 نود هزار و ششصد و چهارده روپيه و يازده آنه
سکرار نواری يازده محال چهار کر و پنجاه لک و بيت و
 چهار هزار و سه صد و هفده دام **مصل** يازده لک و
 دو هزار و يكصد و بيت و دو روپيه **سکرار سهند**
 سى و هفت محال بيت و دو کر و هشتاد و چهار لک و
 نود و هفت هزار و دو صد و سى و دو دام **مصل**

نصرت

شصت و سه لک و هشتاد و هفت صد و سينه پيو
سهند باغويلى بيت لک و بيت و هفت هزار و چهار
 صد و پنجاه دام درينولا شخيص ديوان لجهى نراين پنج
 لک و هفت روپيه **مصل** پنجاه هزار و ششصد و
 شش روپيه **پايل و غياث آباد** دامى عمل عاليجاه سردار
 عبد القصد خان مرحوم يك کر و سه لک و شصت و
 هشت هزار و چهار صد و شصت دام **مصل** دو لک و
 پنجاه و نه هزار و دو صد و يازده روپيه و هشت آنه **انباله**
 دامى عمل سردار مرحوم نود و سه لک و شصت و شش دام
مصل دو لک و سى و چهار هزار و يكصد و پنجاه روپيه
پوندى دامى عهد اکبرى چهل و هفت هزار و يكصد و پنجاه

حاصل یکزار و سه صد و هفتاد و هشت روپیه و دوازده
 آنه **بنج** دامی عمل سردار مرحوم نود و شش لک و پنجاه و
 دو هزار و شش صد و نود دام **حاصل** دو لک و چهل و یکزار و
 سه صد و هفتاد و روپیه و چهار آنه **بنج** دامی عمل
 سردار مرحوم بیست و یک هزار و چهار صد و هفتاد و دام
حاصل هشت هزار و سی و شش روپیه و دوازده آنه
بهند در عمل سردار مرحوم غیر عمل دامی عهد اکبر
 نامعلوم عهد شاه جهانی چهل و یک لک دام **حاصل**
 دو هزار و پانصد دام **تسار** هفتاد و هشت لک و
 پنجاه هزار و سه صد و سه دام درینولا غیر عملی سردار مرحوم
 دو لک و پنجاه هزار روپیه **حاصل** یک لک نود و شش هزار

دو صد و پنجاه و هفت روپیه و نه آنه **تفانیسه** دامی
 عهد اکبری شصت و سه لک و بیست هزار و نه صد و چهل و
 یک دام درینولا عمل سردار مرحوم بیست و دو هزار و پانصد و
 هشتاد و یک روپیه **حاصل** یک لک و پنجاه و هشت هزار
 بیست و سه روپیه و هشت و نیم آنه **جهت** دامی
 عهد اکبری پنج لک و هفتاد و نه هزار و نود و چهار دام
 درینولا عمل سردار خان مرحوم یک لک و بیست و هفت
 هزار و هفت صد و یازده روپیه و دوازده آنه **حاصل**
 چهارده هزار و چهار صد و هفتاد و هفت روپیه
 و پنج نیم آنه **جسک** دامی عهد اکبری پانزده لک و سی و
 هشت و نود و یک دام **حاصل** سی و هشت هزار و پانصد

صد و پنجاه و دور و پیه و چهار نیم آنه **تلاوری** دامی شخصیر
 چهل و نه بیت لک و چهل هزار دام **حاصل** پنجاه و یک هزار
 روپیه **خضر آباد بوریه** دامی عهد اکبری **یک** کرو
 هشت لک و پنجاه و سه هزار و نه صد و هترده دام در نیولا
 عمل سردار مرحوم **سه** لک و ده هزار روپیه **حاصل**
 یک لک و هفتاد و یک هزار و سه صد و چهل و هفت روپیه
 پانزده آنه **دورالسی** دامی عهد اکبری هشتاد و
 شش هزار و هفتصد و ده دام در نیولا عمل سردار مرحوم
 شصت و هشت هزار و سه صد و یک روپیه **حاصل** دو
 یکصد و شصت و هفت روپیه و دو اوزده آنه
دوته خضر آباد دامی عهد اکبری شانزده لک و

یک هزار و شش صد و چهل و شش دام در نیولا عمل
 سردار مرحوم هفتاد و یک هزار و هشتصد و چهارده نیم روپیه
حاصل چهل هزار و چهل و یک روپیه و دو نیم آنه **دیوران**
 دامی عهد اکبری پنج لک و هشتاد هزار و نه صد و شصت
 و پنج **حاصل** چهارده هزار و پانصد و بیست و چهار روپیه
روپیه دامی عهد اکبری پنجاه لک و پنجاه و پانصد
 چهل دام در نیولا عمل سردار مرحوم هفتاد و یک هزار و
 صد و هشت روپیه و چهار آنه **حاصل** یک لک و
 بیست و پنجاه و یک صد و سی و هشت و نیم روپیه
سنام دامی عهد اکبری هفتاد لک و هفت هزار و
 سه صد و نود و شش دام **حاصل** یک لک و هفتاد

یک هزار و

بیخزار و یکصد و هشتاد و چهار روپیه و چهارده نیم آنه
ساده و هوره دامی عهد اکبری چهل و دو لک و شصت
 هفت هزار و نود و چهار دام در نیولا عمل سردار مرحوم
 دو لک و هشتاد و سه هزار و شش صد و شصت و
 شش روپیه و ده آنه **حاصل** یک لک و هشت هزار
 شش صد و هفتاد و هفت روپیه و پنج و نیم آنه
سامانه دامی عمل سردار مرحوم پانزده لک و نود و پنج
 هزار و دو صد و بیست و پنج دام **حاصل** سی و نه هزار
 هشت صد و هشتاد و روپیه و ده آنه **سلطان پورانه**
 دامی عهد اکبری چهار لک و بیست و هفت هزار و
 هشتاد و پنج دام **حاصل** ده هزار و شش صد و هفتاد و

هفت روپیه و دو نیم آنه **شاه آباد** دامی عهد اکبری
 هشتاد و هفت لک و هشت هزار و یکصد و پنج
 دام در نیولا عمل سردار مرحوم دو لک و چهل و شش هزار
حاصل دو لک و هفتاد هزار و شش صد و پنجاه و سه روپیه
 و دو از ده آنه **نستجهور** دامی عهد اکبری شش لک و
 هشتاد و چهار هزار و نه صد و هشتاد دام **حاصل**
 هفتاد هزار و یکصد و بیست و چهار روپیه و هشت آنه
قریبات را سمون دامی عهد اکبری دو از ده لک و بیست
 هزار و هفتاد و چهار دام **حاصل** سی هزار و پانصد و نود
 و نیم آنه **کتیسل** دامی عهد اکبری یک کرو و
 شش لک و سی و چهار هزار و سه صد و بیست دام

حاصل دو لک و شصت و پنجاه هزار و هشت صد و پنجاه
 هشت روپيه درينولا عمل سردار مرحوم هشتاد هزار روپيه
کرام دامی عهد اکبری شصت و یک لک و سی هزار و
 صد و سی و پنج دام درينولا عمل سردار مرحوم چهل و چهار هزار
 هفتصد و دوازده روپيه و نه و نیم آن **حاصل** یک لک و پنجاه و
 سه هزار و دو صد و پنجاه روپيه و شش آن **لودميان**
 دامی عهد اکبری بیست و دو لک و چهار هزار و صد و
 شصت دام درينولا عمل سردار مرحوم یک لک و نه هزار و
 هفت صد و بیست و یک روپيه **حاصل** پنجاه و پنج هزار و
 یکصد و نه روپيه **مصطفی آباد** دامی عهد اکبری پنج لک و
 هفتاد هزار و هفتصد و هفتاد دام درينولا عمل سردار

مرحوم دو لک و سه هزار و چهار صد و بیست و نه روپيه
 و دو آن **حاصل** چهارده هزار و دو صد و شصت و نه
 روپيه و چهار آن **سنگان** دامی عهد اکبری هفتاد
 لک و پنجاه و سه هزار و هفت صد و پنجاه و سه دام درينولا
 عمل سردار مرحوم دو لک و شانزده هزار و پيه **حاصل** یک لک و
 هفتاد و شش هزار و سه صد و چهل و سه روپيه و سیزده
منصور پور دامی عهد اکبری هزده لک و سی هزار و
 بیست و پنج دام درينولا عمل سردار مرحوم نوزده هزار و نه
 صد و چهل و شش روپيه **حاصل** چهل و پنج هزار و هفتصد و
 پنجاه روپيه و ده آن **مالنير** دامی عهد اکبری شصت و یک و
 ده هزار و پانصد و هشتاد دام درينولا عمل سردار

مرحوم هشتاد و پنج هزار و سه صد و هفتاد و شش و **چهار**
ص یک لک و پنجاه هزار و دو صد و شصت و
چهار روپیه و هشت آنه **ناری** دامی عهد اکبری یازده
لک و چهل و پنج هزار و یکصد و نترده دام **ص**
نترده هزار و ششصد و بیست و هفت روپیه و پانزده آنه
عالم کیر پور دامی عمل سردار مرحوم پانزده لک و نود و دو
هشت صد و چهل دام **ص** سی نه هزار و هشت
صد و بیست و یک روپیه **ماچی واره** دامی عمل سردار مرحوم
چهار لک و هشتاد هزار و هشتاد دام **ص** دوازده
هزار و دویست روپیه **تجور** دامی عمل سردار مرحوم هشت لک و
چهل هزار دام **ص** بیست و یک هزار روپیه **سرکار فیض آباد**

بیت و دو مجال سه کرور و هفتاد و سه لک و هشتاد
هزار و یکصد و چهل و پنج دام **ص** هفت لک و نود و
هشت هزار و سه صد و هشتاد و سه هزار **سرکار نازول**
چهارده مجال هفت کرور و چهل و هفت لک و بیست و دو
سی و پنج دام **ص** نترده لک و سی و دو هزار و دو صد و
هشتاد و چهار روپیه **سرکار سری نگر** هفت مجال هشتاد و
یک دام **ص** هشت هزار روپیه **سرکار کاتون** شش مجال
یک کرور و شصت و نه لک و بیست هزار دام **ص**
هشتاد و نه هزار و هفتصد و نوزده روپیه **دون** شصت یک دام
ص یک لک و پنجاه هزار روپیه **ص** و دو جوانب و طول
عرض صوبه **دہلی** شرقی البر آباد **غربی** لاهور **طول** از

۴۹
 پلوان نایکصد و شصت و پنج کرده **عرض** از رواری
 تا کوه کمان یکصد و چهل کرده **جنوبی** اگره و **جمی**
شمالی کوهستان کایون مسافت از شاهجهان آباد جنوب
 کرده **جریبی** **اکبر آباد** چهل و چهار کرده **لاهور** یکصد و
 پنج کرده **کابل** دو صد و شصت و چهار کرده **کشیم**
 یکصد و هشتاد و پنج کرده **ملتان** براه خشکی
 یکصد و هفتاد و پنج کرده براه دریا یکصد و هشتاد
 چهار کرده **قنبر** براه کابل صد و هفتاد و هشت کرده
 براه ملتان صد و سی و پنج کرده **تمه** چهار صد و
 یک کرده **جمی** براه اگره یکصد و هزده کرده
 براه منوهر پور هشتاد و چهار کرده **احمد آباد**

دو صد و چهل و نه کرده **اوجین** یکصد و نود و پنج کرده
برهان پور دو صد و بیست و دو کرده **اورنگ آباد**
 دو صد و شصت و چهار کرده **برار** دو صد و پنجاه و دو کرده
محمد آباد بدر صد و پنجاه و چهار کرده **حیدر آباد**
 صد و شصت و شش کرده **اله آباد** یکصد و سی و
 هشت کرده **پنه بهار** دو صد و سی و سه کرده **یحیی پور**
 صد و شصت کرده **اوده** یکصد و پنجاه و چهار کرده
دنا که چهار صد و بیست و یک کرده **اودی** پانصد و
 نود و یک کرده **مکه معظمه** شش صد و پنجاه و هشت کرده
صوبه مستقر خلافت **اکبر آباد** دو ازده صد و
 چهل و چهار محال نود و شش کرده و دو ازده صد و شصت و

هفت هزار و پانزده دهم شصت و پنجاه و هشتصد
 پنج انبه **حاصل** دو کرو و شصت و دو لک و هشتاد
 چهار هزار و چهار صد و هفتاد و پیم و شصت و پنجاه
 هشت صد و پنج انبه **سرکار حویلی اکبر آباد** سی و هفت
 محال سی و شش کرو و پنجاه و هشت لک و دو هزار و
 ششصد و نه دهم شصت و پنجاه و هشتصد و پنج
حاصل هشتاد لک و هفتاد هزار و چهار صد و شانزده
 روپیه شصت و پنج هزار و هشتصد و پنج انبه
سرکار الور چهل و چهار محال هشت کرو و هشتاد و هشت
 لک و پنجاه و شش هزار و هشتصد و شصت و پنجاه
حاصل بیست و چهار لک و هشت هزار و یکصد و نود و نیم

سرکار اسلام آباد هشت محال سه کرو و چهل و
 چهار لک و سی و دو هزار و چهار صد و پنج دهم **حاصل**
 هشت لک و سیزده هزار و یکصد و پنجاه و پیم و چهار آنه
سرکار نارنول بیست و نه محال سه کرو و پنجاه و
 لک و شصت و شش هزار و شش صد و هفتاد و
 پنج دهم **حاصل** هشت لک و سیزده هزار و
 هفتصد و چهارده روپیه **سرکار قنوج** سی و
 یازده کرو و سی و نه لک و پنجاه و هفت هزار و
 یکصد و نود و هشت دهم **حاصل** سی لک و
 شصت و یک هزار و شش صد و هشتاد و هفت
 روپیه **سرکار کالی** چهارده محال هفت کرو و بیست و

سه لک و هفتاد و شش هزار پانصد دمام
حاصل بیست لک و پنجاه و شش هزار و چهار
صد و نود و یکروپیه **سرکار کوالیار** سیزده محال
چهار کرد و شصت و پنج لک و نود و نه هزار
هفتاد دمام **حاصل** دوازده لک و چهل و چهار
هزار و پانصد و شصت و دوروپیه **سرکار شاه پور**
شش محال سه کرد و پنجاه و پنج لک و هفتاد و
یک هزار و سه صد و شصت و یک دمام **حاصل**
ده لک و چهل هزار و پیه **سرکار زور** پنج محال
یک کرد و پنجاه و شش لک و هفتاد و چهار هزار
هشت صد و ده دمام **حاصل** پنج لک و پانزده هزار

مناقصه

هشت صد و شصت و یکروپیه **سرکار کول**
بیست و سه محال یازده کرد و سی و دو لک و بیست
شش هزار و پانصد و هشتاد دمام **حاصل**
بیست و نه لک و دوازده هزار و چهار صد و هشتاد
پنج و پیه **سرکار مندلاهر** پانزده محال هفتاد و
شش لک و بیست و هشت هزار و پانصد و هشتاد
دمام **حاصل** دو لک و سی و هشت هزار و دو صد
هشتاد و دوروپیه **حدود و جوانب و طول عرض**
صوبه اکبر آباد شرقی که تمام پور غربی که
پول طول از که تمام پور تا پول یکصد و هفتاد و
پنج کرده عرض از قنوج تا چندیری یکصد کرده

جنوبی چند یری شمالی دریای گنگ **رفت**
 لاہور یکصد و نود و شش **کابل** صد و
 ہشت **کرہ کشمیر** دو صد و بیت و نہ **کرہ**
متان دو صد و بیت و چہار **کرہ** **تتہ**
 چہار صد و ہفتاد و پنج **کرہ** **اجمیر** ہشتاد و چہار **کرہ**
احمد آباد دو صد و پنج **کرہ** **اوجین** یکصد و پنج
 یک **کرہ** **برہان پور** دو صد و ہفت **کرہ**
اورنگ آباد دو صد و بیت **کرہ** **محمد آباد**
 صد و دہ **کرہ** **بجپور** صد و شانزدہ **کرہ**
حیدر آباد صد و بیت و دو **کرہ** **آٹ آباد**
 یکصد و ہفت **کرہ** **اودہ** یکصد و دہ **کرہ** **پنت**

یکصد و ہشتاد و نہ **کرہ** **بخارا** صد و ہفتاد و ہفت **کرہ**
اودیہ پانصد و ہشتاد و ہفت **کرہ** **قندہار**
 براہ **کابل** چہار صد و بیت و دو **کرہ** و براہ **متان** صد و
 ہشتاد و چہار **کرہ** **صوبہ دار السلطنہ لاہور** پنج **کرہ**
 دو ابر و یک چکلہ و کانگرہ و غیرہ پر کنت صد و
 پنجاہ و یک **مجال** ہشتاد و نہ **کرہ** و سی لک و سی و نہ **نہار**
 صد و نوزدہ **دام حاصل** یک **کرہ** و شصت
 پنج لک و شصت و ہفت **نہار** و پانصد و نود و شش **کرہ**
دو ابر بیت جالندہر شصت و چہار **مجال** بیت و چہار **کرہ**
 شصت و یک **بیت** و سہ **نہار** و چہار صد و پنجاہ و پنجاہ **مجال**
 بیت و یک و نود و سہ **نہار** و شش صد و بیت و پنج و پیمہ **دو ابر**



این دوا به در میان دریای بیابان در کوه
یکصد و بیست و یک محال بیت کرده
نود و هفت لک و پنجاه و یک هزار و
سه صد و چهل و شش دام **حاصل**
سی و هشت لک و بیست و یک هزار
سه صد و ده روپیه **دوا به چین** در میان
راوی و چناب است شصت و
چهار محال بیت و پنج کرور و یک
لک و هفده هزار و یکصد و پنجاه و پنج دام
حاصل چهل و شش لک و هشتاد و
هشت هزار و یکصد و پنجاه روپیه

دوا به چو بهت

و آن در میان چناب و بهت است

بیت و دو محال یازده کرور و نود

لک و شصت هزار و چهار صد و

نود و هشت دام **حاصل** سی و

لک و بیست و یک هزار و سه صد و

ده روپیه **دوا به سند ساگر**

وآن در میان بہت وسندست

چهل محال دوازده کرور و پنجاه و ہش لک و

سی و پنج ہزار و دو صد و ہشتاد و دو **م**اصل

نوزدہ لک و ہزردہ ہزار و پانصد و شصت و نوزدہ

چکھ دہن موکی پانزدہ محال یک کرور و پنجاه لک و بیست ہزار و

ہفتصد و سی و دو دام **ن** چار لک و پنج ہزار و سی و پانچ

پرکنت کا کترہ و نکر کوت پنجاہ و ہفت محال دو کرور

ہفتاد و یک لک و بیست و چار ہزار و ہشتصد و پنجاہ

یاب دام **ح**اصل ست لک و بیست و دو ہزار و چار

صد و بیست و ہفت روپہ **چ**نہ چہل و شش لک دام

حاصل یک لک و پانزدہ ہزار کا ہلور دار الایاتہ ان

شہر بلاس پور بہت ہزردہ لک دام **ح**اصل

چہل و پنج ہزار روپہ حدود و جوانب و طول

و عرض صوبہ لاہور شرقی سہند غربی ملتان

شمالی جمون و کشمیر جنوبی دیبا پور و بکائیر و چہر

طول از تبلیغ تا دریا سند یکصد و ہشتاد کرور و

عرض از بہر تا جو کند ہی **س**تاد و ہفت کرور

مسافت
 کابل یکصد و شصت و یکم کرده کشمیر براه چوک
 یکصد و دو کرده ملتان هفتاد و پنج کرده تته
 دو صد و نود و شش کرده احمد اباد سیصد و پنجاه
 هشت کرده اجمیر دو صد و سی و هشت کرده
 مالوا سیصد کرده برمان پور سیصد و هفتاد کرده
 اورنگ آباد سیصد و هفتاد و یک کرده پرا سیصد
 پنجاه و چهار کرده محمد اباد بدر چهار صد و پنجاه و نه کرده
 بیجا پور چهار صد و شصت و پنج کرده حمید رآباد
 چهار صد و هفتاد و یک کرده اله آباد دو صد و چهل و سه کرده
 او ده دو صد و پنجاه و نه کرده بتنه سیصد و شش کرده

بکاله پانصد و پست و شش کرده **اودیه** مششصد و نود
 شش کرده **قندمار** براه کابل دو صد و هفتاد و پنج نیم کرده
 براه ملتان دو صد و سی و پنج کرده **مکه معظمه**
 پانصد و پست و نونک **صوبه دار اکمل کابل**
 هشت سر کار سی و شش تومان و چهل و هشت محال و پست
 کرور و پست و یک لک و هشتاد و یک هزار ششصد و هشتاد و دو
حاصل جبل لک و پنجاه و سه هزار و هفتصد و روپ
بلده کابل هفت محال چهار کرور و پست و یک لک و
 چهل و سه هزار و ششصد و هشتاد و نه دام **حاصل**
 ده لک و پنجاه و سه هزار و پانصد و نود و هفت روپ و
 سه نیم آنه **تومان دامن کوه** هفت تپه **حاصل شش لک و**

نود و نه هزار و پانصد و شصت و هفت روپه و سیزده
اشتر کرام چهل و شش لک و چهل و چهار هزار و سیصد
 شصت و دهم **حاصل** یک لک و شانزده هزار و یکصد و نود
استالف نود و چهار لک و هشت هزار و پانصد و شصت
 چهار دهم **حاصل** دو لک و سی و پنج هزار و یکصد و شصت
 چهار روپه و یک و نیم آن **گاه دره** بیست و نه لک و هشتاد
 سه هزار و ششصد و شصت و نود دهم **حاصل** هفتاد و چهار
 هزار و پانصد و هفتاد و دو روپه نیم آن **بمغان** سی
 یک لک و سی و دو هزار و چهارصد و هشتاد و پنج دهم
حاصل هفتاد و هشت هزار و سیصد و دو آزار روپه و نوا
 بتخاک سی و دو لک و سیزده هزار و هفتصد و پانزده دهم

حاصل هفتاد هزار و هشتصد و چهل و دو روپه و چهارده آن
محمد و عراقی سی لک و پنجاه و هشت هزار و یکصد و هشتاد و پنج
 دهم **حاصل** هفتاد و شش هزار و چهارصد و پنجاه و چهار
 و ده آن **سال اولک** پانزده لک و چهل و شش هزار
 سیصد و شصت و پنجاه **حاصل** سی و سه هزار و
 ششصد و پنجاه و دو روپه و دو آن **تومان** لوکر و غیره
سه محال یک کرو و ششده لک و چهل و نه هزار و ششصد
 هفتاد و دو یک دهم **حاصل** دو لک و نود و شش هزار و
 دو صد و چهل و شش روپه و دو آزار و نیم آن **لوکر** هشتاد و
 شش لک و بیست و هشت هزار و هشتصد و شصت دهم
حاصل دو لک و پانزده هزار و هفتصد و بیست و یک روپه

و هشت آن **میدان** سی و شش لک و پست و یک هزار و یازده
دام **حاصل** سی و شش لک و یازده هزار و یازده دام
مزاره بسو و شش لک دام **حاصل** پانزده هزار
تومان غزنین و غیره سه مجال هفتاد و یک است تا دو سه هزار
دو صد و پست و شش دام **حاصل** یک لک هفتاد و هفت
هزار و ده نیم آن **غزنین** سی و هفت لک و پست و شش هزار
دو صد و سی دام **حاصل** نو دو صد و سه هزار و یک صد و
نجاه روپه و دوازده آن **کر و نرسی** لک و پنجاه و پست
هزار دام **حاصل** هفتاد و شش هزار و چهار صد و پست و
نجر و پنه فرمل سه لک دام **حاصل** هفت هزار و پانصد
تومان غور بند و غیره سه مجال پنجاه و هشت لک و یک هزار و

یکصد و نو دو دام **حاصل** یک لک و چهل و پنجاه و پست و نه
روپه و دوازده آن **غور بند** نه ده لک و پنجاه و یک هزار
یکصد و نو دو دام **حاصل** چهل و شش هزار و دو صد و هفتاد
نه روپه و دوازده آن **کهر و پست** و چهار لک و پنجاه
هزار دام **حاصل** شصت و یک هزار و دو صد و پنجاه روپه
خجاک با میان پانزده لک دام **حاصل** سی و هفت هزار و
پانصد روپه **تومان بخشیر** و غیره چهل و چهار لک دام
پست و پنجاه دام **حاصل** یک لک و ده هزار و شش صد و
پست و نجر و پنه **بخشیر** دوازده لک و پست و پنجاه دام
حاصل سی هزار و شش صد و پست و نجر و پنه **بخراد**
پانزده لک دام **حاصل** سی و هفت هزار و پانصد روپه

حاصل نمود و چهار هزار شصت و پنجاه روپه **بمحو کردن**
 قلعه حاکم نشین **یک محال** بست لک و چهل هزار دام
 حاصل پنجاه و یک هزار روپه **چنان سرامی یک محال**
 پنج لک دام **حاصل** دو آزرده هزار و پانصد روپه **بنکی قول**
عرف پنج یک محال هفتک و پنجاه و چهار هزار دام **حاصل**
 هزار و شصت و پنجاه روپه **شکر پور که با فغانی**
سورگرمنا یک محال پنج لک دام **حاصل** دو آزرده
 پانصد روپه **بنکشات تو مانان** یک و هفت لک و
 هفتاد و هفت هزار و شصت و چهل و پنج دام **حاصل**
 دو لک و شصت و نه هزار و چهار صد و چهل و یک روپه و دوازده
بنکش علیا با نزرده محال هشتاد و سه لک و هفتاد و هفت هزار

شصت

شصت و چهل و پنج دام **حاصل** دو لک و نه هزار چهار صد و
 چهل و یک روپه و دوازده **بنکش سفلی عرف کومات**
 بست و هفت لک دام سه لک دام تخفیف بست و چهار
 لک دام **حاصل** شصت هزار روپه **لمغانا بست**
 چهار محال دو کور و پنجاه و هفت لک شصت و نه هزار
 هفتصد و سی و پنج دام **حاصل** شتر لک و چهل و چهار
 هزار و دو صد و چهل و سه روپه **شش آنه علی شنگ**
 یک کور بست و چهار لک و پست و هشت هزار و
 پانصد شصت و سه دام **حاصل** سه لک و ده هزار و
 هفتصد و چهار ده روپه **یک آنه سندا** و هفتاد و نه لک
 چهل و پنجاه روپه پانصد و هشتاد و چهار دام **حاصل**

۵۵

سایر البلاد دارالایالاته صوبجات کشمیر دوصدوسی نه کرده
 ملتان دوصد و بیست و نه کرده **تته** چهار صد و پنجاه و پنج
 کرده **احمد اباد** چهار صد و شصت و شش کرده **اجمیر**
 سیصد و هفتاد و پنج کرده **اجین** چهار صد و پنجاه نه کرده
برتان پور چهار صد و هشتاد و شش کرده **اورنگ آباد**
 پانصد و هشت کرده **برار** پانصد و شانزده کرده **محمد آباد**
 ششصد و هفده کرده **پنج پور** ششصد و بیست و چهار
 کرده **حیدر اباد** ششصد و سی کرده **بنگاله** هفتصد و
 هشت نیم کرده **صوبه جنت نظیر کشمیر دارالحکات آن**
سری نگر پنجاه و سه حال یک لک و ده هزار و دویست و
 یک و سی لک هفتاد و چهار هزار هشتصد و بیست و

شش دایم حاصل پنجاه و سه لک بیست و شش هزار هشتصد
 هفتاد و روپه ده آنه **کشمیر** دو طرف **مراج** و **کامراج**
 ده کرده دایم حاصل بیست و پنج لک روپه **کشتوار**
 چهل لک دایم حاصل یک لک روپه **تبت** خورد
 هشتاد لک دایم حاصل دو لک روپه **تبت بزرگ**
 بلور در انجا تجانه نیست که بت آنرا دو پستان است
 هر که امراض فرمنه بود دست بر پستانش بمالد سه قطره
 از ان فرو چکد آنرا با آب آمیخته بنوشند یا مرشش
 زایل شود و یا زود بمیرد **پکلی** هفتاد و شش لک سی و دو
 حاصل یک لک نو و هزار هشتصد روپه **مسافت**
 از لاهور بکشمیر چهار راه **راه پکلی** سی و پنج منزل

یکصد و پنجاه چهار کرده **راه جوک پست** و نه منزل
یکصد و دو کرده **راه پونج پست** و سه منزل نمود
نه کرده **راه پیر پنجال پست** منزل هشتاد کرده
سایر البلاد و دارالایالت **صوبجات ملتان**
یکصد و پنجاه کرده **تته سیصد** و هفتاد و پنج کرده
احمد آباد سیصد و هشتاد و چهار کرده **اجمیر** دو صد و
شصت و شش کرده **اوچین سیصد** و هشتاد کرده
پرنان پور چهار صد و هفت کرده **اورنگ آباد**
چهار صد و چهل و نه کرده **پرا** چهار صد و سی و هفت کرده
محمد آباد بدر پانصد و سی و نه کرده **پنج پور** پانصد و
چهل و پنج کرده **حیدرآباد** پانصد و پنجاه و یک کرده

الدراب

الہ آباد سیصد و پست و سه کرده **اودہ** سیصد و سی و
هفت کرده **پتنہ بہار** چهار صد و پست و ہشت کرده
اودہ سیصد و ہفتاد و ہفت کرده **بنگالہ** ششصد و پنجاه
قندھار براہ کابل سیصد و چهل و ہشت کرده براہ
ملتان سیصد و سی و ہفت کرده **حدود و جوارب**
شرقی **بیرستان شرقی و جنوبی** با ہمال شرقی و شمالی
تبت کلان **غربی** **پکلی** **غربی و جنوبی** ولایت گلکان
غربی و شمالی تبت **خورد** **طول و عرض** **طول** یکصد و
پست کرده **عرض** ہشتاد و دو **صوبہ دارالامان ملتان**
پنج سرکار نمود و ہشت محال پست و شش ضلع پست و
ہشت کردام **حاصل** ہفتاد و یک **پہر** **سرکار** **حوالی ملتان**

چهل و هفت محال نه کرو نو دو اشت لک نو دو نه هزار هشتصد
 نوزده دام **حاصل** پست و دو لک و چهل و شش هزار و
 ششصد و پانزده روپه **سرکار** دینا پور پست و نه محال
 سه کرو اشتاد و شش لک نو دو هزار هفتصد و چهارده دام
حاصل ده لک سی و نه هزار و ششصد و پنجاه نه روپه
سرکار بهکر دو آزده محال دو کرو پنجاه و هفت لک شصت و
 سه هزار و پانصد و اشتاد و اشتاد دام **حاصل** هشت لک
 هفتده هزار ششصد و سی و چهار روپه **سرکار** سیوستان
 ده محال پنجاه و چهار لک و چهل و اشت هزار و هفتصد و نود و هفت
 دام **حاصل** سه لک و پست و یک هزار و پست و شش روپه
سرکار مغز آباد **عرف** دیره پست و شش ضلع پنج کرو دام

حاصل شش لک و پست و پنجاه روپه پانصد و نود و چهار سو
 حدود و جوانب و طول و عرض **صوبه بلستان**
شرقی سرکار سمنند غزنی کج و دبران **شمالی** شور کوکوت
جنوبی صوبه اجمیر **طول** از صد کره کج و دبران ششصد و شصت کره
عرض از خط پورتا جمیر تکمید و پست و شش کره
مسافت **تته** دو صد و پست و نه کره **اجمیر** دو صد و
 پنجاه و شش کره **امداد** اباد چهار صد و پست و چهار کره
اوچین سیصد و هفتاد کره **برمان** پور سیصد و نود و
 اشت کره **اورنگ** اباد چهار صد و سی و نه کره **برار**
 چهار صد و پست و هفت کره **محمد** اباد بدر پانصد و پست و
 نه کره **پنج** پور پانصد و سی و پنج کره **حمید** اباد پانصد و

چهل و یک گروه **آباد سیصد و شانزده گروه** **اود سیصد**
 پست و نه گروه **پتینه بهار** چهار صد و هشت گروه **بنگاله**
 ششصد و هفت و دو گروه **قندمار** یکصد و شصت گروه
صوبه تته چهار سرکار پنج بندر پنجاه و هفت محال است
 کرور دام **حاصل** پست لک روپه **سرکار حومی تته**
 پست و چهار محال دو کرور و شصت و یک و نه هزار و پانصد
 هفتاد و دام **حاصل** پنج لک سی و نه هزار و یکصد و پنجاه
 پنج روپه **سرکار حاجکان** دو آزده محال ششاد و نزلک
 هشت هزار و یکصد و سی و دو دام **حاصل** هفتاد و هفت هزار
 پانصد و نود و روپه **سرکار جگر ناله** ده محال شصت و شش لک
 چهل و هفت هزار و ششصد و چهار دام **حاصل** یک لک شصت

نوار شصت

هزار و ششصد و پنجاه روپه **سرکار نصیر پور** ده محال
 یک کرور و ششاد و پنج لک و هفتاد و سه هزار و پانصد و چهل و
 پنج دام **حاصل** سه لک و نود و هشت هزار و پانصد و
 چهل و پنج روپه **حدود و جوانب و طول و عرض صوبه تته**
شرقی کجرات غربی کنج و مکران **شمالی بهکر جنوبی**
 دریای شور طول از بهکر ماکج و مکران دو صد و پنجاه و
 هفت گروه **عرض از قصبه بدین تا بندر لاهوری** یکصد و
 یکت گروه **مسافت احمد آباد** سیصد و پنجاه گروه
اجمیر چهار صد و هشتاد و چهار گروه **اجین** پانصد و
 نود و شش گروه **برمان پور** ششصد و پست و سه گروه
اورنگ آباد ششصد و هفتاد و پنج گروه **برادر** ششصد و پنجاه

سه گروه محمد آباد بدر مقصد و پنجاه و پنج گروه **بجا پور** مقصد و
 شصت و یک گروه **حیدرآباد** مقصد و شصت و هفت گروه
 آله آباد پانصد و سی و نه گروه **اوده** پانصد و پنجاه و پنج
 گروه **نینه بهار** ششصد و سی و چهار گروه **بنکالا** مقصد و
 بیست و دو گروه **اودلی** نهصد و نود و دو گروه **صوبه**
محمد آباد عرف کجرات ده سرکار دو صد و بیست مجال
 سیزده بندر پنجاه و سه گروه شصت و شش لک و بیست و
 پنج هزار و ام **حاصل** یک کرو پست و یک لک هشتاد
 سه هزار و ششصد و پنجاه و سه **سرکار حوی**
محمد آباد بیست و هشت مجال بیست و سه کرو پنجاه لک و
 بیست و دو هزار و نهصد و هشتاد و دو **حاصل** چهل و

شش لک

و شش لک و پنجاه و یکصد و بیست **روپیه سرکار بتن**
 سنازده مجال چهار کرو و نه لک نهصد و هزار چهار صد و
 ده دام **حاصل** هشت لک هشتاد و هفت هزار نود و
 هفت **روپیه سرکار بروده** چهار مجال سه کرو و نود و
 هشت لک و پنجاه و هشت هزار ششصد و هشتاد و دو دام **حاصل**
 هفت لک و هشتاد و یکزار سیصد و سی و سه **روپیه**
سرکار بهر پنج چهارده مجال پنج کرو و سی و هفت لک و
 هشتاد هزار نهصد و سی و پنج دام **حاصل** چهارده لک و
 هشتاد و یکزار نهصد و هشتاد و چهار **روپیه سرکار**
اسلام نگر چهارده مجال دو کرو و شش لک سی و هشت هزار
 سیصد و نه دام **حاصل** یک لک و نهصد و پنجاه و یکصد **روپیه**

سرکار چنانچه نه مجال یک کرو استاد و چهار لک
 شصت و هشت هزار دو صد و هفتاد و شش دهم
حاصل یک لک چهل و نه هزار دو صد و پنجاه و چهار روپه
سرکار مورخه هفتاد و سه مجال پنج کرو چهل و هشت
 لک سی و نه هزار و پانصد و شش دهم **حاصل**
 دو آزد و لک پست و چهار هزار است صد و هفتاد و یک روپه
سرکار سورت سی و یک مجال پنج کرو پنجاه و چهار
 لک نو دو نه هزار نه صد پنجاه و هشت دهم **حاصل**
 پست و هشت لک سی و هشت هزار و پانصد و پست
 دو روپه **سرکار نادوت** دو آزد و مجال هشتاد و سه
 لک و شتاد و پنجاه و چهار صد دهم **حاصل** نو دو سه هزار

سرکار سه و بی نوزده مجال **دلایت بکلان**
 سی و چهار مجال نه قلعه مشهور یک هزار و یک دهم دو کرو
دام حاصل پنج لک روپه **بست اور**
بندر سورت دو کرو دهم **حاصل** پنج لک روپه
بندر سنگور پست و هفت محمودی **بندر بن دلیو**
 پست و پنج محمودی **بندر کوری** نار یک هزار محمودی
بندر باکری دو هزار محمودی **پور بندر پست**
 هفت هزار سیصد و پست و هفت محمودی **بندر موه**
 چهار هزار محمودی **و صلکورت** هزار محمودی **دو مکر**
 یک هزار محمودی **بندر ملاجا** هفت هزار محمودی
بندر اوندا پانزده هزار محمودی **حدود و جوانب و طول**

و عرض صوبه احمد اباد شرقي خاندیس غربي دوار کا
 ساحل دریا شور جنوبی بند رومی و کبکانت شمالی جالور
 طول از حد و د پرتان پورتا دوار کا جکن ناته سیصد و دو کوه
 عرض از جالور تا بند رومی دو شصت کوه
 مسافت **آله آباد** دو صد و نو دو نه کوه
 اووه سیصد و پانزده کوه **پتنه بهار** سیصد و نو دو کوه
 بنکاله پانصد و هشتاد و دو کوه **اودیب** هفتصد و پنجاه و
 دو کوه **اجمیر** یکصد و پست و یک کوه **اجین** یکصد و
 هشتاد و دو کوه **پرتان پور** یکصد و چهل و نه کوه
 اورنگ آباد دو صد کوه **برار** یکصد و هفتاد و نه کوه
 محمد آباد بدر یکصد و هشتاد و یک کوه **بجیا پور** دو صد و

نود و شش کوه **حیدر اباد** سیصد و دو کوه **قنبر**
 براہ کا بل پانصد و هشتاد و دو کوه براہ ملتان پانصد و هشتاد و
 چهار کوه **صوبه دار الخیر** چہشت سز کار دو صد و سی و پنج
 شصت و سه کوه شصت و ہشتاد و دو کوه **چهار ہزار شصت**
 سی و ام **حاصل** یک کوه و پنجاه و نہ لک و پست و دو
 ہزار سیصد و سی و ہفت روپہ یک **سز کار حویلی** **اجمیر**
 پست و ہشتاد و دو کوه **مجال** و ہر ہفتاد و شش لک و پنجاه و
 نہ ہزار شصت و ہشتاد و دو شصت و ام **حاصل** ہزار و لک
 ہشت ہزار شصت ہزار و روپہ **سز کار** چودہ پور
 پست و دو و مجال پنج کوه و پست و چار لک چل و ہزار
 دو صد و پست و ام **حاصل** پنج لک نو زودہ ہزار چار

صد و چهل و ندر روپہ **سرکار ناگورسی** و یک محال ہشت
 کرو بہت و سہ لک شخصت و سہ ہزار دو صد و شصت و ام
حاصل دو آزدہ لک چار دہ ہزار چار صد و ہشتاد و یک روپہ
سرکار تھنور پنجاہ و ہفت محال بہت و سہ کروسی
 دو ہزار یکصد و چهل و سہ و ام **حاصل** چہل لک بہت و دو ہزار
 یکصد و شتر روپہ **سرکار جتور بہت** و ہفت محال دہ
 کرو و نو و ہفت لک و سی و یک ہزار و ہفتصد و شصت و ام
حاصل چہار لک و ہشتاد ہزار روپہ **سرکار پچکانیر**
 یا زدہ محال یک کرو و ام **حاصل** دو لک و پنجاہ ہزار روپہ
سرکار کوبلیر بہت و سہ محال یک کرو و پنجاہ لک و ام
حاصل سہ لک ہفتاد و پنجاہ **سرکار جلیہ ندرہ** محال

انفتاد و شش لک پنجاہ ہزار و ام **حاصل** یک لک نو و یک ہزار
 دو صد و پنجاہ روپہ **سرکار دود و جوانب و طول و عرض صوابچیر**
شرقی اکبر آباد **غربی** دیبا پور **شمالی** قصبات دہلی
جنوبی احمد آباد و کجرات **طول** از بہر مضاف انپرتاپکانیر
جلیہ یکصد و ہشت کروہ **عرض** از نہایت **سرکار اجمیر**
تا بالانوارہ یکصد و پنجاہ کروہ **مسافت**
اوجین نو و ندر کروہ **پرمان پور** یکصد و ہفتاد و یک کروہ
اورنگ آباد دو صد و پانزدہ کروہ **بہار** دو صد و یک کروہ
محمد آباد دو صد و سی و یک کروہ **بجپور** سیصد یا زدہ کروہ
حیدر آباد سیصد و ہفتاد کروہ **آلہ آباد** یکصد و ہفتاد و
 ہشت کروہ **اودہ** یکصد و نو و چہار کروہ **بہار** دو صد و ہفتاد و

شش کرده **بیکال** چهار صد و شصت و یک کرده **اولیه**
 ششصد و سی و یک کرده **قند** باره کابل چهار صد و
 نه کرده **براه** ملت آن چهار صد و شانزده کرده
صوبه مالواد ارایالت آن **شصد** او **چین** **سخت** دو آذوقه
 سرکار سیصد و نه محال جبل کرو و شتا و دست لک چهل و
 شش هزار و هفتصد و نود و دام **حاصل** یک کرو چهار لک
 نو و هزار و چهل و هشت روپه و چهارده آنه **سرکار** **راوچین**
 چهارده محال پنج کرو و شتا و چهار لک و چهل و چهار هزار
 سیصد و پنج دام **حاصل** چهارده لک و شصت و هشت هزار
 هشتصد و دو آذوقه روپه **سرکار** **چند** **بری** **نصبت** و یکمال
 هشت کرو و چهل و چهار لک سی و پنجاه و هفتصد و شتا و پنج دام

حاصل چهارده لک و هشت هزار پنجاه و هشت روپه **سرکار**
آسین **شاه** **آبا** **وسی** محال نو و یک لک و هشت هزار و پنجاه
 پنج دام **حاصل** دو لک و هفتاد و هزار و شصت و هشت و چهار سو
سرکار **عالم** **گیر** **پور** **نجاه** و هشت محال هفت کرو و سی و
 هشت لک نو و هفت هزار سیصد و نوزده دام **حاصل**
 پست و سه لک و پست و نه هزار و پانصد و هفتاد و نه روپه
سرکار **بجاکه** سی و دو محال دو کرو و هفتصد و یک و پنجاه و
 چهار هزار و هفتصد و دام **حاصل** چهار لک و پست و هشت هزار
 پانصد و شصت روپه **سرکار** **منده** و شانزده محال سه کرو و
 سه لک و شصت و دو هزار یکصد و شصت و هشت دام **حاصل**
 شش لک و پنجاه و شش هزار و هفتصد و نو و دو سو روپه

سرکار هندیه هفت و سه محال یک کرور و آزده لک و ستم
 پنجاه و شش صد و ستم دام **حاصل** یک لک هشتاد و هفت
 هزار سیصد و هشتاد و یک روپه با نژده آنه **سرکار** مرد سوم
 هفتده محال دو کرور و نو و دو لک نو و هفت هزار و نو و دو
 هشت دام **حاصل** پنج لک و چهل و پنجاه و دو صد و چهل و
 نه روپه **سرکار** کار کردن دو آزده محال یک کر و شصت و
 نه لک و نو و هزار و دو صد و نو و دو دام **حاصل** دو لک و شصت و
 هفت هزار سیصد و چهار روپه **سرکار** کوتری ده محال
 یک کرور و هفتاد و چهار لک و هفتاد و شش هزار و دو صد و
 شصت و چهار دام **حاصل** دو لک و نو و یک هزار و پانصد و
 هشتاد و ستم روپه **صد و دو جوانب** صوبه مالوا

شرقی ماند و که **غریب** کجرات و اجمیر شمالی قلعه بزور **جنوبی**
 ولایت بکلانه طول از پایان کده تا با سنواره دو صد و
 چهل و پنج گروه عرض از چند بری تا بر کنه ندر بار دو صد و
 سی گروه مسافت از او چین که دارالایالت اینصورت
 آله آباد دو صد و هفتاد و پنج گروه او ده دو صد و شصت و
 یک گروه پتینه بهار سیصد و چهل و یک گروه بنکاله
 پانصد و پست و نه گروه او دویست و شصت و نو و دو
 هشت گروه برمان پور شصت و هفت گروه او و نیک
 یکصد و شزده گروه پزار نو و هفت گروه محمد آباد
 یکصد و نو و نه گروه سجا پور دو صد و چهارده گروه
 حیدر آباد دو صد و پست گروه بر اه کابل پانصد و

هفتاد و سه گروه براه ملتان با قصد سی گروه
 صد و اودیه عرف **چکن** ناهته بازده سرکار پست قلعه
 پنجه دو صد و سی و دو مجال چهل و دو چهل و یک لک و
 پنج هزار و ام **حاصل** یک و دو یک لک و دو هزار شصت
 پست و پنج و پند **سرکار جلیه** پست و هشت مجال
سرکار همدک هفت مجال **سرکار لیک** پست و یک مجال
سرکار کلنگ و **دنداناب** پست و هفت مجال **سرکار**
راج مندره شانزده مجال **طول یکصد** و پست گروه
عرض یکصد گروه **مسافت** پتنه بهار سیصد و پنجاه
 هشت گروه **اوده** چهار صد گروه **بربان** هفتصد و شصت
 پنج گروه **برار** هفتصد و پنجاه و پنج گروه **اورنگ آباد**

هفتصد و شصت و هفت گروه **محمد آباد** بدو هشتصد و پنجاه و هفت
 گروه **بجای** بدو هشتصد و شصت و سه گروه **حیدر آباد** هشتصد و
 شصت و نه گروه **صوبه بنگاله** سی و چهار سرکار یک هزار و
 سیصد و پنجاه مجال شصت و دو و ام **حاصل** یک و دو
 پنجاه لک **سرکار تانده** پنجاه و دو مجال **سرکار جنبه آباد**
 شصت و شش مجال **سرکار فتح آباد** سی و یک مجال
سرکار محمود آباد هشتاد و هشت مجال **سرکار خلیفه آباد**
 سی و پنج مجال **سرکار بنگاله** چهار مجال **سرکار پور** سه
 نه مجال **سرکار تاج پور** پست و نه مجال **سرکار کهور** اکت
 هشتاد و چهار مجال **سرکار سحره** پست و یک مجال **سرکار**
باریک آباد سی و هشت مجال **سرکار مازوسی** و دو و ام

سرکار سلامت هفت محال **سرکار جاتگانو هفت محال**
سرکار شریف آباد پست و شش محال **سرکار سیدمان آباد**
 سی و یک محال **سرکار ساتگانو پنجاه** و سه محال **سرکار**
مدارن شانزده محال **اشام** ولایت مابین شمال و
 مشرق بنکاله واقع است و از یک جانب بکوه ما جو پو
 سته است دریا برهما پتر که از سمت خت آمده ازین
 آن ولایت میکند و آنچه از آن سر زمین با حل شمالی
 اندریاست او ترکول نامند و آنچه در طرف ساحل
 جنوب پست دکن کول نامند طولانی واقع شده
 از آنچه خانانان معظم خان عالمگیری با خود گرفته
 بحضور آورده و از آنچه مقرر شد که راجه آنجا بعد از

یکسال

یکسال بحضور برسانند از آنچه با خود آورده **ط**
 پست تو لجه **نقره** یک لک پست تو لچه **فیل** پست پنچ
نقره سه لک تو لچه **فیل** نو دز پنچیر از آنچه همه ساله
 مقرر شده که پشکش میفرستاده باشد **نودز پنچ فیل**
کوچ ما جو شمالی سمت بنکاله است **کوچ** بهار شده از عالمگیری نکر نامند
 دو لک روپه **سپرون بند** که با هر بند نامند پنچ چک هفتاد و دو
 هفت پرکنه **درون بند** که بهتر بند نامند دو آزده پرکنه
 حدود و جوانب **طول** و **عرض** صوبه بنکاله شرقی مشرق دریا
غربی برکنه سورج کیده از صوبه بهار **شمالی** ولایت کوچ
جنوبی برکنه حوه که مابین او دیه و بنکاله است
طول چهار صد و پنجاه کرده **عرض** دو صد و هفتاد و دو

مسافت از جهانگیر نگر دارالایاتہ اینصوبہ
 محمد اباد بیکصد و ہشتاد و دو کروہ اور ننگ آباد ^{شش} ششصد و
 بیجا پور ہفتصد و دو کروہ **حیدرآباد** ہفتصد و شش کروہ
 پیرار پانصد و ہشتاد و پنج کروہ **برمان پور** پانصد و پنجاہ
 پنج کروہ **پتنہ بہار** یکصد و نو و دو تہ کروہ **اودہ** دو صد و
 پانزدہ کروہ **آلہ اباد** سیصد و ہشتاد و دو کروہ **قندھار**
 براہ کابل ہشتصد و پست و دو نیم کروہ براہ ملتان ہفتصد و
 ہشتاد و دو کروہ **صوبہ بہار پتنہ دار الحکومت اینصوبہ**
 ہفت سرکار دو صد و سی و چار محال چیل کرور دام
حاصل یک کرور دام **سرکار بہار** پنجاہ و چار محال
 شانزدہ کرور ہفتہ لک نہ ہزار چار صد و شصت و ام

حاصل سی و شش لک چیل و نہ ہزار ہفتصد و سی و دو روپہ
سرکار مونگیر چیل محال پنج کرور پست و چار لک و یک ہزار
 ششصد و شصت و ام **حاصل** دہ لک پست و پنجاہ ہزار
 ششصد و شصت و روپہ **سرکار حاجی پور** یازدہ محال
 چار کرور شصت و سہ لک سی و سہ ہزار ششصد و نو و
حاصل دہ لک پست و نہ ہزار سیصد نہ روپہ **سرکار**
ترہت یکصد و دو محال **سرکار** ننگ لک ہشتاد و سہ ہزار
 چار صد و چیل و سہ دام **حاصل** ہفت لک شصت و نہ ہزار
 دو صد و ہشتاد و چار روپہ **سرکار رہتاس** ہترہ
 محال دو کرور چیل و ہشت لک شصت و چار ہزار پانصد و
 شصت و سہ **حاصل** ہفت لک و ہشتاد و ہفت ہزار و دو صد و

نو در پنج روپه **سرکار سارن** نمرده مجال سه کرو در هفتاد
 يكلك شصت و دو هزار يكصد و چهل و چهار دام **حاصل**
 هشت لک يك هزار چهار صد و هفتاد و دو روپه **سرکار**
شاه آباد با تزه مجال سه کرو در ده لک سي و هفت هزار
 پانصد و پست و هشت و ام **حاصل** هفت لک و هفتاد
 پنجاه و نه صد و سي و هشت روپه است **ان ولایت**
پلا مون جنوب روپه پنجاه و پنج است يك کرو دام
حاصل دو لک و پنجاه هزار روپه **حدود و جوانب و طول**
و عرض صوبه بهار **شرقي** بگلان **غربي** آله آباد و اووه
شمالی کوه بزرگ **جنوبی** کوه بزرگ **طول** از کده هي
 تا همتاس يكصد و پست و ده **عرض** از ترهت تا شمالی

کوه

يكصد و ده گروه **مسافت** **اودب** سيصد و پنجاه
 هشت گروه **اوده** دو صد و نو و سه گروه **بر مان پور**
 سيصد و شصت و هفت گروه **اورنگ آباد** چهار صد و نه
برار سيصد و نو و هفت گروه **محمد آباد** بدر چهار صد و نو
 نه گروه **پجا پور** پانصد و چهارده گروه **حيدرآباد** پانصد و
 پست گروه **قندار** براه کابل ششصد و يازده گروه
 براه ملتان پانصد و شصت و هشت گروه **صوبه اوده عرف**
اجود هيا پنج سرکار يكصد و نو و هفت مجال سي و دو و دو
 هفتاد و دو هزار يكصد و نو و سه دام **حاصل** هشتاد
 لک يك هزار شصت و چهار روپه سينده **ان سرکار**
حويلي اوده پست و دو مجال پنج کرو پست لک سي

ویکنزار سیصد دام **حاصل** سیزده لک شخصت و پنجاه
یکصد و پنجاه و سه روپہ **سرکار لکنو** پنجاوشش محال
ہست کروہشتاد و پنج لک پنجاہ و شش ہزار یکصد
ہست و پنجدام **حاصل** مہت و ہفت لک یا زود ہزار و
چار صد و سی روپہ **سرکار بہراج** دو آزدہ محال
دو کروہیل و چار لک شانزدہ ہزار ہفتصد شش دام
حاصل ہفت لک سی و پنجاہ از صد و سیزدہ روپہ
سرکار خیر آباد ہست و دو محال ہفت کروہ لک
سیزدہ ہزار ہفتصد دام **حاصل** مہت و دو لک و
پنجاہ از صد و ہشتاد و روپہ **سرکار معظّم آباد** عرف
کوہ کپور ہست و چار محال دو کروہیل و سہ لک و

بہل

چہل و یکزار و دو صد و پنجاہ دام **حاصل** سیزدہ لک و
سی و یکزار چار صد و ہفتاد و یک روپہ **حدود و جوا**
دو طول و عرض اودہ شرقی بہار غربی و تنوج
شمالی کوہستان غربی مانپور سرکار آلہ آباد
طول از سرکار کوہ کپور تا تنوج یکصد و سی و پنج کروہ
عرض از شمالی کوہ تا سدہ پور تا پنج آلہ آباد یکصد و
پانزدہ کروہ **مسافت** برہان پور دو صد و
ہشتاد و ہشت کروہ اورنگ آباد سہ صد و
سی و نہ کروہ محمد آباد بدر سہ صد و ہتردہ کروہ
بیسار چار صد و دہ کروہ بیجا پور چار صد و
سی و پنج کروہ حیدر آباد چار صد و ہفتاد و

یک کرده قند مار برآه کابل پانصد و سی و
 چهار و نیم کرده برآه مستان چهار صد و هشتاد و
 نه کرده صوبه آله آباد عرف **بیراک** دوازده سرکار
 دو صد و شصت و پنج مجال چهل و دو کردوست و
 سه لک و چهل و شش هزار و شش صد و سی و
 هفت دام **حاصل** نود و نه لک و شصت و
 نه هزار و شانزده روپیه **سرکار حلی آله آباد** یازده مجال
 سه کرو و هشتاد و هفت لک و هفتاد و دو
 هزار و شش و هشتاد و هفت دام **حاصل**
 نه لک و نود هزار و چهار صد و پنجاه و هشت
 روپیه و پانزده آنه **سرکار احمد آباد** شش مجال

یک کرده

یک کرو و روده لک و چهل هزار دام **حاصل** سه لک و
 هشت هزار و چهار صد و بیست روپیه و پانزده آنه
 پاوانه کم **سرکار بنبه و غیره** یک صد و پانزده مجال
 کرو و سی و یک لک دام **حاصل** هشت لک و بیست و
 هفت هزار و پانصد روپیه **سرکار محمد آباد** عرف
 بنارس نه مجال هشتاد و هفت لک و بیست و
 هشت صد دام **حاصل** یک لک و پنجاه و دو هزار و
 سه صد و هفتاد و پنجر و پیه **سرکار جوینور** چهل و
 یک مجال **سرکار کالنج** ده مجال چهار کرو و پنجاه و
 نه لک و پنجرار و هفت صد و پنجاه و سه دام **حاصل**
 دوازده لک و پنجرار و هفت صد و پنجاه و سه روپیه

سرکار غازی پور هفتده محال یک کرو و هشتاد و
 چهار لک و چهل و هشت هزار و هفت صد و نود و
 یکد ام **حاصل** چهار لک و هفتاد و نه هزار و چهار
 صد و چهارده روپیه **سه کار کره** دوازده محال
 پنج کرو و شصت و چهار لک و نود هزار **صد و**
 نه د ام **حاصل** چهارده لک و هفتاد و سه هزار و
 شش صد و پنجاه و یک روپیه **سرکار کور** هشت
 محال **صد و** شصت و نه لک و یک هزار و
 چهار صد و شصت و دو د ام **حاصل** نه لک و
 دو هزار و دو صد و نه روپیه **سرکار مانکنور** سیزده
 محال پنج کرو و بیست لک و چهل و یک هزار و دو صد و

شصت و پنجم **حاصل** دوازده لک و پنجاه هزار و دو صد و
 پنجاه روپیه **سرکار محمد آباد عرف** بد هشت محال
 یک کرو و چهل و دو لک و هفتاد و هفت هزار و
 نه صد و هشتاد و دو د ام **حاصل** چهار لک و سی و
 هفت هزار و یک صد و شصت و یک روپیه
سه کار چناده چهارده محال دو کرو و شش
 لک و ده هزار و هشت صد و سی د ام **حاصل**
 چهار لک و چهار هزار و سه صد و بیست و سه
 روپیه و پنج آنه **حدود و جوانب و طول و عرض**
صوبه آله آباد شرقی بهار و غربی اکبر آباد
 شمالی او ده جنوبی ماندو کده **طول** از بنجوه ال

جو پور تا کوه جنوبی یکصد و شصت کرده **ص**
 از کذر جو سادر یابی کنک تا کها تم پور یکصد و
 بیت و دو کرده **صوبه دار القرا قندار** بیت و
 چهار حال در عهد اکبری بیت هزار و یکصد و چهار
 تومان نه هزار و سه صد دینار تبریزی مقدر
 فی تومان بیت روپیه **المقصر** چهل لک و دو هزار
 نود و هشت روپیه و نه آنه عهد جم انگری بیت
 هزار تومان فی تومان سی و سه روپیه و پنج آنه پاد آنه
 بالا **المقصر** شش لک و شصت و شش هزار و
 شش صد و شصت و شش روپیه و ده و نیم آنه
 عهد شاه جهانی هفت کردام هشتاد و هفت

هزار و پانصد تومان **المقصر** هفده لک و پنجاه
 هزار روپیه **شهر قندار** نقد پنجاه و دو صد و هفتاد
 تومان غلہ سی و پنجاه و یکصد و بیت خروار
 توابع شرقی ولایت دو کی نقد نه تومان
 غلہ یک هزار و سی و خوار کو سفند دوازده هزار
 ولایت پشتک نقد سی و سه تومان غلہ پنج خوار
 کو سفند یک هزار و دو صد **ولایت خال** نقد
 چهار هزار تومان و پنجاه دینار غلہ پنج خوار
 کو سفند نه صد و چهل و چهار **ولایت مستنک**
 نقد ده هزار تومان و شش هزار دینار غلہ چهار صد و
 هفتاد و دو خوار **ولایت چهل کزی** نقد دوازده

برنج چهار صد و پانزده خروار **مینوی اوس** کو سفند
 شصت راس **اوس اندری** معمول قدیم نقد
 نود تومان کو سفند یک هزار و در زمان قزلباشیه
 نقد یک صد تومان کو سفند ده هزار و هشت صد
 برنج پنج خروار روغن یک خروار **اوس حیدر**
رباط نقدی یازده تومان و چهار هزار دینار **بلوچان**
رباط جمع آن داخل مبدعه قندهار **توابع جنوبی**
قلات نیچاره اسپ بلوچی سی راس شستر
 سی نفر شور **ایک** عن کو سفند یک هزار و دو صد راس
اوس سلی عن کو سفند دو صد و پنج راس **اوس**
 مرغ جای نقد نه تومان کو سفند سه هزار و شش صد

اوس مشوانی کو سفند دو صد راس روغن هفت من
توابع شمالی قلات نقد پانصد و بیست تومان
 کو سفند چهار هزار و سه صد و چهل و شش راس
 غله یک هزار و یک صد و هفتاد خروار برنج یک خروار و کمین
 هزار دانه کو سفند یک هزار و چهار صد و پنجاه و چهار راس
 غله بیست خروار **هزاره سحر** عن کو سفند یک صد و شصت راس
ولایت ترین غله یک هزار خروار کو سفند پانزده راس
توابع غربی کرم سیر نقد شش صد تومان و هشت
 هزار دینار غله دو اوزده هزار و هفت صد خروار
 زمیندار

۲۶
سیاه خانہ اوس نقد چل و دو تومان کشک نخود

جمع این داخل قند ہارست **تفصیل قلاع صوبہ دارالقرآن**

قند ہارست قلعہ قلعہ شہر قند ہار قلعہ

کشک نخود قلعہ قلات قلعہ مقت قلعہ شہر صفا

قلعہ مولہ رباط قلعہ فوشنج قلعہ دوکی قلعہ چتیا لی

قلعہ ہرناسی قلعہ سکوہ قلعہ فتح آباد قلعہ شال

قلعہ مستنک قلعہ قلات نیچارہ قلعہ تل

قلعہ میسند اور قلعہ دابستان قلعہ دروسی

قلعہ موسی قلعہ بیدزیرک قلعہ شہر

ساربان قلعہ قلعہ مسون قلعہ نوزاد

قلعہ ہرزاد قلعہ لرغر قلعہ سیاہ آب

قلعہ فولاد قلعہ دلک قلعہ تیرین قلعہ وزرگان

قلعہ اولنگ قلعہ درستان قلعہ چار شنبہ

قلعہ نوح شہر ان قلعہ قلعہ شہر ان

قلعہ کرا یو شیر قلعہ قلعہ وہ راوت

قلعہ بست قلعہ خلیج قلعہ ہزار اسپ

قلعہ ہزار جفت قلعہ شلمان قلعہ ملکان

قلعہ صغار قلعہ کے قلعہ خنشی

قلعہ کرشک قلعہ مایہ قلعہ مینہ

قلعہ آب تازی قلعہ بابا حاجی قلعہ سنگین

قلعہ وثر غوری قلعہ در سفید قلعہ بند پیور

میمنہ حد و دو جوانب و طول و عرض صوبہ قند ہار

شرقی سند **غریب و شمالی** **غرجستان جنوبی**
 سیوی **غربی** فراه **میان شرقی و شمال**
 کابل و عنبر نین **طول** از قلات بخاره تا غور
 و غرجستان سه صد کرده **عرض** از سند تا فراه
 دو صد و شصت کرده **صوبجات** **دکن** شش صوبه
 شش ارب و پنجاه کرو و نوزده لک و نود و دو هزار و
 یکصد و چهار دام **حاصل** اشته کرو و اشتهاد و
 لک و سی و اشته هزار و دو صد و سی و هفت و پیم
صوبه خاندین عرف دار السور بر مان پور پنج سکر
 یکصد و دوازده محال چهل و چهار کرو و سی و شش
 لک و نوزده هزار دام **حاصل** یک کرو و ده لک و

نود هزار و چهار صد و هفتاد و پنجر و پیم **حدود** و جنوب
 و طول و عرض صوبه بر مان پور شرقی **بیرار** غربی مالوا
 شمالی مالوا جنوبی **حلف** **طول** از پورکانو متصل
 هندیه تا لکنک متصل احمد آباد هفتاد و پنج کرده
عرض از جامود پیوست **بیرار** تا پال متصل مالوا
 پنجاه کرده **سافت** اورنگ آباد چهل و دو کرده
بیرار سی کرده محمد آباد بدر یکصد و سی و دو کرده
بیرار پور یکصد و چهل و هفت کرده **حیدر** آباد
 یکصد و پنجاه و سه کرده **صوبه** **بیرار** عرف فتح پور
 ده سکر دو صد محال نود و دو کرو و شصت و پنج
 چهل و پنجر هزار دام **حاصل** یک کرو و نه لک و

۷۸
چهل و شش هزار و شش صد و چهل و دو روپيه
سرکار کا ديل چهل و شش محال و سيزده کرو و چهل لک و
شصت هزار و یکصد دام **حاصل** سی و سه لک و پنجاه
یک هزار و پانصد و دو نیم روپيه **سرکار نپار** پنج محال یک کرو و
سی و چهار لک و چهل هزار دام **حاصل** سی و سه لک و سی
شش هزار روپيه **سرکار کهرله** سی و پنج محال یک کرو
هفتاد و شش لک دام **حاصل** چهار لک و چهل هزار
روپيه **سرکار ترناله** سی و چهار محال

سرکار کهم سی و یک محال سی کرو و یک لک و
بیت و هشت هزار دام **حاصل** هفت لک و پنجاه

سه هزار و دو صد روپيه **سرکار ماهم** هشت محال
سی کرو و بیت و شش لک و بیت و پنجاه و
دو صد و پنجاه دام **حاصل** هشت لک و پانزده هزار
شش صد و سی و یک روپيه و چهار آنه **سرکار ماهور**
بیت محال چهار کرو و بیت و هشت لک و هشتاد
یک هزار و چهار صد و چهل و چهار دام **حاصل** ده لک و
هشتاد و دو هزار و سی و شش روپيه و یک و نیم آنه
سرکار مانک ذرک هشت محال یک کرو و چهل
چهار لک دام **حاصل** سی لک و شصت هزار روپيه
سرکار بانهری نژده محال

سرکار تلنگانه پنجاه و چهار محال کیمحال غیر علی خجابه
 سه محال سی و هفت کرور و بیت و نه لک و هفتاد
 چهار هزار و نه صد و هفتاد دام **حاصل** چهل و دو لک
 و دوازده هفت صد و سی و دو روپیه
سرکار رانگیر پنج محال نود و شش لک دام
حاصل دو لک و چهل هزار روپیه **سرکار کیمیر**
 چهار محال چهار کرور و پنجاه و یک لک و هفتاد
 هشت دام **حاصل** یازده لک و بیت و هفت
 هزار و پانصد و یک روپیه و پانزده آنه **سرکار بتیاله**
 نه محال

حدود و جوانب و طول و عرض صوبه به بیار
شرقی پراکده **غربی** مکر آباد **شمالی** هندیه
جنوبی تلنگانه **طول** از بیتاله تا پراکده دو صد کرور
عرض از بیدرتا هندیه یکصد و هشتاد کرور **فست**
 محمد آباد بدر یکصد و شصت و دو کرور **بج پور**
 یکصد و هفتاد و هفت کرور حیدر آباد یکصد و
 هشتاد و سه و سه پاو کرور اورنگ آباد هشتاد
 کرور صوبه فحسته بنیاد اورنگ آباد عرو که کی
 هشت سرکار و هشتاد محال پنجاه و یک کرور
 شصت و دو لک و هشتاد هزار دام **حاصل**
 یک کرور و بیت و نه لک و هفت هزار روپیه

طول یکصد و پنجاه کرده **عرض** یکصد کرده **مساحت**
محمد آباد بدر یکصد و پنج کرده بیجا پور فود کرده و پاوه کرده
بالا حیدر آباد یکصد و دو کرده پاوه بالا **صوبه**
محمد آباد عرف بدر چهل و سه مجال شخصت و دو
کرور و پنج لک و پنجاه هزار دام **حاصل** شخصت و
شش لک و پنجاه و نه هزار و هشت صد و یازده
روپیه **صوبه دارانظر بیجا پور** دوارب و بیست و
پنج کرور و چهل و هفت لک و بیست و هفت هزار و
یکصد و چهار دام **حاصل** سه کرور و سی و شش
لک و شخصت و چهار هزار و سی صد و هفتاد و یک و
صوبه دارانجماد حیدر آباد یک لک و نه کرور و بیست و

مشکر

هشت لک و سی و پنجاه دام **حاصل** دو کرور و
نود و هشت هزار و شش صد و هفتاد و هشت روپیه
باب دوم در گذارش تختی احوال ایران
قبل از شروع در مهم بالذات از کلماتی چینی که
مبادی آن تواند بود ناگزیر است باید دانست
که درین ممالک هر سال از نوروز سلطان آغاز
شود و مانند هند و ستا معامله ربیع را در ربیع
و خریف را در خریف بی باقی نخواهند سال تمام
را منظور دارند و قاعده هندوستان که در صوبت
سرحد است صاحب دوله و ارباب شوکت را
تجویز جایگرات کرده آن صوبه را به او نخواه می کشند

۸۱
بلک خزینه از حضور ضرور مقرر می باشد بطنیت
در اولکای سرحد که یکی را حاکم کنند بیکدیگر یکی
زیاده از وجه مواجبش که تنخواه شود از دیگر محصل
تا دیناری مختار نمی باشد و امیر دیگر را که بارقه صمصام
خون آشامش چراغ راه که بان بادیه بغی و طغیان شود
بخطاب سرداری نواخته فوجی جرار از رکاب بدو مأمور
شود که در آن اولکارفته به تنبیه مفسدان پردازد حکام
و عمال و سایر رعایا به تبعیت او باشند و در هر سر
اسپان چا پاری که آهنگ می زبان داک چونک نام
مها و ضابط چا پاری و شاطر چا پاری بران معین هموا
دجیره و علیتی الدواب از سرکار تنخواه شود تا در ارسال

خواه فیض محضور و صدور فرمان معطل میان نیاید
و چنانچه امرای هند و ستان ملازم که در محصول
جاگیرات نیز خود میگیرند درین دیار امرای کبار
قدرت و یار نیست که یکینفر نوکر از خود نگاه دارند
همان فوج رکابی که پای نام ایشان مقرر باشد بآن
خدمت نمایند بواجبه آنکه مبادا لوای انانی غیری برافرازد
و حکام و عمال بعد از انقضای سال تا به دیوان اعلی
رجوع نشوند و بعد از حساب معاضات
از حواله دفتری فارغ نمی نشینند و آن عبارتست
از طومار نقل دفتری که مستوفیان ممالک
بعد از تنقیح حساب بعامل میدهند و او دست

۱۲
را بدینار و تومان حساب کنند و هر دیناری
مرکب از شش دانگ بود و یکروپیه را پنصد
دینار گویند هر صد دینار سمسین نقد است
سلوک ضرب جویره که نصف آراشاهی
گویند و دو بیت دینار را عباسی گویند
و در تومان عراق و غیر آن تفاوت رود بدینجه
تومان عراق در آیین اکبری یک هزار و شش
دام **مقرا** چهل روپیه تومان خراسان در آیین
اکبری یک هزار و دو صد دام **مقرا** تومان
تبریزی در عالم آرای عباسی بیست روپیه **مقرا**
هشت صد دام تومان شاهی در فضل التواریخ

سی و سه روپیه و پنج آنه پاوانه بالا یک هزار و سه
صد و سی دام و حساب پیمایش زمین فروغی
و غیر آن بر جریب و فرسنگ نهاده اند و هر یک
علیحده ذکر کرده شود **جریم** ثنصت کز در
ثنصت کز است **فرسنگ** باعتبار بلاد مختلف
شود در خوارزم و خراسان پانزده کام
در آذربایجان و ارمن دوازده کام
در عراقین و کردستان و لرستان
و خورستان و فارس و شبانکاره و دیار
بکر هشت هزار کام آنچه حکمای ما تقدم
اعتبار کرده اند دوازده کز حنقلقی

مروج عهد او طایفه سلطان مشت
 هزار گز خیاطی نزد ارباب شرح است کرده
مقرا دوازده طناب فی طناب
 یک هزار قدم **مقرا** دوازده هزار قدم
 در نفایس الفنون سه میل فی
 میل است هزار گز **مقرا** نه هزار گز در
 روضه اولی الالباب سه میل فی
 میل چهار هزار گز فی گز بیت و چهار رضع فی
 رضع شش شعیر شکم بر شکم نهاده
 فی شعیر شش موسی ایال است
مقرا دوازده هزار گز

الکون

الکون حدود و جوانب و طول و عرض ایران گفت
 و حقوق دیوانی آنرا نوشته ثانیاً تفصیل کرده شود
شرقی **سند** و کابل و صفانیان که قصبه است از
 مضافات ماوراء النهر و ماوراء النهر و خوارزم
 تا حدود سفین که شهریت از بلاد خزر و حدود ^{بلغار}
غربی ولایت او جان روم و تکفور و سین و شام
شمالی آس داریس و مکن و چرکس و برطاس
 و دشت خرز که دشت قباچق گویند و الآن که
 فونک است و فارق میان ولایات و ایران
 زمین خلیج سکندر و بحر خزر است که آنرا بحر کیدان
 مازندران نامند **جنوبی** بیابان نجد است که براه

مکه معظمه واقع شده تا شام طول از قزوین روم تا چین
 ششصد و چهل و هفت فرسنگ عرض از عبادان
 تا باب الابواب در بند دو صد و هفتاد و یک فرسنگ
 حاصل در عهد خرد پرویز هفتاد هزار تومان در عهد ملک شاه
 سلجوقی پنجاه هزار تومان و کسری در عهد غازان خان دویست و
 یکصد تومان و کسری در عهد شاه عباس ماضی هشتاد و
 دو صد و شصت هزار مقرر یک ارب ستمش کرده
 شصت و نه لک و چهل و شش هزار ششصد و چهل و
 هفت دهم دو کور و شصت و شش لک و هفتاد و سه هزار
 ششصد و شصت و شش روستا آن در اوقفا
 الامصار است که در ایران چهار صد شهر و ولایت و

انصاف

هفتاد و یک قلعه و نو و نوش جزیره و چهارده بندر است
 اسامی عراقین آذربایجان آران بلاد و اهل بلوچیه
 شیروان با توابع کرجهستان دستان اماکن باطن
 روم ولایات ارمن دیار بکر و ربه و ولایت کردستان
 خوزستان فارس مشابکاره کیچ و مکران
 مغاره کیلانات طبرستان طواش جرجان
 خراسان سیستان با توابع سواحل دریای عمان
 انبار و جهال و براری و شوارع عراقین
 عراق عرب در عهد خلیفه ثانی رضی اللہ تعالی عنہ دویست و
 یکصد و سی و سه تومان در عهد ناصر خلیفه و غیره در عهد
 ناصر خلیفه سه هزار تومان و کسری در عهد صفوی سی هزار

۱۵
 تومان **آب** شهریت در چهار فرسنگی بصره به بهشت دنیا
 استهار یافته **ابنا** شهریت بر کنار فرات جانب
 مشرق افتاده است یک تومان **بغداد** هشتاد و دو
بغداد که **بغداد نو** **بابل** بالفعل خراب است **بصره**
 چهل و چهار تومان و یک هزار دینار **نکریت** شهریت میان
 میان حد عراق و موصل **بندکین** شهر کوچک است
 هفت تومان و شش هزار دینار **تبات** قصبه است
 چهار تومان و شش هزار **تل عقرقون** ویر قدیم است
 بی فرسنگی بغداد **خرایر** بنجاه **خرایر** است بر کنار
 فرات ما بین بصره و سماوات **جوارز ما بین مداین**
 و واسط و بصره بر دو طرف دجله واقع شده است هفت

جزیره

جزیره است **حیره** شهر بزرگ بود بر یک فرسنگی
 کوفه بالفعل خراب است **حله** بر کنار فرات به پانزده فرسنگی
 نجف و کر بلاست **حلوان** نزدیک کوه است هواری
 مخالف دارد شش هزار یکصد دینار **حدیبه** باب و هواری
 و محصول موافق تکریت است **خوی** شهر وسط است
 باغستان بسیار دارد و دو تومان پنجاه یکصد دینار
خالص سی پاره دیه توابع دارد هفت تومان سنه
 دینار **خانقین** قصبه بود اکنون بقدر دویسی مانده است
 یک تومان و دوهزار و دویصد دینار **دجیل** ولایتی معتبر است
 سه تومان و پنجاه دینار **دقوق** شهر وسط است
 در حوالیش جا نای لفظ است **دبرعا** قول شهریت میان

شهریت میان واسط و بغداد **رومیه** شهریت نزدیک
میدان اکنون اکنون خراب **رامحیه** در چهار فرسنگی نجف
بر کنار فرات است **زهاب** و در تنگ این دو ولایت
در سرحد بغداد است **زادان** و بین الهزین این دو ولایت
بر آب نهران است **زنکی آباد** ولایت در سمت
غربی خافقین **سبابا** و **سماوات** دو شهر است
سامره ما بین بغداد و تکریت است **سدید و خوزنق**
دو کوشک بود بالفعل خراب **صدین** ولایتی است
طریق خراسان ولایتی است و شهرش بقیو باشا نزده تومان
چهار هزار دینار **عانه** شهریت و **سطع** بر کنار فرات
عسکیره شهر وسط بود اکنون خراب **قادسیه** شهر وسط

بود اکنون خراب است **قصر شیرین** میان بغداد و
همدان است **قلعه قرنه** ما بین فرات و دجله است
قلعه کبان و **قلعه مندلی** هر دو در حال استحکام **قوبان**
شهریت و قریب صد باره دیده توابع دارد نه تومان
چهار هزار **گرگویی** در حوالی شهر روز است **کوفه**
بر کنار فرات است و از وتا بصره شش میل **محوال**
شهر چریک است بر دو فرسنگی بغداد **مدینه شامیه** در
نواحی کوفه است **مداین** بالفعل خراب است **نهر صالح**
و نهر عیسی و نهر ملک مجاوران آنجا اعراب مطیع
والی بصره **نعمانیه** شهریت میان بغداد و واسط **نهران**
شهر بزرگ بود احوال خراب است **نیل** ولایت است

میان کوره یست میان بصره و واسط **مادرسان**
 موضعی است بدو مرحله از حلوان **واسط** شهر لیت
 میان کوفه و بصره **ولایت ماهی** دشت دهرن
 دو ولایت است در کمال معموری **هیت** شهر لیت
 بر کنار فرات **حدود و جوانب و طول و عرض از**
 حکمستان تا بادیه و دیار بنی شیبان و بیابان
 نجد و بحر فارس و ولایت خوزستان و کوردستان
 دیار دیگر عراق عرب **هسته** است **طول از تکریت**
 تا عبادان که جزیره یست زیر بصره یکصد و پست و
 پنج فرسنگ **از قادیسیه تا حلوان** هشتاد و پنج
 فرسنگ **عرض مسافت** از بغداد تا دیگر بلاد عراق

عرب **انبار** یا زده فرسنگ **بصره** هفتاد و فرسنگ
یعقوب با هشت فرسنگ **تکریت** سی و دو فرسنگ
حله شترده فرسنگ **حدیبه** پنجاه و هشت فرسنگ
حلوان سی و پنج فرسنگ **سامره** پست و دو فرسنگ
کوفه پست و چهار فرسنگ **وجیل** ده فرسنگ
نهر وان چهار فرسنگ **عراق عجم** نه تومان **در عمده**
سلاجقه دو هزار پانصد و پست تومان و کسری **در عمده**
صفویه پست و شش تومان **تومان صفهان**
در زرتهد القلوب پنجاه تومان در عالم آرا مال و مال
اربابی و ده یک کل محصولات چهل و پنج تومان
در افضل التوارخ مال و اجبات پست و هشت تومان

در ترجمه کنگول دو آزرده لک اشرفی **بلده اصفهان**

هشت ناحیه است سیصد و نود و نه دیر دارد

شهر عباس آباد اخراجات عمارت و مسجدش

سی تومان شاهی عراقی **ابر قوه** شهریت کوچک

یک لک چهل و چهار هزار دینار **الموت** قلعه‌ی

بر فراز کوه بلند **فیروزان** شهریت بر کنار زنده

رود بالای صفهان سیزده تومان چهار هزار بانصد و نیا

تومان ری دارا کلکش و رایین **ری** شهر بزرگ

الکون خراب است با نزده تومان یک هزار و بانصد و نیا

طبرک قلعه‌ی **طهران** اکثر اوقات اهلیش باغی

باشند و **رایین** در آب و هوا بهتر از ری است

تومان سلطانیه سلطانیه شهر مربع است سی و تومان

قزوین شهر مشهور است یا زده تومان **ابهر** یک تومان

چهار هزار دینار **شکور** و دیلمان و ولایت طوابش و

جرکام و خنجام ولایت بسیار است ما بین عراق

و جبلان در کوهستان سخت **آوه** شهر کوچک است

یک تومان و هفت هزار دینار **رودبار** ولایت وسیع است

هشت هزار دینار **زنجان** دو تومان **ساره** هفت تومان

ساج بلاغ دو آزرده هزار دینار **سجاس** و شاه رود

دو تومان پنجاه دینار **سرجان** پنجاه باره دیر توابع

دارد **طارم** شش تومان و چهار هزار دینار **شمیران**

تابع طارم است **دیلمان** ولایت وسیع است **طایقان**

یکتومان کاغذگتان چہزار دینار **مزدقان** شہر وسط است
 یک تومان **تبرک** چہار ہزار دینار **مرمجان** و **اندجوی**
 دو ولایت است چہار ہزار دینار **بشکدرہ** ولایتی است
 سہ ہزار دینار **تومان** **قم** و **کاشان** قم میان
 سادہ و اصفہان است چہار تومان **کاشان** شہریت
 در وسط معمورہ ایران **اردستان** ولایتی است
 یازدہ تومان ہفت ہزار **تفرش** ولایتی است شش ہزار
جربادقان عرف کل با بکان چہار تومان و دو ہزار دینار
تیمور تابع کل با بکان دہ تومان و دو ہزار پانصد دینار
زوارہ ہشت ہزار دینار **فرمان** ولایتی است
 سہ تومان ہفت ہزار دینار **کرخ** و **کرم** رور یکتومان

ہزارہا

یک ہزار دینار **تظنیر** شہریت ماہن قم و اصفہان دہ تومان
 دو ہزار پانصد دینار **ہراورین** ولایت است یک ہزار و صد
 دینار **تومان** **کبزرک** آنچه با تا بک میر و دیکصد تومان
 آنچه بدیوان مغل میدہند نہ تومان یک ہزار دینار
اینج شہریت میان اصفہان و خوزستان
عروہ شہر کوچک است **تومان** **کوچک** یکصد تومان
بروجرد شہریت نزدیک **امدان** **سما** ولایتی است
 از حساب بیرون بودہ **ضمیرہ** شہر کوچک بود اکنون
 خراب **خرم آباد** و **دارالملک** ولایت کوچک است
صدمرہ **کورکوه** ولایت اردلان حسن آباد بای تخت
اینولایت **شہر زور** **شہر بیوان** ولایت

الواربختیاری الفار کراکوک و تاوق شهر نور
و سرحد ولایت است دو آزده هزار تومان **تومان**
همدان در عمده صفویه دو هزار چهار صد تومان **همدان**
پست و چهار تومان و یک هزار دینار **سدا باد** یک تومان
پنج هزار پانصد دینار **خرقانین** ولایتی است نه هزار دینار
درگزین قصبه است یک تومان دو هزار دینار **روادورو**
دو تومان سه هزار پانصد دینار **سامان** قصبه است
یک هزار و دو صد دینار **شید شهر** و **قولاهر** ولایتی است
نمادند شهر است نزدیک **همدان** **نقد** سه تومان
هفت هزار دینار **کوسفت** هر سال زده کرد و در زمته
القلوب موازده هزار در مجمع **الغرائب** یک لک

در چند دیه است از اعمال **همدان** **ارصحن** دیه است
از اعمال **همدان** مناره سم کور خراچا **تومان یزد**
یزد ما بین شیراز و خراسان است پست و پنج تومان **کنیزار**
مسید شهر کوچک پست و پنج تومان و یک هزار **نابین**
شهر کوچک است **بافق** **بوانات** **هرسین**
توی سرکان **خار سلطانیه** **آباد** **ترمین**
قولاهر قلعه **محمدک** **کنکاول** **کرمان** **نمان**
کمره حدود و جوانب و طول و عرض **عراق** **عجم**
بولایت **آذربایجان** و **کوردستان** و **خوزستان**
و **خراسان** و **کرمان** و **فارس** و **مناره** و **قومش**
و **جیلانات** پوسته است **طول** از سفید رود تا یزد

یکصد و نشت فرسنگ **عرض** از جیلان تا خور
 یکصد فرسنگ **مسافت** از اصفهان تا دیگر بلاد
 عراق عجم اوستان سی و چهار فرسنگ
ایرج لر بزرگ چهل و پنج فرسنگ **بروجرد** کوچک
 نشت و شش فرسنگ **کل** با بکان سی و یک فرسنگ
دیلمان سی و پنج فرسنگ **ری** شتا و پنج فرسنگ
شهر فیروزان شش فرسنگ **ساده** نشت و
 چهار فرسنگ **سلطانیه** یکصد و شش فرسنگ
قزوین نو دو دو فرسنگ **قم** پنجاه و دو فرسنگ
قوش فارس چهارده فرسنگ **کاشان** سی و دو
 فرسنگ **کنج** چهل و پنج فرسنگ **تورکان** لر بزرگ

سده

سی و پنج فرسنگ **بطنیر** بخت فرسنگ **دشت ماهی**
 بخت و شش فرسنگ **نماوند** هفتاد و چهار فرسنگ
از سلطانیه تا دیگر بلاد **عراق** **ایسر**
 نه فرسنگ **طارم** ده فرسنگ **اسداباد** سی و هفت
 فرسنگ **بری** پنجاه فرسنگ **زنجان** پنج فرسنگ
ساده چهل و دو فرسنگ **سجاس** پنج فرسنگ
قزوین نوزده فرسنگ **قم** پنجاه و چهار فرسنگ
کاشان هفتاد و چهار فرسنگ **یزد** یکصد و چهل و
 پنج فرسنگ **آذربایجان** نه تومان
در عهد سلاجقه و **اتابکان** دو هزار تومان **در عهد**
شاه عباس هفتده هزار پانصد تومان **تومان تبریز**

تومان

تبریزی نو و پنج تومان **اوجان** یک تومان **طسوج** پنجاه
 دینار تبریزی **سافت** از تبریز تا دیگر ولایات **آذربایجان**
اوجان سه فرسنگ **آهر** چهارده فرسنگ **اردبیل**
 سی فرسنگ **اشنونه** سی فرسنگ **ارمیه** سی و چهار
 فرسنگ **خومی** پست و پنج فرسنگ **سراه** پست و
 پنج فرسنگ **مراغه** پست و پنج فرسنگ **مرند** پانزده
 فرسنگ **سرخوان** پست و چهار فرسنگ **سکامش**
 پست و پنج فرسنگ **تومان** **آردبیل**
آردبیل هشتاد و پنجاه دینار **خلخال** سی هزار دینار
تومان **دارالمزر** دارالمزر پست و نه هزار دینار **شاه رود**
 ده هزار دینار **تومان** **مشکین** **مشکین**

ع تومان

پنج تومان و پنجاه و دو صد دینار **انامد** **وارجاق**
 هفت هزار دینار **آهر** پانزده هزار دینار **لنگله** و **جنا**
 دو هزار دینار **درآورد** ولایتی است **کلهر** **شهر**
کیلان و **قفلان** ولایتی است پنجاه و نه تابع دارد
مراونیم ولایتی است هشت هزار هفتصد دینار
نود یا زده هزار دینار **یافت** چهار هزار دینار
تومان **خومی** **خومی** پنجاه و سه هزار دو صد دینار
سکام سی و نه هزار دینار **ارمیه** هفتاد و چهار
 هزار دینار **اشنونه** نوزده هزار سیصد دینار
تومان **سراب** کوتل منقو طاسی مابین **سراب** و **اروپل**
سراب شهر میانه است چهار ناحیه مقرر ما دیه

میاخی و کرم رود پست و پنجاه شصت و دینار
 تومان مراغه مراغه یکک و استاد و پنجاه پانصد و دینار
 بسوی پست و پنجاه و دینار **دخوارقان** پست و سه هزار
 سیصد و دینار **شلان** ده هزار و دینار **تومان مرند**
 مرند پست و چهار هزار و دینار **فرماچمل** هزار شصت و دینار
زنور سه هزار و دینار **کرک** قصبه بیست **تومان نخجوان**
نخجوان عرف نقش جهان در نزبه القلوب یکک
 هزار و دینار در عهد عباسی بابت معدن نیک تمام
 پنجاه هزار و دینار **النخج** تابع نخجوان **اخجان** آنرا کار
 خانه نامند **اردو بابا** از عهد عباسی معاف **آزادچران**
 هزار و سیصد و دینار **باکویه** قلعه بیست **قلعه کاو دول**

تودا

قلعه کور جنلوق قلعه نو براق قراحصار قلعه میانک
 قلعه تمغه ترکوز و مرکوز و الکار رومی و روشنی از **شبار**
 مقرری کوسفند بر جاء التوزایکی در عهد عباسی تمام
 نیک و دینار **ازربجان** **ارچش** **اوج کلیاتک**
خوشاب **رینور** **ساروقانیه** **طوچی** **طشنگ**
قراچه داغ **کوره حائین** **مدینه شیر** ولایت صد پاره
ولایت جوس **اروار** **ولایت اورامی** **ولایت اکرادیا**
 حدود و جوانب و عرض و طول آذربایجان ابتدائیش
 از آخر حد امدان بعراق عجم و موغان و کورجستان
 و ارمن و کردستان پوسته است **طول** از باکوت تا **طغی**
 نود و پنج فرسنگ عرض از باجردان تا **کوه سیاه**

۹۴
نجاه و پنج فرسنگ **آران و موغان** در عهد تاجکان
ستصد تومان اکنون سستی هزار سیصد دینار **آران**
دارالملک آن برود است **پلکان** **برود** **خره تفلیس**
قلعه کوری **کوسکو** **تبع تفلیس** **قراباغ** **توشنگ**
یکصد و پنجاه تومان **ابریشم** و **جوبان** یکی است هزار تومان
کنجه حاصل تمام **ابریشم** دو هزار تومان **تومانوس**
میرک سوغان چون ازار و پهل نه تبریز روند ای
ولایت سمت دست راست بود **باجروان**
بررند **سلوار** **محمودآباد** **نیم شهره** حدود و جوار
آران و موغان با ولایت ارمن و شیردان و آذربایجان
و بحر خزر پیوسته است **بلاد اهلوسلو** **ایران** **حد آذربایجان**

تا آخر زمین فارس و سیستان و حوالی ماوراءالنهر بلاد
اهلسلو پیوسته است **شیروان** در کتاب نزهة القلوب و عهد
شیر و انیان یکصد تومان اکنون یازده تومان یکزار
دینار و **جوه** **جوبان** یکی در عهد عباس تمام چهار هزار
تومان **بلده شیروان** **باب الابواب** که بفارس
و رهند و ترکی و مورقا بگویند **باد کویه** و **دو هزار** **شصد**
تومان **باد کویه** **بایست** **چاه نفت** دو هزار تومان **نفت خلیق**
هشتصد تومان **فیروزآباد** قبله تابع شماخی
شهرنو **قلعه لک** **قلعه کلستان** **قلعه منوش**
قلعه بانو **قلعه مرخاب** **قلعه بقمه** **شیربان** **کوکچه**
تکنیز **سانان** **کلنگس** **ارشن** **کشتا سفی**

پیش از ظهور نعل یکصد تومان اکنون یک لک هفتصد هزار
 پانصد و بیست و یک **ولایت** چهار هزار تومان **ولایت**
غداش و **ارش** **ولایت** شاپوران **ماسبدان**
شهریت مشهور **ولایت** زره کران و تبرسران
 حدود و وجانب از کن رآب کرتا در بند ولایت **شهریت**
 و ولایت **شکی** ماپن کر جستان و شیروان و غوستان
کر جستان نه تومان **احقه** اختا باد بائی اجوق
 شوره کل **طبل** و **اقالمان** **فتق** کاخت
کارتیل در زرته القلوب در عهد ملوک اینجا پانصد تومان
 اکنون یکصد و هشتاد تومان و نه هزار و بیست و هشتاد
 شصت هزار تومان **الآن** **اشی** اختا باد لوری

اق **شهر** **الاورو** **آنی** **اراه** **قرقه** **منگول**
اوانیت **حنان** **براتکو** **سوانیت** **حصار** **زرت**
قان **دینانات** **زکم** **دارالسلطه** **کاخیت**
اوس **داویان** **سوران** **سنب** **بلو**
سدیلو **عباس** **آباد** **کاخت** **اخراجات** **عمارش**
هفت **هزار** **تومان** **کیرم** **کورپال** **قراچه** **اروان**
قلعه **الوندکوه** **قلعه** **نرئیس** **قلعه** **اروالوج**
کوری **در** **قدیم** **بائی** **تخت** **کارتیل** **بود** **قلعه** **فروت**
قلعه **کوس** **قلعه** **طراغای** **قلعه** **آبمن** **قلعه** **قارلاقوج**
قلعه **در** **نارو** **فتق** **قصر** **حدود** **وجانب**
کو **جستان** **تا** **ازان** **وارمن** **وروم** **پوسته** **است**

دواختان ولایت متقل آذربایجان و در بند
 اماکن **ارض روم** در زمان سلاطین یک هزار پانصد تن
 اکنون سیصد و سی تومان **سیواس** شهر بزرگیت
ابستان شهر وسط است **انقره** شهر است مشهور
ارزنجان از زن که اکنون ارض روم گویند
 دو لک مپت و یک هزار وینار **اراک** شهر وسط است
 دو هزار و هفتصد وینار **ارمیا** هشت هزار وینار **منگ**
 پنج هزار وینار **اترا** پنجاه و یک هزار وینار **اق** شهر
 سی و پنج هزار وینار **اماسیه** شهر معظم بود **انطاکیه**
 شهر بزرگت **ادبک** قلعه است بر سر تپ
باهرت مپت و یک هزار وینار **دمر** تو چهار هزار سیصد وینار

درحان دو لک و پانزده هزار وینار **حمر** **سرت** پانزده
 هزار وینار **سمن** بند کشتی است **سیا** **شهر**
 بزرگت **عموریه** عرف انگوریه هفتاد و نه هزار و هفتصد وینار
فایقلا شهر بزرگت **قراحصار** چند قلعه است
 قراحصار کمر کوه پانزده هزار سیصد وینار قراحصار پراش
 یازده هزار ششصد وینار قراحصار کجداق شهر
قسنونیه پانزده هزار وینار **قونسات** چهارده هزار وینار
قونیه شهر بزرگیت **قیصریه** پانسی تخت سلجوقین
 یک لک چهار هزار وینار **کات** مپت و دو هزار
 یکصد وینار **کمانخ** سی و چهار هزار چهارصد وینار **کول**
 شهر میان است **کیر** **و** **مع** هر دو خراب **لولوه** شهر

کوچک است **مطلبیه** شهر بزرگ بود **مکنده** چهار هزار و
 پانصد دینار **نیک** یک لک شتا و هفت هزار شصت و نه
قنوه پنجاه و هفت دینار **کدوک** شانزده هزار پانصد
 طور **آغاج** نوزده هزار پانصد دینار **ایارب** نازار یک هزار
 شصت و دینار **قواق** قلعه است اگر **یدول** چهار هزار
 دینار **قوش حصار** هفت و هفت هزار دینار **شعر** **بجصار**
 هفت و پنجاه دینار **قسطنطنیه** دارالملک روم است
کیفی **ملقونیه** کج و دو قونیه است حدود و جنوب
 مملکت روم تا ارمن و کرجستان و مصر و شام
 و بحر روم پیوسته است اما کن ارمن سیصد و شصت
ارمنیه **اکبر** مشهور بتومان خلاط در زمان سابق دو صد تا

آنند

آنند سی و نه هزار دینار **خلاط** پنجاه و یک هزار دینار
ارچش هفتاد و چهار هزار دینار **ارموک** سیصد و نه
 هشتصد دینار **الاطاق** هشت هزار پانصد و بیست
افلوغونیا شهر بزرگ است **برلوی** پست و پنجاه دینار
بیان **تصبریت** شانزده هزار دینار **خوشاب**
 یک هزار دینار **خوشرب** **دولوفانان** شانزده هزار
 هشتصد دینار **کابا** **دمنصد** دینار **سلم** هفت هزار
 دو صد دینار **عین** پانزده هزار سیصد دینار **کبود**
 چهار هزار دینار **بلاد** **جر** چهارده هزار دینار **دان**
دوسلمان پنجاه و سه هزار چهار صد دینار **دلاشجود**
 پست و هفت هزار دینار **ارمنیه** **اصغر** ولایت **نخجور**

سعد عرف ایروان **قلعه عتیق** قلعه سعادت
قلعه باکو و بایزید قلعه شوره کل آنچه قلعه کنکرو
قلعه معاذیر الکاسر در قارص **حدود و جوانب**
ارمینیه کبری مارمینیه صغری و دیار بکر و کردستان
و آذربایجان و آران پیوسته است **ارمینیه صغری**
در شرق افتاده و لایات روم بر شمالش و دیار
شام بر جنوب و دیار روم بر غرب **دیار بکر و روم**
در عهد اتابکان یک هزار تومان اکنون یکصد و نوزده
تومان پنجاه و دینار **موصل** سه لک و پست هشت
هزار دینار **اربل** دو لک و دو هزار دینار **اشم**
ستی هزار دینار **باصیره** هشت و چهار هزار دینار

باطلوه

باطلوه با نژده هزار دینار **برطین** سیزده هزار و صد
دینار **برقعیه** شهریت میان **موصل** **لوارج** چهارده
هزار دینار **جارس** شهر خود است **جزیره** یک لک و
هفتاد هزار و صد دینار **حیران** شهر میان است
خابور شهر میان است و نقسین **خضر بقا** هشتاد و
دو هزار پانصد دینار **راس العین** شهریت میان
حیران **رقه رومی** زبان فالانیقوس لو بند خراب است
رما متصل بارض حیران است **ساع** و **چهل** و **شوش**
هزار دینار **سجاء** یک لک و چهل و هفت دینار
سوق **شمانین** اکنون خراب است **عقر** هشت و هفت هزار
چهار صد دینار **عمادیه** شصت و هشت هزار یکصد دینار

۴۴

ترقیہ کرلیس بازده هزار دوصد دینار **ماروین**
 سی و شش هزار دوصد دینار **موش** شصت و نه هزار
 با نصد دینار **میا فارقین** شهر بزرگیت **نصیبین**
 شهریت که آنجا عادل نباشد و اگر عادل در اند عالم کرده
نیروی شهر بزرگیت محاصی موصل **مارون آباد**
 حدود و جوانب دیار بکر و ربه تا ولایت روم و
 شام و ارمن و کردستان و عراق عرب بوسیله
 ولایت کردستان در زمان سابق دوصد تومان
 اکنون پست تومان و یک هزار با نصد دینار **آلانی** قصبه
النشیر شهر وسط است **بهار** قلعه **حفتیان** قلعه
 محکمت در بند قباچ **خاتون** شهر وسط بود اکنون حراست

سلطان آباد

سلطان آباد و **خلخال** قصبه **یت** در پارکوه پستون
 کردند و **خوشان** دو دیه است بر سر کریمه حلوان **کنگور**
 شهر بزرگیت میان امدان و کرمان نشان **وسطام**
 دیه بزرگیت محاصی صفا شهر **حدود و جوانب**
 کوردستان تا ولایت عراقین و خورستان و آذربایجان
 و دیار بکر بوسیله است **خوزستان** دار الحکام نوشته
 در زمان خلفا رسید تومان اکنون سی و دو تومان چهار
 در عهد صفویه پست هزار تومان **اهواز** ساکنانش
 ز رور و باشند **تتر** عرف نوشته **ترب** شهر
 کوچک است **جندشاپور** شهر میانه است **حویزه** دار الحکام
 والیان عربستان است **خلف آباد** و معمور است

بند رود مسافران خرابست و ز فول شهر میانه است
دستکوه قلعه کلین محکم دارد و دورق شهر کیت که پوسته
اعراب در آنجا دست بغارت کنایند راهر ز عرف
راغز ما بین بغداد و خوزستان است **شوش** شهر میانه است
عسکر مکرم شهر بزرگست **طارک** شهر میانه است **سرفان**
شهر میانه است **قریه** حال آبا حوزیه در زمان سابق کمال آباد
بود **قریه مشکومک** در حوالی جزیره کوچک است **حدود**
و جوانب **خوزستان** تا ولایت عراق عرب و کرمان
و فارس پیوسته است و گویند این ناحیه ما بین بصره
و فارس است **فارس** سابق پنج کوره بالفعل نه
بلوک در عهد و اتق خلیفه نقد شده کروسی لک دام

غله لک و پنجاه خروار در زمان مقتدر خلیفه شش کروار
سی لک دام یک هزار و پنجاه تومان در عهد الیویه از قرار حال
پنج کروار و دینار از قرار ایصال بدار اختلافه هشت لک و دینار
در عهد سلا حقه سی و سه لک سی و پنجاه دینار اکنون دو
صد و هشتاد و هفت تومان یک هزار و دو صد و دینار در عهد عباس
سی هزار تومان مفرا ده لک روپیه کوره آرد و شیر خورده
شیراز چهار لک و پنجاه هزار دینار **اعمال السیف** ناحیه
بوشکانات چند ناحیه است **توج** شهر بزرگ بود
حرمیانه است **زمردان** و **دادان** و **دوان** چند ناحیه است
سرستان و کوهجان ولایت کریمیه است **سیراف**
شهر بزرگ بود **عمکان** و **بهرک** **فیروز آباد** **فیروز**

کارزین کران و ابراهیمستان کواری لار و مکران
ماد وستان میمند هرمن و اجمان کسرن
هر دو تانه کوره اصطخر ایچ اسفندان و شستان
اقلید و سمرق قوان و مرودشت بهضابض
حر و آباد و سردار پست و پنجاهار بالصد دینار
حفرک و قالی خرمه را مجرد پنجاه و دو تومان پنجاه و پنجاه
صاه و صراه قطره قومه و قولمان کام فیروز
کر پال علیا و غلی کین و قارن کورد و کلار مابین
یز و خواست و دیر رود و دیر مورد و اراوان کوره
دار اجرد جهم جویم الی احمد فنا کوره شاپور خوره
کاذرون شاپور الموران و ماشنت قوطا بر مردان

دوستان

و خویکان کوه کیلویه در عهد صفویه نه هزار تومان جره
عرف کره جند بلغان خت و کارخ خلدار خانان
و دیر علی خرام و بادزنک عبد جان عرف منتهار
لوهجان عرف نوبندگان شعب بوان کوره قباد
خوره ارجان عرف ارغان ری شمر
حص و مرمل و مندجان حلا دخان و سو وادی
مهر و بیان میه ایچ بهسان خواجه دهرشت
و شستان کوهه کلبار تفصیل قلاع فارس
هنقده قلعه قلعه سفید قلعه کار بان قلعه اصطخر
قلعه اصطخر بار قلعه کلات قلعه آبا ده ذرا ایچ
قلعه تیر قلعه خرش قلعه خرمه قلعه خواو قلعه

۱۰۲
عزم دوان قلعه شماره قلعه سیران قلعه کازین
قلعه کنب بلغان قلعه ترصد **تفصیل مرغزار است فارس**
دوازده مرغزار **مرغزار آور و عرف** کوشک زرد و بنی
مرغزار دشت مرغزار دشت ازرن مرغزار ازنگان
مرغزار بهمن مرغزار بند شکان مرغزار بهمن مرغزار شیدا
مرغزار قالی مرغزار کالان مرغزار کام فیروز مرغزار
زکس **صد و دو جانب و طول و عرض فارس**
شرقی کرمان غربی خورستان سپاهان شمالی
بیابان و بهری از صد کرمان جنوبی دریا فارس
طول از قومنه تا قیس یکصد و پنجاه فرسنگ
عرض از یزد و خوزستان یکصد و هشتاد و شش فرسنگ

شمالا در عهد سلاجقه دو صد تومان اکنون
هشتاد و شش تومان هشت هزار یکصد و بیست و یک
اصطهبانات تبرک و تارم خره و نیزه پشکانات
دارا بگرد کرم و روتیز بطریق پشکش با طین صغیر
یکهزار تومان **صد و دو جانب شمالا شماره با ولایت**
فارس و کرمان و بحر فارس بیست و هشت
کرمان کوشیر دار کماک اوست در عهد سلاجقه
هشتاد و شش تا دینار دینار اکنون نصد و هشتاد و شش
هشتاد و شش تا دینار انا بار بجم برکوه چرفت
شهر بابک حبیب و مندان سنون ریگان
سیرجان کوسیر زما شیر نوقات

۱۰۵
کونیان ماکان مغون کر میرات کرمان
قلعه سیمانی و قلعه منوجا **حدود و جوانب کرمان**
شرقی مکران غربی فارس شمالی خراسان
جنوبی بحر فارس بکچ و مکران چمنار توومان
در عهد صفویه بکران برانتر خواشش **حدود و جوانب**
کج و مکران طنی به بندر هر فرو جانبی به تته و سستی
بکرمان و حدی بیستان القصال دارد **مغاره**
اغازش از ولایت قزوین تا کنار عمان میرسد
طول چهار صد و فوسنک کیلانات دو توومان
بیه بیش بر پس بطریق پیشکش سه هزار
تومان اصفهند دو توومان و نه هزار استاره

تولیم تولیم الکار رید و چونندان عهد عباسی
دو هزار توومان تبریزی تجان رشت شعب
فومن کوچفان الکار لکنان رانه کوه
نشسته نشا تنکان کوه دم نکه رود ککر
قصه اسنان کاجار لاجان **حدود و جوانب**
و طول و عرض کیلانات تا ولایت مازندران
عراق و عجم و اذربایجان پیوسته است
طول پست فوسنک **عرض** پست یک
فوسنک **برستان** در عهد خلیفه دویم رضی الله
تعالی عنه پنج لک و رتم **مازندران** در عهد صفویه
پست و چهار هزار توومان **فرح آباد** اخراجتش

۱۴
چهارک و پنجاه و نه هزار تومان **اشرف امل**
ساری و **استان کبار** **فیروزکوه** **باردشت**
مشهد **سیر رود** **علیاباد** **قلعه توحی** و **قلعه**
کلین **قلعه اولاد** **قلعه سوادکوه** **جبال مازندران**
قلعه پنجاه هزار **استمدار** **لاریجان** **کجور** **قلعه کلخندان**
قلعه نوسان **قلعه نور** **قلعه رکابن** **قلعه**
دامن کوه **قلعه مرستی** **قلعه لاسیر** **هزار جریب**
کورا **هزار جریب** **داماند خوار** **دامغان** **سمنان**
بظام **خیرآباد** **رویان** **جوسم** **خرقان**
طوالش **ولایتی** **است** **وسیع** **و پر نعمت** **آب**
بلد **دوسر** **صد طولش** **و مغانات** **است** **جرجان**

استرآباد **دارالحک** **اوست** **از یک طرف** **این ولایت**
بدری **ارخر** **پوسته** **است** **استرآباد** **نیم مردان**
کیو **جامه** **خراسان** **در عهد صفویه** **سی** **هزار** **تومان**
اسفرار **اسفراین** **اپور** **و عرف** **باورو** **اغند**
ترشیر **اندخود** **باخر** **باغباد** **بعثور** **بامیان**
بج **در عهد نذر محمد خان** **شصت** **لک** **شاهی**
مقرر **پانزده** **لک** **روپیه** **در عهد شاه جهان** **مشت**
کر **ور** **دام** **پیک** **روپیه** **باغ غیس** **قلعه** **بزه** **تو**
تون **تربت** **حیدریه** **برجند** **جناب** **عرف** **کونابا**
جرجانیه **عرف** **او** **بج** **صغری** **جام** **چکبند** **میمنه**
جاجرم **جهان** **ارغناد** **حصار** **شادمان** **نخک** **رود**

۱۰۵
ختلان بدخشان در عهد شاه جهان چهارگز و در دام
مقراده لک روپه خسرو چرو خوبوشان درون
وستان زادگان رمنخه ساچه سنج
شهرستان سغان خوزیز شبرغان خوارزم
خواف زاوه محلات دوغاباد پتوق
سبزوار سرخس طوس طبس کیکک
طبس سینا طرش و طایقان غوریان
آهنکدان شهرستان غورسپت **خرنشت**
شهرسپت از بلاد غور ارباب قلعه سیت از غور
قلعه جبار از غورسپت غوجستان ولایتی است
بنجاه و نه تابع دارد غزاله فراذه قلعه حورا

قلعه اجسن قلعه سغان قلعه تاک قلعه زیران
قلعه ماران قلعه اختیارالدین قوشنج قلعه خزار
قلعه اشکلچه مشهور بامان کوه قلعه بالا قلعه دست جردان
قلعه زره باخزر کذاب کندر کوسویه تیخه جوسف
زیرکوه قستان دشت بیاض قاین
پباز کلات جرم جنت جورجان
سمنان فاریاب کالف اسفورتقان
تفتازان بزمیان مهنه مشهد مقدس
مرسان مومن آباد قلعه دره مروشا جان
پست هزار تومان در عهد صفویه مرعاب عرف
مروارود ماخان ماروجاق نسا نیشاپور

هرات حدود و جوانب خراسان تا اول

قستان و قومش و مازندران و مغاره خوارزم

پوسته است **سیستان** **تولاج** سیستان

اوق. ننج. شهرکند. قریه دید علی. محکمہ

قلعه فتح. قلعه باغرون. قلعه گاه. قلعه چار دانگ

جزیره پشت زره. جزیره سیستان. جزیره میان

جزیره زره **نیمروز** **زابلستان** کرکویه

اسفرار. فراه **حدود و جوانب سیستان** از خراسان

تا مغاره کرمان و بامیان و جانب غربت اطریش

افغانستان **سواحل دریا عمان** بناورد **بجاده**

بندر عباسی. بندرکنک. بندر خارک.

بندر نخیلو. بندر شلو. بندر کیشهر. بندر ریگ

بندر دیلم. بندر ماشول. بندر غزاله. بندر بردستان

بندر شیلو. بندر سخری. بندر زیارت.

جزایر نوزده جریب **بحرین** در عهد عباسی

سه هزار تومان. هرفشش تومان. جزیره قشم.

جزیره وال. جزیره قیش ملکمان. چهار لک و

نود و یک هزار سیصد دینار. جزیره لار. جزیره مابنجو

جزیره لارک. جزیره سری. جزیره تینمار.

جزیره هنگام. جزیره فلور. جزیره اسفرار. جزیره بندر

جزیره بلو. جزیره خارک. درکمان. ایرون.

دو **قستان** **انبار و بحیرات ایران** زمین **انبار**

نهر اذربایجان . نهر اشل . نهر ارس باذربایجان است
نهر آبله به بصره است . نهر دجله . نهر فرات .
نهر بستر . نهر زاب عرف نهر مجنون .
نهر دخیل بحد بادغیس است . نهر سفید رود .
نهر زنده رود اصفهان . نهر حصن مهدی پائین بصره
واهور است . نهر اووند نزدیک مرند است
نهر سمور بجوالی خلاط است . نهر سلیمان نزدیک
بغداد است . نهر طاب در حد و فارس است
نهر هرات رود . نهر کرد در کرجستان است
نهر نروان بعراق عربست **بحیر است**
بحیره ازیر در حد و آذربایجان است . بحیره زره

عرف ایزمن **بحیره** ارسینه بحد و بلاد جرد است
بحیره ارجیس بحد و وان و واسطان است
بحیره مکران بحد و سهند باشد **بحیره** خلاط
بحیره دشت ازرن **جبال** مشهوره ایران زمین
کوه ارجان بطبرستان است **کوه الوند** مبدان است
کوه البرز متصل در بند است **کوه التریه** در حله
کی قزوین است **کوه اشکان** در ناحیه اصفهان است
کوه پایدار به لیس کوچک است **کوه بیستون**
ما بین امدان و بغداد است **کوه بر چین**
بولایت قزوین است **کوه جودی** بحد موصل است
کوه دراک به شیراز است **کوه دماوند** بطبرستان

۱۸
کوه داربجرد کوه رسهند شمالی شده کرخ است
کوه رامند قبلی قزوین است کوه زروه بسترستان
کوه زر بجد دامغان است کوه ساده کوه سیلان
نزدیک اربیل است کوه سراهند بعراق است
کوه رسهند باذربایجان است کوه سیبان بجلال
کوه مشتاق بخراسان است بجد حاجرم کوه صور
ببهرستان است کوه لورجان بجد فارس است
کوه اروند نزدیک امدان است کوه زنجقان
باذربایجان است کوه مرشک نزدیک اهرا
کوه غور کوه فرج بارمینه است کوه قیش
بکرمان است کوه کوچ و بلوچ کوه کرکس میان

ری و اصفهان است کوه کلستان بطوس است
کوه ماران میان بطنستان و ری است کوه دکه
بباروین است کوه مامت بهنجوان است
کوه نمک میان ساده و قم است کوه نهران
بلر کوچک است کوه نیزم ببهرستان است
کوه نهادند نزدیک شهر ری است کوه کوجان
بجد کرمان است کوه یله ششم از اعمال قزوین است
کوه عرغوزن بولایت ارمن است کوه بکپایی
در فارس است کوه مارندکی در یک فرسنگی
فراه است بر اری کشه زره ایران بیابان بودیه
میان بحرین عمان است بیابان یزد که بدان راه

از طبرستان بکرمان روند **بیابان کنتو** از روستا و قستان
 بدین راه بکرمان روند **بیابان یعقوب** چون از قستان
 بکرمان روند بر دست راست بود **بیابان ربیع**
 میان دجله و فرات است **بیابان قلزم** **بیابان**
 دستجرد میان دستجردان و حلوان است **بیابان**
 مکران **بیابان واسط** **بیابان سامه** **بیابان**
 بنی عماره **بیابان قومش** **بیابان گرس** کوه
 بحد کرمان و قم بود **بیابان سور** **بیابان ریک**
 تا حد و دغزنین باشد **بیابان آبگون** بحد و
 طبرستان است **بیابان لوط** ما بین طبرستان و یزد است
شورع شاه راه جنوبی از قلعه از سلطانیه تا
 نجف نهایت ایران یکصد و چهل و چهار فرسنگ

از سلطانیه تا امدان **سی فرسنگ**
 از امدان تا قصر شیرین **پنجاه و هشت فرسنگ**
 از قصر شیرین تا بغداد **سی فرسنگ**
 از بغداد تا نجف **هفت و شش فرسنگ**
 از بغداد تا عمان **سیصد و شصت و چهار فرسنگ**
 از بغداد تا بصره **هشتاد و فرسنگ** از بصره
 تا عمان **دو صد و هشتاد و فرسنگ** از بصره
 تا بحرین **هشتاد و چهار فرسنگ** از بحرین تا عمان
 دو صد و فرسنگ **از بصره تا دو تنجانه** قیصرکان
 یکصد و پنجاه و یک فرسنگ **از بغداد**
 تا اصفهان **بقول مؤلف نزهة القلوب**

یکصد و پنجاه و سه فرسنگ بقول صاحب مجمع
الغرائب یکصد و پنجاه و هفت فرسنگ **از بغداد**
تا موصل در زمره القلوب هفتاد و نه فرسنگ
در مجمع الغرائب هفتاد و دو فرسنگ **مشاه راه**
شرقی از سلطانیه تاری و در آیین و غیره
از سلطانیه تاری پنجاه فرسنگ **از سلطانیه**
تا ورا این پنجاه و شش فرسنگ **از ورا این** تا
همانندوست شصت فرسنگ **از همانندوست**
تا نیشاپور بره جاجرم هفتاد و دو فرسنگ
از همانندوست تا جاجرم سی فرسنگ **از جاجرم**
تا نیشاپور چهل و دو فرسنگ **از نیشاپور تا خراسان**

چهل و دو فرسنگ **از سرخس تا راه بلخ** تا چون
یکصد و سی و نه فرسنگ **از سرخس تا مرو** و
سی و پنج فرسنگ **از مرو** و رود تا بلخ هفتاد و دو
فرسنگ **از بلخ تا چون** شش فرسنگ **از بسطام**
تا خوارزم بره جرجان و دوستان یکصد و پنجاه
شش فرسنگ **از بسطام تا جرجان** بیست و سه
فرسنگ **از جرجان تا دوستان** بیست و سه فرسنگ
از دوستان تا اورکنج یکصد و ده فرسنگ **از نیشاپور**
تا نوجکان سی و هشت فرسنگ **از نوجکان تا نهر**
سی فرسنگ **از نیشاپور تا ترسین** بیست و هشت
فرسنگ **از ترسین تا دیگر بلاد** از ترسین تا تون

111
هفت و پنج فرسنگ از ترشیز تا قاین سستی و
شش فرسنگ از ترشیز تا نوچکان سستی فرسنگ
از هرات تا مرو هشتاد و چهار فرسنگ از هرات
تا مرو و روسی و هفت فرسنگ از مرو و الرود تا مرو
چهل و هفت فرسنگ از مرو تا خوارزم یکصد و هفت و
چهار فرسنگ شاه راه شمالی از سلطانیه تا باب
الدیوآب و ریند از سلطانیه تا اردبیل سستی هفت
فرسنگ از اردبیل تا جرجان هفت فرسنگ
از تاجردان تا قراباغ پانزده فرسنگ از قراباغ
تا کنج سستی و چهار فرسنگ از کنج تا شهر قلیبیست
فرسنگ از قراباغ تا تبریز براه آهر بچاه و چهار فرسنگ

شاه راه عربی از سلطانیه روم از سلطانیه تا تبریز
چهل و شش فرسنگ از سلطانیه تا میانج هفت و
چهار فرسنگ از میانج تا تبریز هفت و دو فرسنگ
از تبریز تا ارض روم هفتاد و نه فرسنگ از ارض
الروم تا ارزجان هفت و چهار فرسنگ از ارزجان
تا سیواس چهل و هفت فرسنگ شاه راه زاویه
ما بین مشرق و جنوب از سلطانیه تا قلیش خانیست
حد ایران از سلطانیه تا ساوه چهل و دو فرسنگ
از ساوه تا اصفهان بموجب نزهة القلوب
شصت فرسنگ از ساوه تا کاشان هفت و شصت
فرسنگ از کاشان تا اصفهان سستی و دو فرسنگ

112
بموجب مجمع الغرائب شصت و چهار فرسنگ **از اصفهان**
تا یزد خواست بهت و نشن فرسنگ **از یزد خواست**
تا شیراز براه تا بستانی که براه کوشک زرد رود
جبل و چهار فرسنگ **از شیراز تا قم شصت و**
دو فرسنگ خاتمه شصت و چهار دستور و هشت
نمودست و هر یک علیحدہ علیحدہ نوشته میشود
دستور اول در مراتب زمین که کشت و کار میکنند
و آنرا چهار مرتبه معین کرده اند یکی بویج که سال
سال و فصل بفضل کشت پذیرد و از نیر و نیفتد
دویم بروتی که یکجندی بکارند و بدن روشنی
افزاید سیوم پنجر که سه چهار سال زراعت زرد

چهارم پنجر که پنج سال و افزون آبا و نبود **در اولین**
و دویمین کریدہ و میانه و زبون از هر جنس
فراهم آرند سیوم بخش آن ب حصول پندارند و ست
یک آن دست مزد جهان بانی رسانند
زمین بویج و بروتی خریف در جریبی سه
مرتبه قند سیاه اعلی سینرده من. اوسط و دهن
بہت آنرا. اولی ہفت من و بہت آنرا **حصہ**
سرکار. سه من و نمرودہ آنرا **پنجم** اعلی دهن
اوسط. ہفت من و بہت آنرا. اولی پنجمین
حصہ سرکار. دو من و بہت آنرا **شش** کہ ہندی
زبان مونک گویند. اعلی دہ من و بہت آنرا

اوسط هفت من و پست آثار ادنی پنج من و
 ده آثار حصه سرکار دومین و ستم نیم آثار **کاش**
سیاه بهندی اردو اعلی ده من و پست آثار
 اوسط هفت من و پست آثار ادنی پنجم ده آثار
 حصه سرکار دومین و پست سیم آثار **موت**
 اعلی شش من و پست آثار اوسط پنج من ده آثار
 ادنی سه من و ستم آثار حصه سرکار یکمین و پست
 نه آثار **جوار** بشرح گذشته اعلی سیزده من اوسط
 ده من و پست آثار ادنی هفت من پست آثار حصه سرکار
 ستم من نهم ده آثار **شماخ** بهندی سالوان ایضا
 اعلی ده من پست آثار اوسط هشت من پست آثار

ادنی پنج من و پنج آثار حصه سرکار دومین و پست نیم آثار
کو درون شماخ مانا لیکن پوست بیرون مایل به تیز
 سرخی اعلی هفتده من اوسط دو آزرده نیم من ادنی
 نه من بازده آثار حصه سرکار چهارمین دو آزرده نیم آثار
شالی مشکین پست و چهارمین نهمده من چهارده من
 ده آثار شش من ده آثار **شالی** ساده اعلی
 هفتده من اوسط دو آزرده نیم من ادنی نه من بازده
 حصه سرکار چهارمین سیزده آثار **کنجد** بهندی
تل اعلی هشت من اوسط شش من ادنی چهارمین
 حصه سرکار سنوان **کال** بهندی کنکنی اعلی شش نیم
 اوسط پنجم ده آثار ادنی سه من ستم آثار حصه سرکار

یکم و هبت و نه آثار **توریا سر شفت** مانا لیکن برخی
 کرایه اعلی شش من و هبت آثار اوسط پنجم ده آثار
 ادنی سه من سی آثار حصه سرکار یکم و هبت و نه آثار
ارزن بهندی چینه اعلی شانزده من اوسط
 سیزده نیم من ادنی ده من هبت و پنج آثار حصه سرکار
 چهار من و نه و نیم آثار **لمدره** در خوشم و دانه
 مثال کال میباشد اعلی ده من هبت آثار اوسط هفت
 من هبت آثار ادنی پنجم ده آثار حصه سرکار دو من
 هبت و سه نیم آثار **منزده** اعلی با نژده نیم من اوسط
 نه من ادنی شش نیم من حصه سرکار سه من **لوبیا**
 به با قلا ماند نختی خورد اعلی ده من هبت آثار اوسط

هفت نیم من ادنی پنج من ده آثار حصه سرکار
 دو من هبت **کوردی** اعلی شش نیم من اوسط
 پنجم ده آثار ادنی سه من سی آثار حصه سرکار
 یکم و هبت و نه آثار **کلت** عدس سالختی سیاه تر
 ده من هبت آثار هفت نیم من پنجم ده آثار دو من
 هبت آثار **برتی** بش ماخ ماند سفید ترازو اعلی
 شش من هبت آثار اوسط پنجم ده آثار ادنی سه من
 سی آثار حصه سرکار یکم و هبت و نه آثار
ربیع کندم اعلی نژده من اوسط دوازده
 ادنی هشت من سی و پنج آثار حصه سرکار چهار من
 سیزده آثار با کم **نخود** اعلی سیزده من اوسط

ده من بپت انار اولی هفت نیم من حصه سرکار سه من
 نژده انار **عده** اعلی هشت من و ده انار اوسط
 شش من بپت انار اولی چهار من بپت و پنج انار
 حصه سرکار دو من شش انار **جو** اعلی نژده من
 اوسط دو آزده نیم من اولی هشت من با نژده انار
 حصه سرکار چهار من و دو آزده نیم انار **کتان بهندی**
اسی اعلی شش نیم من اوسط پنج من ده انار اولی
 سه من و سی انار حصه سرکار یکین و بپت و ده انار
تخم معصفر بهندی کزر اعلی هشت من سی انار اوسط
 شش من سی انار اولی پنج من و ده انار حصه سرکار
 دو من دو آزده انار **ارزن** اعلی ده من بپت انار

اوسط

اوسط هشت نیم من اولی پنج و پنج انار حصه سرکار
 دو من و بپت و هفت نیم انار **سرف بهندی سرسبز**
 اعلی ده نیم من اوسط هشت نیم من اولی پنج و پنج انار
 حصه سرکار دو من بپت و هفت نیم انار **شنگ**
بهندی متر اعلی سیزده من اوسط ده نیم من اولی
 هشت من و بپت پنج انار حصه سرکار سه من بپت انار
شملیت بهندی سیتی اعلی چهارده من اوسط یازده من
 اولی نه من و سی و پنج انار حصه سرکار سه من سی و
 پنج انار **سنالی کوریز زبون تسمی است** اعلی
 بپت و چهار من اوسط نژده من اولی چهارده من
 ده انار حصه سرکار شش من ده انار **زین محرون**

از بارشش ابرو شودش سیلاب زمین از کار برافتد
 کثرت و رزان در سر انجام آن سختی کشند سال اول
 و پنجش از پنج ستانند و دوم سه سیوم چهارم پنجم
 بدستور گیرند **زمین** بجز چون از سیلابی بودن
 فراوان تفاوت رود بدینگونه بازخواست نمایند
خریفه **ماش** سال اول
 سیلابی هفت امار بارانی پنج امار سال دوم
 سیلابی یکمین بارانی نیم من سال سیوم سیلابی
 یک نیم من بارانی یکمین چهارم سیلابی دومن و
 ده امار بارانی یکمین هفت امار **جوار** سال اول
 سیلابی نیم من بارانی پنج امار دوم سیلابی یکمین

بارانی نیم من سیوم سیلابی دومن بارانی یکمین چهارم
 سیلابی سه من بارانی دومن **موتمه** از بارانی
 سال اول پنج امار سال دوم هفت امار سیوم سسی امار
 چهارم یکمین ده امار **همدره** از بارانی سال اول پنج امار
 دومین هفت امار سیوم یکمین ده امار چهارم دومن
کوردی سال اول سیلابی هفت امار بارانی پنج امار
 دومین سیلابی یکمین بارانی هفت امار سیوم سیلابی
 دومن بارانی یکمین هفت امار چهارم سیلابی سه من
 بارانی دومین من **من** ده سال اول سیلابی نیم من
 بارانی پنج امار دوم سیلابی یکمین بارانی سسی امار
 سیوم سیلابی دومن بارانی یکمین هفت امار چهارم

از بارانی
 سیوم

سیلابی ستمن بارانی دونیم من **کودرون** سال اول
 سیلابی ده انار بارانی پنج انار سیلابی بہت و پنج انار
 بارانی بہت و پنج انار سیوم سیلابی سستی و پنج انار
 بارانی سستی و پنج انار چہارم سیلابی یکمن و وہ انار
 بارانی یکمن و وہ انار **توریا** سال اول سیلابی بہت انار
 بارانی پنج انار دویم سیلابی یکمن بارانی بہت و پنج
 سیوم سیلابی یکمن و وہ انار بارانی سستی و پنج انار
 چہارم سیلابی یکمن من بارانی یکمن و وہ انار
شامخ سال اول سیلابی وہ انار بارانی پنج انار
 دویم سیلابی بہت و پنج بارانی بہت و پنج سیوم
 سیلابی سستی و پنج بارانی سستی و پنج چہارم

کمان سنو کو دوران

سیلابی یکمن و وہ انار بارانی یکمن و وہ انار
ازرن سال اول سیلابی وہ انار بارانی پنج انار
 دویم سیلابی سستی انار بارانی سستی انار **سیوم** سیلابی
 یکمن بارانی یکمن **چہارم** سیلابی یکمن من بارانی یکمن من
کنجد از بارانی سال اول پنج انار دویم بہت انار
 سال سیوم سستی انار چہارم یکمن و وہ انار **مسیع**
 کندم از سیلابی سال اول بہت انار سال دویم
 یکمن سال سیوم دو من سال چہارم ستمن **مرفف**
از بارانی سال اول پنج انار دویم بہت و پنج انار
 سیوم سستی و پنج انار چہارم یکمن و وہ انار **مخوذ**
 سال اول سیلابی وہ انار بارانی پنج انار دویم سیلابی

یکمین بارانی سی و پنج انار **سیوم سیلابی** دومین بارانی
 یکینم من **چهارم** ستم من حصه سرکار دوینم من **عقدس**
 سال اول **سیلابی** ده انار بارانی پنج انار **دویم**
 سیلابی هفت و پنج بارانی هفت و پنج **سیوم**
 سیلابی ده انار بارانی ده انار **چهارم** سیلابی
 یکمین و سی انار حصه سرکار یکمین و سی انار **ازرن**
 سال اول سیلابی ده انار بارانی پنج انار **دویم**
 هفت و پنج بارانی هفت و پنج **سیوم** سیلابی
 سی و پنج انار بارانی سی و پنج انار **چهارم** سیلابی
 یکمین بارانی یکمین **کستان** سال اول سیلابی
 ده انار بارانی پنج انار **دویم** سیلابی هفت انار

بارانی

بارانی پنج انار **سیوم سیلابی** سی انار بارانی سی و پنج
چهارم سیلابی یکمین و پنج انار بارانی یکمین و ده انار
دستور دویم در پاید شناسی بارکی که بخشیان **عظام**
در دفا تر ثبت کند عربی تازی نژاد بود عراقی
 در عراق عجم بدید آید مجنس آمیز عراقی و ترکی بود
 ترکی از توران زمین بر خیزد یا بو ترکی بار بون
 خود بوند و در ترکستان پدای یابد تازی
 هندی نژاد کزین است جنگه هندی نژاد میان
 حال است تا تو و کونت و تانکن بمرتبہ داغ
 و نوکری نرسد **دستور سیوم** دایمی که علامی
 فنامی نواب سعد الله خان وزیر قلم در آورده

خاصه از بیست هزاری تا شش هزاری سوار هر قدر
 داشته باشد اول اعتبار نمایند بیست هزاری چهار روز
 با نژده هزاری سه روز و دام دو از ده هزاری دو روز
 چهل و یک دام ده هزاری دو روز و دام نه هزاری یک روز
 هشتاد و یک دام هشت هزاری یک روز و شصت و یک دام
 هفت هزاری یک روز و چهل و یک دام شش هزاری یک
 روز و بیست و یک دام از پنجاه هزاری تا یک ستمی اول فرات
 و سوار برابر و دوم تا نصف سیوم از نصف کم
پنجاه هزاری اول که روز دام دویم نود و هفت و یک دام
 سیوم نود و چهار و یک دام **چهار هزاری** اول هشتاد
 و یک دام دویم هفتاد و هفت و یک دام سیوم هفتاد و چهار
 و یک دام

شماره

سه هزاری و پانصدی اول هفتاد و یک دام
 دویم شصت و هفت و یک دام سیوم شصت و چهار
 و یک دام **سه هزار** اول شصت و یک دام دویم
 پنجاه و هفت و یک دام سیوم پنجاه و چهار و یک دام
دو هزار و پانصدی اول پنجاه و یک دام دویم چهل و
 هفت و یک دام سیوم چهل و چهار و یک دام **دو هزار**
 اول چهل و یک دام دویم سی و هفت و یک دام سیوم
 سی و چهار و یک دام **هزار و پانصدی** اول سی و یک دام
 دویم بیست و هفت و یک دام سیوم بیست و چهار
 و یک دام **هزار** اول بیست و یک دام دویم نوزده
 و یک دام سیوم نوزده و یک دام **نصدی** اول نوزده و یک دام

دویم چهارده لک دام سیوم سیزده لک دام مشقده
اول سیزده لک دام دویم دو آزرده لک دام
سیوم یازده لک دام هفتصدی اول یازده
لک دام دویم ده لک پنجاه هزار دام سیوم ده
لک دام ششصدی اول نه لک پنجاه هزار دام
دویم نه لک دام سیوم هشت لک پنجاه هزار دام
بالصدی اول هشت لک دام دوم هفت لک
پنجاه هزار دام سیوم هفت لک دام چهارصدی
اول پنج لک دام دویم چهار لک پنجاه هزار دام
سیوم چهار لک دام اول چهار لک دام
دوم سه لک شتاد هزار سیوم سه لک شصت هزار

دین

دو بیت پنجاهی اول سه لک و پنجاه هزار
دوم سه لک سی هزار سیوم سه لک و ده هزار
دام دو صدی اول سه لک دام دویم دو لک
هشتاد هزار دام سیوم دو لک و شصت هزار
یکصدی اول دو لک دام دوم یک لک و
هشتاد هزار دام سیوم یک لک و شصت هزار دام
چهار پستی اول یک لک و چهل هزار دام دوم
یک لک سی هزار سیوم یک لک بیست هزار
سه پستی اول لک دام دوم نو و پنجاه هزار
سیوم نو و هزار دام پنجاهی اول شتاد و پنجاه
دام دوم هشتاد هزار دام سیوم هفتاد و پنجاه هزار دام

و در پستی اول هفتاد هزار دام **دویم** شصت و پنجاه هزار دام
 سیوم شصت هزار **یکم** پستی اول پنجاه هزار دام
 دوم سی و پنجاه هزار دام **سیوم** سی هزار دام **توابع**
یک سپه بر آوردی فی نفر سیایانه هشت هزار دام
 ده نفر استاد هزار سیایانه **یکصد** نفر استاد لک دام
 سیایانه **یک** هزار نفر استاد لک دام
 سیایانه **یک** اسپه دو اسپه **سه** اسپه
 ده نفر **یک** لک و شصت هزار دام سیایانه
یکصد نفر استاد نژده لک دام سیایانه
یک هزار نفر **یک** کرو و شصت لک دام سیایانه
 فی **لک** دام **تخواه** یکماهه دو صد و شصت روپه پنج آنه پاوانه ^{ماله}

دوماه

و **دوماه** چهار صد و شصت نژده روپه یا زده آنه پاوانه **سه** ماهه
 ششصد و شصت روپه **چهار** ماهه ششصد و سی و سه روپه
 و پنج آنه **پنجاه** یک هزار و چهل و یک روپه یا زده آنه پاوانه کم
شش صد و یک هزار و دو صد و پنجاه روپه **هفت** ماهه
 یک هزار و چهار صد و پنجاه و هشت روپه پنج نیم آنه **هشت** ماهه
 یک هزار و ششصد و شصت و شش روپه یا زده آنه پاوانه کم
نه ماهه یک هزار و ششصد و هفتاد و پنج روپه **ده** ماهه
 دو هزار و شصت و سه روپه و پنج آنه پاوانه بالا
یا زده ماهه دو هزار و دو صد و نود و یک روپه
 یا زده آنه پاوانه کم **دوازده** ماهه دو هزار و پنجاه و سه
دستور چهارم در واد نمود و مواجب اهل هندوستان و ایران

دوماه

در عهد شاه جهان و عالمگیر **امراهندوستان** تیول عن الدولة
 آصف خان خانان سپه سالار بستان که در دام **حاصل** نجاه که در سپه
هریک از نواب سعد الله خان وزیر عظم و علیمراد خان امیرالدولت
 میر بخشی **نواب سعد الله خان** دو آزرده کرور دام **حاصل**
 سی لک روپه **نواب علیمراد خان** دو آزرده کرور دام **حاصل**
 سی لک روپه **امراء هفت هزاری** که هفت هزار سوار بختیار
 دو کسبه و سه کسبه دارند بستانند دو آزرده کرور دام **حاصل**
 سی لک روپه **امراء توران** عبدالرحمان دیوان سکی لیا
 اشتاد هزار روپه **اتالیق** بلخ و بخارا هر یک لیا نه غنای
 هزار روپه **اورانزی** سالیانه پنجاه هزار روپه **نهار بک**
 او علی سالیانه چهل هزار روپه **امراء ایران**

اعتماد الدوله

اعتماد الدوله که وزیر را میگویند بطریق علوفه
 سالیانه یک لک روپه رسم الوزارت که پیش
 شاه مینمایند دو لک روپه سپه سالار سالیانه
 سه لک روپه **قورچی باشی** سالیانه پنج لک روپه
تفنگچی آقاسی سالیانه یک لک روپه
قورقاسی سالیانه یک لک روپه
بکله بکی خراسان که زیاده از همه می باید سالیانه
 ده لک روپه **قورچیان یوزباشی** ده تومان
 سی تومان **جبل تومان** پنجاه تومان **تفنگچی منکباشی**
 سالیانه پنجاه تومان **شصت تومان یوزباشی**
 سالیانه **بانزده تومان** سی تومان **غلامان**

یوزباشی سیالیانہ پانزده تومان سسی تومان
 چهل تومان پنجاه تومان **منو اول** در بیان سیر
 خلافت و اورنگ سلطنت شاهجهانی و سلاطین
 بهمنیه و کهن **تخت مرصع** شاه جهانی یک کرور
 روپه طلا دو لک پنجاه هزار مثقال یک لک تو لچه
 چهارده هزار روپه **جواهر کلان** وزن مشتادوشن
 لک روپه **طول** سه درعه چهار کره **عرض** دو درعه
 هشت کره **ارتفاع** پنج درعه **تخت مینا کارن** جهان
 پنج لک روپه **طول** دو درعه هشت کره **عرض**
 یکم درعه یا زده نیم لتو **ارتفاع** سه درعه هشت
 یک لک **منو دوم** در انعامات روز جلوس

شاه جهان

شاهجهان و اخراجات یسافهمای پنج و بخارا
انعامات یک کرور مشتاد و دو لک روپه
 اخراجات یسافهما چهارده کرور روپه **منو سوم**
 در مناصب **شاه زادگان** **داراشکوه**
 ابتداء روزینه ششصد روپه **منصب سابق**
سابق هفت و سه کرور دام حاصل پنجاه و منفک
 پنجاه هزار روپه **سابق** و لاحق شصت کرور
 دام حاصل یک کرور پنجاه لک روپه **محمد شجاع**
روزیت چهارصد روپه **انعام** تا سنی و یک
 جلوس **اشرفی** یک لک مهر **روپه** مشتاد و یک
 لک روپه **منصب** هفت و چهار کرور دام حاصل

شصت لک روپہ **محمد اورنگ زیب روزینہ**
 اول سید روپہ **نمائا احوال چار صد روپہ منصب**
 ہفت و چار کروڑ و دہائی **حاصل شصت لک روپہ**
محمد مراد بخش دو آزدہ کروڑ و دہائی **حاصل سی لک**
 روپہ **سیمان شکوہ اولین ظف دار اشکوہ**
 کروڑ و دہائی **حاصل دو لک و پنجاہ روپہ سپہر شکوہ**
 دوین پور دار اشکوہ کروڑ و دہائی **حاصل دو لک**
 پنجاہ ہزار روپہ **شاہزادہ محمد منظم شاہ بہادر شاہ**
 بعد فتح حیدرآباد از اصل و اضافہ **چل ہزاری**
 سی ہزار سوار **منوچہر چہارم در وجوہ ماہا دواؤں**
 کا نہ پنجاہ در عہد شاہ جہان سوار وزن شمسی و

قری

ہفتا دو نہ ہزار **ساتھام عہد عالمگیری**
 یکم رمضان سی ہزار روپہ **دویم محرم دوازده ہزار**
 روپہ **رمضان شصت ہزار روپہ چہار ماہہ**
 بموجب گذشتہ چل و نہ ہزار چہارم رجب و نہ ہزار
 روپہ **پنجم شعبان بازدہ ہزار روپہ ہفت ماہہ**
 باقی ماندہ فی شہرہ ہزار ہفتا و ہزار **سیوم**
 ربیع الاول دوازده ہزار **منوچہر در تاریخ تولد**
 و شتقار شدن سلاطین جغتایہ **امیر تیمور**
ولادت شب سہ شنبہ ہفت و پنجم شعبان در
 نواحی شہر سبز **سنہ ہفتاد و سی و شش شتقار**
شدن ہفتاد شعبان شب چہار شنبہ در برابر **ہفت**

مدت العمر بقا و سال یا زده شهر بست و دو یوم

قمری **مدت السلطنة** بالاستقلال سی و شش سال

مرقد در سمرقند

ظهير الدين محمد بابر بادشاه . ولادت در ماوراءالنهر

ششم محرم سنه هشتصد و هشتاد و هشت

شقاقت شدن در کبير اباد ششم جمادی الاول

روز دوشنبه سنه نهصد و سی هفت **مدت العمر**

چهل و نه سال چهار شهر یک یوم قمری **در سنه**

بچ سال پنج یوم در ماوراءالنهر و غیره سی و دو سال

یا زده شهر بست و پنج یوم **مرقد در کندرگاه کابل**

نصير الدين محمد هایلون بادشاه . ولادت در کابل

ش

شب سه شنبه چهاردهم ذی قعدة سنه نهصد و پنجاه

شقاقت شدن در واهلی روز یکشنبه سیزدهم ربیع

الاول سنه یک هزار و شصت و سه **مدت العمر**

چهل و نه سال چهار شهر ده یوم قمری **مدت السلطنة**

بست و یک سال پیش از نورش شیر شاه ده سال

بعد یا زده سال **مرقد در کیلو کهری متصل به**

جلال الدين محمد اکبر بادشاه . ولادت در امرکوت

شب شنبه پنجم رجب سنه نهصد و چهل و نه **شقاقت شدن**

در کبير اباد شب چهارشنبه دو آردهم جمادی الثانی

سنه یک هزار چهاردهم **مدت العمر** شصت و چهار

سال یا زده شهر هفت یوم قمری **مدت السلطنة**

پنجاه و یک سال دوششمه **مرقد در کنگره الکبر ابابو**
نورالدین محمد جهانگیر بادشاه ولادت در پنج پور روز
 چهارشنبه هفدهم رجب الاول سنه هفتصد و هفتاد و هفت
شیخ قاسم در خلیفگی هجرتی روز یکشنبه بیستم
 صفر سنه یک هزار و سی و هفت **مدت العمر** هفتاد و شش
 سال **شهرت** هفتاد و هفت **مدت السلطه** و غیره
مدت السلطه سی و یک سال **شهرت** هفتاد و دو **مدت تار السلطه**
هفت سال **مرقد در الکبر ابابو** **محمد الدین محمد اورنگ**
زیب بادشاه ولادت در ده دوشنبه سنه یازدهم
 ذیقعد سنه یک هزار و هفت **شیخ قاسم** در احمد
 روز جمعه بیستم فری قنده سنه یک هزار و یکصد و شصت و دوم

شاه جهان بادشاه
 از خلیفگی هجرتی

مدت العمر نود و یک سال **شهرت** هفتاد و دو **مدت السلطه**
 پنجاه سال **دوششمه** هفتاد و هفت **مدت السلطه** در خلیفگی ابابو
 بمسافت هفتاد و دو **مدت السلطه** ابابو **شهرت** هفتاد و دو
 در حسن و قبح رفاه رعیت و اسودگی سپاه و حالت
 ثبات و فرسودگی اینها که از حدین کتب بهستانی و از
 اقوال حکما یونانی باختصار و ایجاز در آن آغاز شد
 بدانکه حکمت کامله افرید کار اقتضا آن میباشد که افر
 خلافت و فرمان رومی بر فرق سعادت مند می نهند
 که نظام کارخانه کون و فساد را زینت بخشد تا دین
 و دولت در ظل حمایتش و سپاه و رعیت در پناه سایه
 عاطفتش از ظل و نقصان و جور و طغیان مطمئن بوده باشد

۱۲۷
سرگاه منشی دارالملک فضا و قدر تو قیام و قسح
سلطنت را بطعرا، غرا
بنام کی از بسدگان الهی رقم اقبال کشد آن برزیده
انفس و افاق نامل فرماید که منشور نویسی را در دست از
برایج و خلوه و غم و دزدگان را بر صفحه حال بیج مخلوق
مرفوم است خست و نام نیک و بد ثبت دفتر کائنات
بشود و هر نفس نهر را در آمد و رفت وجود و عدم روز
اول و آخر مساوی هم است بی اختیار بی بوم بفر المراد
من اخبه و امه و امه و صاحبه و بنیه را در نظر داشته
رضای خالق و مخلوق را اختیار کند احکام شرعی را که
بر عرش برین نفوق وارد بر کسی نشانند که تا سیس

اوان

اوان رفیع البسیان دین بسین براساتین تیغ
جهان کشای سلاطین است پایه اقتدار علم را
که بمعراج علما، امتی کانبیای نبی اسرائیل سر ز فلک
کشیده است از اوج بحضیض و از صعود بهبوط نموده
تا کوب اقبالش در دبال نیست و گروه فقرا را که فقیر
فخری از ان خبر دهد معزز و محترم دارد خلاصه کلام
انکه در امر معروف و نهی منکر در ستور العمل بر برسد
کافی و دانی نیست و چون صنیغه قوانین جهانند اریک
ترکیب علی سده در دروازه این شکل نتیجه زاید که در
قطاس قیاس منظر و بیان این معانی بدیع نمکبند
و سخن صلوة و زکوة و حج و عمره نیست در نیاب مردم

بوزباشین را برستند زین چه کار شخصی که روغن
 چراغ از یک بیامان براد بچرب زبانی او شمع دوست
 روشن نشود بچه باز از اشیا ن غلیو از پرواز کرده
 باشد اگر بظطرت اصلی نرو و چنگل و متقار بخون کبک
 تو به سار نیالاید با هر کس همکلامی اگر چه تبعیت خلفاء
 و دواب اهل عدالت و صفات است لیکن پیشه سلطنت را
 زینان دارد و غزل و نصیب عمال در ماه و سال هر چند بگاه
 ان برگزیده و الجلال انشانت است اما شمانت عزیت
 و شمانت اهل جور و بدعت است امور حکومت و شعل
 عمل در ابتدا بشخصی مفوض شود که زرغلش بر محک تجربه
 رسیده کامل العبار باشد نه آنکه خریف را در ربع خریف

نمود

شود و اگر خوشه سنبه را پند فی الحال ذیل امل را
 مجرور داشته میزان تمیز را نصب تا کرده دست از
 دراز کند و بهر حال رعایت را با رعیت ملحوظ داشته
 در صد و رافات سماویه و ارضیه باستصواب است
 خدا ترس مجری دهد و پوسته مردم بی غرض را که
 با بیچکس زد دعوت و دوستی بناخته باشند
 بمناسب و موجب از جنده زیاده از متمنی ایشان بلند
 داشته بخفیه نویسی و قالیع رعیت و سپاه مامور دارو
 که بی شائبه دروغ و آمیزش کذب احوال خلق الله
 مکشوف گردد و هر که اخذ متی معین گردد و کیرسی با
 او سبیم نباشد تا روز بازخواست جای عذر نبود و

خلاصه جموع اصلياً قی ممالک محروسه را فضل بفضیل و
 سال بسال ملحوظ داشته در زیادت و نقصان تحصیل
 از گذشته و پیوسته پژوهش رود که استعداد قابلیت
 عمال و مالکدار می رعایا هر یک ازین مشخص شود و باج
 خراج هر ولایت را بدستور معمول قدیم همان ولایت
 باز گذارد و هر چه در قاعده مستمره بدعت رفته باشد
 براندازد و رعیت را نحوی مرفه دارد که مردم ولایات
 و در دست اسودگی آنها را شنیده آرزو مند رعیتی شوند
 و جماعه سپاه که از دیدار زن و فرزند محروم مانده بر کاتب
 دولتشن بوسه زده قالب تهنی کند از وجه موجب
 و سورات و چهره و جاکیر و سیورغال و

و اسقاط و انعام بی بهره نماید تا در نزد دست سفر که
 قطعه سفر گفته اند و اتفاق جنگ و جدل طبل کامرانی
 را در معارک جان ستانی بلند اوازه داشته علم طفری هم
 برابر قلعه سبع سموات بر افرازد و اگر یکی از بنده با سراج
 الاراوه نقد حیات بی ثبات را در بازار نیکو خدمتی
 در باز دلس پس مانده کان او را چنان نوازد که دیگران
 شپشه خاطر را از سنک اندیشه متعلقان مامون داشته
 در بر زم رزم جرعه نوشش مایه شفاست و مردانگی
 باشند قاعده آسودگی سپاه و رعیت را از مردم
 باید آموخت که پی دو عصا نوز و منزل مقصود نمیشوند
 شد و هر گاه حالت سپاه بمرتب رسد که بزمان کنند

چهره جز کجند خال نداشته باشد عقاب تیرش پر رنجسته
وارش میان کمان چله نشین کرد و اسپش جز
مزرعه فلک و اخور کملشان برک کاهی کاهی
نه پند خود معلوم است که از سپاسی اسلحه در کرد و چه
زاید و از سپ بی وجود نیاید اگر هر تن تهنن بود در
جسد ال زال ملال شود رنج بی کج حرکت کشتن
لمی بر خود نکشد و چون حالت بر ملالت رعیت
باسلوی پی شود که از حوالمات صادریات و تکالیف و
دیونانی هم آرام نیافته در سر انجام کلدسته بندیه
زر جعفری خار خارا ندیشم در دل داشته غنچه
اسا غوطه در خون زده نافرمان نباشد و کلبانک

آمد آمد محصل دیگر بشنود صامندی محصلان را
سرمایه بی کرنندی دانسته فرمایش حضور را عایت دانند
یا به تقویت همسایه قوی دیگرم و یا بوطن مسکلم
مغز و کشته آخر محصلان را جواب دهد و انرا که جانی کیز
نیت چون راه استعاشه بدرگاه کبریا مسدود نیت
بالفرض اگر در هر نفسی عشر عشر کمال باشد چون
بر زوال بندد و قوت نفس کامل بصر شد تا آنکه صوبه
و سرکار از حشو و بارز فرو افتد و از مفزده خارج شود
بمن ذلک چه رسد بخشی را بجز و بسته کاغذ در دست
نماید و اروغ و غم داع را سینه داغ و اطلاق نویس
را دل در قصب میر آتش از غم پاره فارغ نباشد و همبرین

۱۳۱
این باغستان روزگار بی طراوت شود و نصرت
نه بخشند **نمو هفتم** در دعای بقای این عهد
عدالت و ممد بر خي خصوصیات این اوان سعادت
قدران بحکم نص قاطع و حجت ساطع ان الله
لا یغیر ما بقوم حتی یغیر و اما با نفس هم چون و ای
هندوستان در امر معروف و نهی منکر کما اجتهد
نه نسبت مواد فاسده فسق و فحور مزاج عالم را از منج
اعتدال اسلام منحرف داشت چون در دار الشفاء
حکمت کامل قانون دوائی هر دردی را ذخیره
دستور العلاج مقرر است بجهت استفراغ اخلاط
رودیه خلاب نادری معجون فرموده که دیده غمخواره

بسیار چشم پوشیده کار از کار کاسه سر بر آورده بر کف
دست نهادن **اشش** کردار خود را هر یک نصیب
العین دید فاعبر و ایا اهل البصائر او هم چون بسیار است
شرعیه نه پر داخه بقوت غضبی و استیلاء نفس
دست تخریب دهند ام به بنای وجود انسان که
شهرستان بدایع صنایع است دراز کرد آنچیز
سودا اعظم وجودش خلقی راه یافت ظاهر است
که آثار اطلالش مانند خنفا بهم الارض کو یاد در شان
اوست ناظران کارگاه قضا و تکفلان کارخانه
تقدیر خواستند که عالم پر از فر صاحب دولتی جوانی
از سر گیرد و در بنما که جماعه افغان در ابا م دولت مغل

کشیده و با دیدن نهادنده اند و بعد از محمد شیر شاه نان
 جوئی بشکم میر نخورده اند در نیولان رخ بکنج بدل
 کرد و لاجرم کار پردازان اسمانی بامر سبج او رنگ
 خلافت و سر بر سلطنت را بفر قدوم میمنت لزوم
 باد شاه ظفر سپاه در یاد دل ابر دست حق جوئی
 حق پرست جوان دولت فیروز بخت قوی صوت
 فیروز بخت خورشید رای مشرق ضمیر صبح سیماء
 مهر نیز ما چهره ایت نصرت و فیروزی شمس ایوان
 دولت و بهروزی اسلام پرور کفر سوز ظلمت زوای
 نور اندوز زمار کسل بت شکن حق دوست باطل دشمن
 افتخار خواقین جم شکوه استظهار سلاطین موعودت

پژوه صبح جبین سعادت کلاه سپهر شکوه نجم
 سپاه منظر اتم پروردگار رحمت اعم افرید کار شاه
 دین پرور عالم نپاه خدیو شریعت کسرت خدا کاه مروج
 دین احمدی موقر ملت سرمدی شریعت مطیع سلطانین
 مطاع نقش بدیع خامه ابداع مرکب نشین چار
 بالمش سلیم سینه دره التاج سلطنت و کشور
 ستانی رنگ آمیز الوان معانی بزم افروز جهان
 نکتته دانی آفتاب عالم تاب سروری و سرافراز
احمد شاه بادشاه فازی در درانی خلد الله ملکه
 واقاص علی العالمین بره و حسانه مزین
 اردن سیده حال روزگار که باختلال کرد و انبیده

۴

نو زینت اصلاح یافت بسا برهنگان احتیاج شریف
 عطا و احسان در بر کشیدند افغانان کوه نشین
 خصوصاً کوهساریان نواحی پشاور که در سوا
 ایام همه فروشی و خرکشی روزگار گذارند بیک
 و در کوچ و بازار راه گذارند شستند و به تمهت
 و زودی گرفتار آمده از خاک مذلت بردار رسوائی
 می آمدند و در غارخانه دو و آلود و جامه چرکین که چشم
 انتظارش براه ساپون سفید لودی سفینه
 نان جواری را بدریاب و غاب بساحل زندگی
 میکشیدند امر و زطوائل سپان تازی تزداد و کاخها
 فرنج دارند لباس و پا و استبرق حرر و حقیقه

لک

سرچ مرصع بر سر جام بلوری و چینی فغفوریه
 از سفال بیشتر دارند و ندانی که ازندان گذر کردی
 از فالوده خوری و اسمه شکستن دارد و افغانان
 بالکدار پشاور که پیش ازین از غم دستک طلب
 خصوصاً طلب رزق و حیه و دستک باقی زرقط
 و انواع تکالیف فارغ نبوده التفات هندوی
 ز نار بندیرا شیرازه اوراق جمعیت داشته بدو
 دیوان گفتن دیوانه میشدند از بسیاری که کاوش
 زمین میسرازند کاوی که زمین بر پشت دارد و بخود
 میگزید و جگ و فلک میسراید کالبد عنصری پیوند را
 جامه هزار پیوند میسرا نبود و شکم پر پیچ را بخر کال

۱۳۴
وارزن هیچ نه بقدر محمد و المشه که درین دولت
پائیدار بر جی فیصل سوار و صاحب منصب اعتبار
و ادنی رعیت بصوبه وارنمی پرواز دار با مان عمده
را نامش بر زبان نیارم ملکان دیسات که در
دفتر و شناس نیستند آنها برو تیره زندگی میکنند
که جنات الماومی را از مسکن آنها شک می آید از
بسکه این خدیو در با نوال با غراز علی و سلطان
توجه بهت مصروف میفرماید و فی الواقعه مرد پشاور
علما، ثقه که ارتقا و آسامی سامی ایشان این مختصر
مطول میشود و فقرا، صلحا بسیارند اما اکثری تبیس و
سالوسن در خرقة ایشان درآمده بیک صیفه

ز نجافی زن جانی را از بر شوهر میکنند و عیب را
بر کشتانده به بیع نامزد کرده سلم را سلم ایوان مقصود
میسازند و کشف ستر عورت را کشف و کرامات و
خرق کریبان رسوای خرق عادات میدانند
انما هم از پایه اعتبار و وقار نفی داده اند غرض از
تسویل این عبارات آنکه بر کافه ما ذکرنا حق و عا بقا
و جا و بد این دولت عظمی لازم و مستحکم است که صبح
و شام علی التوام در درشته غفلت را بخود راه نهند
حق تعالی بفصل عظیم خویش عنایت بی غایت
خود را این بادشاه در ویش منش فقیر دوست
منقطع نکند و روز بروز نیرد دولت و اقبالش را مانند

اورنگ نشین اقلیم چهارم درخشان و تابان
 داشته فروغ بخش هفت اقلیم گرداناد و بر عاقبت
 نام نامی انگشتر بن خاتم السلاطین در دست فیض
 پرستش و هدیه دار الملک صورت و معنی را از میان
 فیض وجود سعود و هایلوشش تا زمانه روق داده
 معمور دارد بجن الشبیبی واله **نمو هشتم** در دعاء
 جاوید زندگی طبر سریر سلطنت و مشیرند بر مملکت
 چون انتظام و نظام کارخانه سلطنته بصلاح دولت
 خادمان خیر اندیش وابسته است تا منطوقه و شاد و تم
 فی الامر تشبیه نیگوید بد خصوصاً در وزارت در خور فطرت
 آن عالی نژاد بست که نیایش و نیار منسیرا باوصا

ب

طبی و کارا کبی جمع ساخته محزون امیر خلیفه
 الهی باشد و از جد کاری زمانی بفرمودن و زبان بپزه
 در ای نگشودن و پاس رعیت و سپاه داشتن و
 کاسه چینی ترش رودی از طاق ابر و فرو کده شدن
 در نیاب از شرایط است المنته قد که زمان مهمام
 خواص و عوام بر کف کافی و در قبضه اقب در بندگان
 سف مکان وزارت و شوکت دستگاه اعتقاد
 خلافت و فرمان روائی اعتماد سلطنت و کشور کشایی
 دانامی ضمیر خلیفه الهی کنخور امیر اباد شاه سبک
 دست بجن خود و گرم کران رکاب مضامینات قدم
 ساغر سکن بدستان پنجه تاب در اردستان نیازند

کتابخانه
عالمی
ایرانی
تهران
۱۳۰۶

بارگاه الوهیت ناصیه افروز سجود عبودیت نظر
کرده سعادت ازلی دست پرورده لطف لم یزله
صاحب الشوکه و العظمت و الاحترام و احب القرب
و الشرف و الاحترام صاحب فطرت عالی عنوان مثال
پیشانی نواب آصف جناب قمرکاب **شاه ولیعالم**
شرف الوزرائی در سینه با میری وزیر اعظم و دستور
موظم سرکار خاصه شریفه **مواض** است که باز بلند بر
اندیشه خرد پیشه دشمن ترین فکر شنیش و لمای
خطابنی را صید کرده شرفیت و وضع و مس و وضع
و بسته فزاک اوست از کمال حیا حرفی بر زبان
گوهر افشانش رفت که موجب انفصال کسی شود

چون چشم جا، حیا است اگر چشم عالمیانش
خوانده رواست با وجود این رتبه بلند سخت نرم
و خاکسار است آزی منیه نرم از تیغ درشت سینه
کنند و شجر خاک نشین سر بلند بود شواغل بندوست
مالک محروسه ایکی بذات ملکی صفاتش
مروج نادقیقه دقیقه و وزه دوزه درجات
سوارات بر ضمیر مهر تنویرش تا بد روشنی بخش
بخش آرام نمیشود و با جای لبالی می پردازد و بهر
نی که باشد به روانه که صید توان شد مردم
در زد و یک را امیدوار ساخت به دام خدمت
رکار دولت مدار آورد و قرانه هوش افزای

من عمل صالحا فلنفسه ومن اساء فعليه الجحيم
 هوش هر يك رسانيده چنين غفلت هر كس را
 بسلام معجز نظام وما علينا الا البلع المبين بدر
 آرد اين خوبی كه در ذات ذات الحسنا تش فراموش
 آمده در فراخنامي وجود كمت نشان دهند محاسب
 و دوستدار فقرا و ملاذ غربا و معاذ صعفاست
 حق تعالی كافه رعایا و قاطبه برای ارا در سایه
 به پاییه آن یگانة النفس و الفاق الى قیام الساعة
 و ساعة القیام مرقة الخال و مرقة
 اقبال و عظمت و جلال از منزین انبندگان كریا
 و دولت اساستش به سخن الحق و واجبیه



